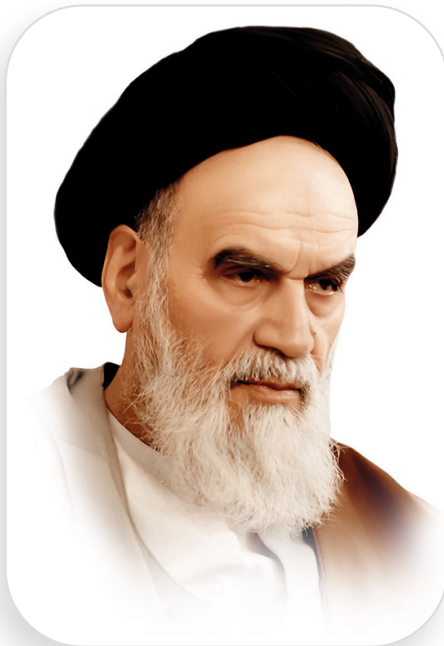






«میزان رد و قبولی موازین اسلام و انسان باشد که هدایت جاهلان
منظور نظر اصیل است»



«در تشخیص‌ها، در گزینش اشخاص و در گزینش مسئولان باید خدا را
در نظر بگیرید، گزینش باید هوشمندانه، عالمانه و دقیق باشد»

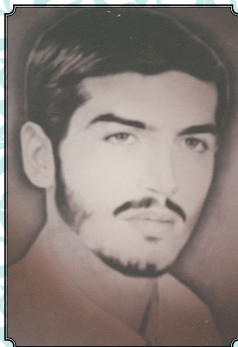
تقدیم به روح پاک و مطهر امام راحل و شهدای
نظام مقدس جمهوری اسلامی بخصوص
شهدای گزینش صنعت نفت



شهید فرهاد صابر



شهید بیژن (امین)
شحیطاط



شهید حسین ملکی



شهید محمدتقی قدوسی



شهید محمدعلی فنائی



شهید نادر شفقت

بایسته‌های گزینش

(مجموعه آموزشی)

دبیرخانه هیأت مرکزی گزینش وزارت نفت



انتشارات اداره کل روابط عمومی وزارت نفت



کتاب بایسته‌های گزینش (مجموعه آموزشی)
گردآوری: دبیرخانه هیأت مرکزی گزینش وزارت نفت
هماهنگی و اجرا: سید مرتضی میرحسینی، نرگس السادات میرقادری
ویراستار: مرضیه بیگی فرانی

ناشر: انتشارات اداره کل روابط عمومی وزارت نفت
نشانی: خیابان طالقانی، روبه‌روی وزارت نفت، ساختمان ۳۴ نفت، طبقه سوم، تلفن: ۶۱۶۲۶۰۳۰
تلفن روابط عمومی هیأت مرکزی گزینش وزارت نفت: ۰۲۱-۸۸۵۲۳۲۰۱
پست الکترونیک: entesharat@mop.ir

چاپ اول: ۱۴۰۳
شمارگان: ۲۰۰ نسخه

تمامی حقوق برای انتشارات اداره کل روابط عمومی وزارت نفت محفوظ است

فهرست مطالب

۲۱	مقدمه
۲۷	فصل اول: آشنایی با گزینش
۲۹	متن فرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی
۳۲	تاریخچه گزینش
۳۲	تصویب در مجلس
۳۲	تسری قانون گزینش
۳۳	فرایند گزینش
۳۴	مراحل گزینش
۳۵	ضوابط عمومی گزینش و استخدام
۳۶	ضوابط انتخاب اصلح
۳۶	نحوه رسیدگی به شکایات گزینش داوطلبان
۳۶	ترکیب و وظایف هیأت عالی گزینش
۳۷	ارکان گزینش کشور
۳۹	فصل دوم: اصول عقاید
۴۱	مقدمه
۴۲	گفتار اول: توحید
۴۲	فطری بودن اعتقاد به خدا
۴۳	غفلت در امور فطری
۴۳	شناخت خداوند از طریق نظم جهان
۴۴	مثالی درباره نظم پدیده ها
۴۵	اثبات وحدانیت و یگانگی خداوند
۴۷	گفتار دوم: عدل الهی
۴۹	گفتار سوم: نبوت
۴۹	لزوم بعثت پیامبران
۴۹	بشر، موجودی اجتماعی
۵۰	عصمت پیامبران
۵۱	معجزه پیامبران
۵۲	گفتار چهارم: امامت
۵۲	صفات امام

امامت در آیات.....	۵۳
آیه انذار.....	۵۳
آیه تبلیغ.....	۵۳
آیه اکمال.....	۵۳
آیه ولایت.....	۵۴
آیه اطاعت یا اولی الامر.....	۵۴
امامت در احادیث و روایات.....	۵۴
روایت امام باقر(ع):.....	۵۴
حدیث غدیر.....	۵۵
حدیث ثقلین.....	۵۵
حدیث جابر.....	۵۶
ستارگان آسمان ولایت.....	۵۶
غیبت امام زمان (عج).....	۵۷
غیبت صغرا.....	۵۷
غیبت کبرا.....	۵۷
امام مهدی (عج).....	۵۷
انقلاب اسلامی، زمینه ساز ظهور.....	۵۸
ولایت فقیه.....	۵۸
دلایل ولایت فقیه.....	۵۹
شرایط ولی فقیه.....	۶۰
ولایت فقیه، تداوم خط امامت.....	۶۰
گفتار پنجم: معاد.....	۶۳
دلیل نخست.....	۶۳
ارتباط عدل و حکمت خدا با معاد.....	۶۳
دلیل دوم.....	۶۴
هدفدار بودن خلقت.....	۶۴
فصل سوم: احکام.....	۶۵
اهمیت تکلیف.....	۶۷
اهمیت یادگیری احکام شرعی.....	۶۷
احکام.....	۶۸

۶۸.....	اقسام احکام.....
۶۹.....	راه‌های عمل به احکام.....
۶۹.....	ضرورت و لزوم تقلید در احکام.....
۷۱.....	شرایط مرجع تقلید.....
۷۲.....	آب‌ها.....
۷۳.....	ویژگی‌های آب مطلق.....
۷۳.....	ویژگی‌های آب مضاف.....
۷۳.....	طهارت.....
۷۳.....	مطهرات.....
۷۶.....	نجاسات.....
۷۷.....	وضو.....
۷۷.....	اقسام وضو.....
۷۷.....	ترتیبی.....
۸۲.....	غسل.....
۸۴.....	تیمم.....
۸۵.....	چیزهایی که تیمم با آنها صحیح است.....
۸۶.....	نماز.....
۸۶.....	نمازهای واجب.....
۸۶.....	لباس نمازگزار پنج شرط دارد.....
۸۷.....	مکان نمازگزار.....
۸۷.....	اذان و اقامه.....
۸۸.....	آموزش نماز.....
۹۱.....	واجبات نماز.....
۹۲.....	مبطلات نماز.....
۹۳.....	شکیات نماز.....
۹۴.....	شکیات صحیح نماز.....
۹۵.....	نماز احتیاط.....
۹۵.....	سجده سهو.....
۹۶.....	نماز مسافر.....
۹۷.....	نماز جماعت.....
۹۷.....	شرایط نماز جماعت.....

نماز آیات.....	۹۸
نماز عید فطر.....	۱۰۰
نماز جمعه.....	۱۰۱
احکام روزه.....	۱۰۳
احکام روزه مسافر.....	۱۰۴
احکام خمس.....	۱۰۶
مصرف خمس.....	۱۰۶
احکام زکات.....	۱۰۷
زکات فطره.....	۱۰۷
امر به معروف ونهی از منکر.....	۱۰۸
شرایط امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۰۸
احکام قرآن.....	۱۰۹
احکام پوشش آقایان.....	۱۰۹
احکام روابط زن و مرد.....	۱۱۰
گفت و گوهای حرام.....	۱۱۰
نگاه‌های حرام.....	۱۱۱
اقسام نگاه به نامحرم.....	۱۱۱
نگاه‌های مجاز.....	۱۱۱
دوستی با نامحرم.....	۱۱۲
تماس بدنی با نامحرمان.....	۱۱۲
نکاتی درباره زینت در برابر نامحرم.....	۱۱۳
اختلاط با نامحرمان.....	۱۱۳
خلوت با نامحرم.....	۱۱۳
ارتباط تلفنی با نامحرمان.....	۱۱۳
احکام فضای مجازی.....	۱۱۴
فصل چهارم: احکام بانوان.....	۱۱۵
احکام بانوان.....	۱۱۷
احکام استحاضه.....	۱۱۷
احکام حیض.....	۱۱۸
نفاس.....	۱۲۰

فصل پنجم: عفاف و حجاب	۱۲۳
مقدمه	۱۲۵
تاریخچه حجاب	۱۲۵
حجاب در قرآن	۱۲۶
اقسام حجاب	۱۲۷
قانون حجاب در قرآن	۱۲۸
نقش حکومت در حفاظت از حجاب	۱۲۸
فلسفه حجاب	۱۲۸
۱- حجاب از دیدگاه قرآن کریم	۱۲۸
۲- حجاب از دیدگاه شهید مطهری	۱۲۹
۱-۲- آرامش روانی	۱۲۹
۲-۲- حفظ ارزش و بالا بردن احترام زن	۱۳۰
۳-۲- استحکام پیوند خانوادگی	۱۳۰
۴-۲- استواری اجتماع	۱۳۰
۳- حجاب از دیدگاه امام خمینی (ره)	۱۳۲
۴- حجاب در بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای	۱۳۲
تساوی زن و مرد یا تفاوت آن دو از نگاه اسلام	۱۳۳
پوشش عفیفانه - پوشش غیر عفیفانه	۱۳۴
آثار حجاب	۱۳۴
۱- موفقیت‌های معنوی	۱۳۴
۲- احترام	۱۳۴
۳- مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب	۱۳۵
۴- کاهش مفاسد	۱۳۵
۵- آرامش و امنیت مردان	۱۳۶
رابطه حجاب و عفاف	۱۳۶
فصل ششم: اخلاق	۱۳۹
اخلاق چیست	۱۴۱
اهمیت اخلاق	۱۴۱
فضایل اخلاقی	۱۴۲
رذایل اخلاقی	۱۴۳
دروغ	۱۴۳

غیبت	۱۴۴
سخن چینی (نمایی)	۱۴۴
اهانت به مؤمن	۱۴۴
اخلاق در قرآن	۱۴۵
اهمیت و ارزش کسب و کار در اسلام	۱۴۶
فواید کسب و کار	۱۴۷
آداب کسب و کار	۱۴۷
نظم و انضباط در محیط کار	۱۴۷
کم کاری نکردن (عدم اهتمام شایسته به وظایف محوله)	۱۴۸
غافل نشدن از یاد خدا به واسطه کار	۱۴۸
تعهد کاری و انجام دادن کار به نحو شایسته	۱۴۸
دخالت نکردن در وظایف دیگران	۱۴۸
امانت داری	۱۴۸
روزهای هفته	۱۴۹
مهم ترین فواید کار	۱۴۹
زمان و مکان کار	۱۵۰
اخلاق در فضای مجازی	۱۵۰
بایسته های اخلاقی فضای مجازی	۱۵۰
۱- مدیریت زمان	۱۵۱
۲- حریم خصوصی افراد	۱۵۱
۳- رعایت حقوق معنوی	۱۵۲
۴- صداقت	۱۵۲
۵- پرهیز از شایعه پراکنی	۱۵۳
۶- پاسبانی حیا	۱۵۴
هدف نهایی دشمن در فضای مجازی	۱۵۵

فصل هفتم: ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران و آگاهی های سیاسی

.....	۱۵۷
گفتار اول: ساختار سیاسی جمهوری اسلامی	۱۵۹
اصول کلی ساختار نظام جمهوری اسلامی (بر اساس اصول مندرج	
در قانون اساسی)	۱۵۹
شیوه حکومت در اسلام	۱۶۰

ولایت فقیه عادل	۱۶۲
اصل اول قانون اساسی	۱۶۲
اصل پنجم قانون اساسی	۱۶۲
رهبر	۱۶۳
اصل یکصد و هفتم قانون اساسی	۱۶۳
وظایف رهبری	۱۶۵
اصل یکصد و دهم قانون اساسی	۱۶۶
مجلس خبرگان رهبری	۱۶۶
مجمع تشخیص مصلحت نظام	۱۶۶
اصل ششم قانون اساسی	۱۶۷
اصل دوازدهم قانون اساسی	۱۶۷
اصل سیزدهم قانون اساسی	۱۶۸
اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی	۱۶۸
اصل نود و یکم قانون اساسی	۱۶۸
اصل نود و چهارم قانون اساسی	۱۶۸
اصل نود و نهم قانون اساسی	۱۶۹
قوه مقننه	۱۶۹
مجلس شورای اسلامی	۱۷۰
اصل شصت و دوم قانون اساسی	۱۷۰
اصل شصت و سوم قانون اساسی	۱۷۰
اختیارات و مسئولیت‌های مجلس شورای اسلامی:	۱۷۰
شورای نگهبان	۱۷۱
اصل نود و دوم قانون اساسی	۱۷۱
وظایف شورای نگهبان	۱۷۱
قوه مجریه	۱۷۱
ریاست جمهوری	۱۷۲
اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی	۱۷۲
شرایط ریاست جمهوری	۱۷۲
اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی	۱۷۲
مدت دوره ریاست جمهوری	۱۷۲
اصل یکصد و چهاردهم قانون اساسی	۱۷۲

اصل یکصد و سی‌ام قانون اساسی.....	۱۷۲
عوامل اختتام ریاست جمهوری.....	۱۷۳
وظایف و اختیارات رئیس‌جمهور.....	۱۷۳
قوه قضائیه.....	۱۷۴
وظایف قوه قضائیه.....	۱۷۴
وظایف رئیس قوه قضائیه.....	۱۷۵
دیوان عالی کشور.....	۱۷۵
دیوان عدالت اداری.....	۱۷۵
سازمان بازرسی کل کشور.....	۱۷۵
گفتار دوم: جهاد تبیین.....	۱۷۶
مقدمه.....	۱۷۶
معنای جهاد تبیین.....	۱۷۹
موضوعات نیازمند تبیین.....	۱۸۰
وظایف ما در جهاد تبیین.....	۱۸۱
گفتار سوم: دستاوردهای انقلاب اسلامی.....	۱۸۲
نگاهی به مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری.....	۱۸۲
دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «سلامت و بهداشت».....	۱۸۳
دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «استقلال ملی و اقتدار بین‌المللی».....	۱۸۴
دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «اقتصاد».....	۱۸۵
دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «امنیت».....	۱۸۶
دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «آموزش عالی، تحقیقات و فناوری».....	۱۸۷
دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «رفاه و ارتقاء سطح زندگی»....	۱۸۸
کتابنامه.....	۱۸۹

بسمه تعالی

مهمترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است.

مقام معظم رهبری

بی‌تردید، توفیق و تعالی یک سازمان و مجموعه هدفمند در گرو بهره‌مندی از سرمایه انسانی توانمند، کارا و آگاه از رسالت‌های کلان آن سازمان است. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، ضرورت جذب نیروهای شایسته، توانمند و ملتزم به اصول و آرمان‌های انقلاب، بیش از پیش ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نمود، از این رو به منظور بهره‌مندی از این‌گونه نیروها براساس تصویب مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۵/۰۳/۰۳ قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی تصویب و برای اجرا ابلاغ شد.

از سوی دیگر و با توجه به تدابیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) و متن فرمان راهبردی معظم‌له در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۵ مبانی زیربنایی فعالیت‌های گزینش ترسیم شد. در بند ۴ فرمان تاریخی فوق و براساس تأکید ایشان مقرر شده بود که کتابچه‌های مختصری شامل بعضی از مسائل شرعی، اعتقادی، احکام، مسائل سیاسی و اجتماعی تهیه و پس از آموزش افراد، از آنها سؤال شود.

هیأت مرکزی گزینش وزارت نفت در فصل نوین فعالیت‌های اجرایی، این راهبرد کلیدی را چراغ راه خویش قرار داد و با بهره‌مندی از متون متقن و با نظارت اشخاص مطلع، نسبت به تدوین این کتابچه که در هفت فصل شامل آشنایی با گزینش، اصول عقاید، احکام، احکام بانوان، عفاف و حجاب، اخلاق و آگاهی‌های سیاسی تهیه شده است، اهتمام ویژه معمول داشت و به جرأت می‌توان گفت که این مجموعه فاخر، به لحاظ سبک نگارش، جامع بودن، بهره‌مندی از تصاویر کاربردی و توجه به ضرورت‌های امروز جامعه، ممتاز و

درخور تحسین و تقدیر است که امیدوارم با برنامه‌ریزی مفید و مؤثر حوزه‌های مرتبط با آموزش منابع انسانی در تمامی دستگاه‌های اجرایی کشور، به‌خصوص صنعت عظیم و راهبردی نفت مفید و مؤثر واقع شود.

در خاتمه، ضمن سپاس و قدردانی از همکاران گران‌سنگ خود در دبیرخانه هیأت مرکزی گزینش که با عزم و همتی جهادی در تهیه و تدوین این مجموعه، نهایت مساعی خود را معمول فرمودند، امیدوارم صاحب‌نظران و کارشناسان این حوزه با بررسی و اعلام نظرات ارزشمندشان، بر غنای مطالب افزوده و موجبات بهره‌مندی هرچه بهتر مخاطبان را فراهم آورند.

امید است، اهتمام، مداومت و کوشش‌های خالصانه تمامی عزیزان فعال در امور جذب نیروی انسانی در دستگاه‌های اجرایی کشور، مرضی رضای خداوند متعال قرار گرفته و در گام دوم انقلاب اسلامی با زمینه‌سازی برای گزینش و پذیرش نیروهای شایسته، ضمن فراهم آوردن مقدمات تعالی کشور و تحقق منویات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، آمادگی معنوی برای طلوع خورشید منجی عالم بشریت، امام عصر (عج) را فراهم آوریم. ان شاء الله

و من الله التوفیق

مجید امیدی شهرکی

دستیار وزیر و دبیر هیأت مرکزی گزینش

مقدمه

یکی از مهم‌ترین موضوعات در مدیریت منابع انسانی، نظام جذب نیروی انسانی است که گزینش به عنوان يك فرايند بسيار مهم در اين نظام، نقشی اساسی ایفا می‌کند. گزینش، مرحله‌ای برای تشخیص و مقایسه شرایط متقاضیان شغلی با شرایط احراز مشاغل به منظور انتخاب بهترین داوطلبان از میان داوطلبان مورد نظر برای شغل مربوطه است. هدف گزینش، جذب افراد واجد شرایط، طبق معیارها و ارزش‌های تعریف شده مطابق با شرع و قانون است. بنابراین، گزینش آنها در دستگاه‌های اجرایی، بر اساس صلاحیت افراد از نظر اعتقادی، سیاسی و اخلاقی مورد بررسی و سنجش قرار می‌گیرد. گزینش، علاوه بر اینکه به عنوان يك امر ضروری و عقلانی مورد تأیید شرع مقدس است، در کشور ما بر اساس فرمان تاریخی حضرت امام خمینی (ره) و سپس تصویب قانون تسری آن به تمامی دستگاه‌های اجرایی، از پشتوانه محکمی نیز برخوردار است.

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا قبل از صدور فرمان حضرت امام خمینی (ره)، نهاد گزینش کشور، در قالب هسته‌ها و هیأت‌های گزینش، فعالیت خود را آغاز کرده بود. در این دوره، ساختار گزینش، شکلی سنتی داشت و در عین حال با ضعف‌هایی چون افراط و تفریط مواجه بود و در بعضی دستگاه‌های اجرایی کشور، گزینش صحیحی صورت نمی‌گرفت. تا اینکه با نظر حضرت امام (ره)، گزینش وارد مرحله جدیدی شد و در تاریخ ۱۵ دی سال ۱۳۶۱ بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، طی فرمانی ۶ ماده‌ای، تمام هیأت‌هایی را که به نام گزینش در سراسر کشور تشکیل شده بودند، منحل کردند و به این ترتیب، گزینش تولدی دیگر یافت. در ابتدای این فرمان تاریخی، رهبر کبیر انقلاب فرموده‌اند: «اخیراً چند کتاب به عنوان سؤالات دینی و ایدئولوژی اسلامی را ملاحظه نمودم و بسیار متأسف شدم از آنچه در این کتاب‌ها و جزواتی از این قبیل به اسم اسلام، این دین انسان‌ساز الهی برای گزینش عمومی مطرح شده است و آنها را میزان رد و قبولی افراد قرار داده‌اند. این نوشته‌ها که مشحون از سؤالات غیرمرتبط به اسم دیانت و احیاناً مستهجن و اسف‌آور است، از آنجا که به اسم دیانت و اسلام منتشر شده است، از کتب و جزوات انحرافی است که برای حیثیت اسلام و جمهوری اسلامی مضر است...» حضرت امام (ره) در

بند ۳ این فرمان نیز می‌فرمایند: «بسیاری از سؤالات اسلامی این کتابچه‌ها از مسائل غیر محل ابتلاء می‌باشد که شاید فضلا و علمای زحمتکش نیز در جواب آنها عاجز باشند...» همچنین در بند ۴ فرمان مذکور می‌فرمایند: «ستاد محترم دستور دهد کتابچه‌های مختصری شامل بعضی از مسائل شرعی که محل اطلاع عموم است و مسائل اعتقادی که دانستن آنها در اسلام لازم است، به‌طور ساده و بدون معماها که در این کتب و نشریات انحرافی موجود است و بعضی مسائل مناسب با شغل افراد با نظارت اشخاص مطلع از احکام اسلام و متوجه به اطراف مسائل سیاسی، اجتماعی تهیه شود و آنها را در دسترس افراد قرار داده و در صورت احتیاج، اشخاص را آموزش دهند و بدون آموزش، سؤال از آنها نشود. میزان رد و قبول، موازین اسلام و انسانی باشد که هدایت جاهلان منظور نظر اصیل است.» با توجه به فرمان حضرت امام (ره) و نگاه زلال ایشان به مسأله گزینش افراد، متأسفانه بعضاً مشاهده می‌شود که داوطلبان، منبع مشخصی برای مطالعه، در دسترسشان نیست و مغایر با نگاه ژرف اندیشانه رهبر کبیر انقلاب، بدون آموزش از افراد سؤال می‌شود که در حقیقت، بخش مهمی از فرمان امام (ره) مغفول مانده است.

هیأت مرکزی گزینش وزارت نفت در دوره جدید خود و با توجه به رویکرد دبیر محترم هیأت، جناب آقای دکتر امیدی شهرکی، با نگاهی تحولی به مسأله گزینش در حوزه‌های گوناگون با هدف آسیب‌شناسی در بخش‌های مختلف گام برداشته و سعی کرده تا جایی که می‌تواند در مسیر اصلاح رویه‌های جاری- که متأسفانه با نگاه مترقیانه بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) فاصله گرفته است- گام بردارد.

در فرایند گزینش، یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها، حوزه آموزش است. توجه به آموزش، يك حقیقت غیرقابل انکار است و بدون شك، نداشتن برنامه‌ریزی منسجم برای آموزش، می‌تواند يك عامل مؤثر در بروز مشکلات باشد. پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرمایند: «مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ: هرکس بدون علم و دانش کاری انجام دهد، فسادش بیش از صلاح خواهد بود.»

در این خصوص لازم است که فرایند، منابع و اقدامات لازم آموزشی در سازمان، شناسایی و در يك مدل متناسب، برنامه‌ریزی شود؛ زیرا آموزش و

بهسازی کارکنان، اقدامی راهبردی است که در سطح فردی، باعث ارزشمندی و رضایتمندی فرد و در سطح سازمانی، باعث بهبود و توسعه سازمان می‌شود. به این منظور، حوزه آموزش در گزینش، از چند منظر آسیب‌شناسی شد. از جمله ضرورت آموزش پیش از گزینش که بر مبنای فرمان حضرت امام (ره) «بدون آموزش از آنها سؤال نشود»، برگزاری دوره آموزشی به عنوان یکی از ابزارهای مفید ارتقای کیفی کارکنان و برنامه‌ریزی دقیق آموزش و رعایت فرایندهای آموزشی، به شیوه علمی، که امری حیاتی است. بنابراین هیأت مرکزی گزینش وزارت نفت، برای اجرایی کردن این دستور مهم حضرت امام (ره)، به تعریف دوره آموزشی «آشنایی با نظام گزینش» در سیستم منابع انسانی وزارتخانه اقدام کرد. در این دوره، داوطلبان ضمن شناخت مقدماتی فرایند گزینش در دستگاه‌ها، به صورت اجمالی با اصول عقاید، اخلاق، احکام مبتلا به و آگاهی‌های سیاسی آشنا می‌شوند و برای گزینش، آمادگی کسب می‌کنند. علاوه بر تعریف دوره آموزشی، بهره‌مندی از یک منبع مناسب و ساده که قابل استفاده برای عموم افراد باشد، ضرورتی دیگر بود که نبود آن احساس می‌شد. از این رو، تهیه و تدوین کتابچه‌ای ساده و روان که مفاهیم ذکر شده در آن، به‌سهولت در دسترس باشد، به عنوان مأموریت دیگر هیأت مرکزی گزینش وزارت نفت قرار گرفت که مجموعه پیش‌رو، حاصل این مأموریت است.

هیأت مرکزی گزینش وزارت نفت در دوره جدید سعی کرده برای کمک به داوطلبان ورود به مجموعه وزارت نفت و عزیزانی که در مرحله تبدیل وضعیت استخدامی قرار گرفته‌اند و همچنین همه علاقه‌مندان، به تنظیم مطالب آموزشی بپردازد و با دسته‌بندی موضوعات مهم و ضروری به منظور ایجاد وحدت رویه در آموزش کارکنان در تمامی هسته‌های گزینش تابعه هیأت مرکزی، گامی مؤثر به منظور دستیابی به اهداف آموزشی بردارد. این کتابچه، منبعی است کاربردی برای استفاده کسانی که علاقه‌مند هستند اطلاعاتی مقدماتی از مسائل اعتقادی و سیاسی کسب کنند. مجموعه حاضر که با دقت، ظرافت و ابتکار خاصی از سوی همکاران اینجانب در هیأت مرکزی گزینش وزارت نفت، به‌خصوص تلاش‌ها و پیگیری‌های مجدانه همکار ارجمند سرکار خانم زهرا صادقی به رشته تحریر درآمده است، می‌تواند راهگشای همه کسانی باشد که می‌خواهند منبعی کاربردی برای آشنایی اجمالی با بایسته‌های گزینشی داشته باشند.

این کتابچه در هفت فصل تهیه و تنظیم گردیده و تلاش شده است ضمن آشنایی اجمالی مخاطبان با فرایند گزینش در دستگاه‌های اجرایی، در حوزه مسائل اعتقادی، اخلاقی، احکام و سیاسی، اطلاعات ارزشمندی را در اختیار مخاطبان قرار دهد. عناوین فصول کتاب به ترتیب به این شرح است:

فصل اول: آشنایی با گزینش

فصل دوم: اصول عقاید

فصل سوم: احکام

فصل چهارم: احکام بانوان

فصل پنجم: عفاف و حجاب

فصل ششم: اخلاق

فصل هفتم: ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران و آگاهی‌های سیاسی هرچند آثار متعددی با موضوعات عقیدتی و سیاسی منتشر شده؛ اما مشخصه اصلی این مجموعه که باید به عنوان وجه تمایز آن، مورد توجه خوانندگان قرار گیرد، به شرح زیر است:

۱- این اثر با رویکردی آموزشی - گزینشی تهیه شده که به صورت يك مجموعه کامل، تقریباً همه نیازهای داوطلبان برای سیر مراحل گزینش را برطرف می‌کند.

۲- از دیگر مزیت‌های این اثر، فصل اول آن است که به مخاطبان، اطلاعات مفیدی در خصوص فرایند گزینش، مراحل آن، ملاک ضوابط عمومی در گزینش و نحوه رسیدگی به شکایات داوطلبان می‌دهد.

۳- در این مجموعه تلاش شده با زبانی ساده و روان و با استفاده از تصاویر و اشکال متنوع، مفاهیم بسیار مؤثرتر انتقال داده شود و برای یادگیری مطالب آموزشی، منبعی کاربردی باشد که نیازها، پرسش‌ها و مسائل روز را تبیین کند.

۴- یکی دیگر از مزایای این مجموعه آموزشی، پرداختن با نگاهی نوین به مسائل سیاسی است. همانطور که در بند (۴) فرمان حضرت امام (ره)، ایشان ضمن دستور تهیه کتابچه، در بخشی از این مرقومه می‌فرمایند در این کتابچه «مسائل مناسب با شغل افراد ... و متوجه به اطراف سیاسی، اجتماعی تهیه شود»، همچنین در بیانیه گام دوم انقلاب نیز مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به «ارتقای بینش سیاسی» تأکید می‌کنند. با توجه به دستور حضرت امام (ره)

و نقشه‌راهی که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم، برای ما ترسیم کردند، فصل آگاهی‌های سیاسی با رویکردی جدید و با توجه به مسائل سیاسی روز و ضرورت‌های امروز جامعه تهیه شد. در این فصل، علاوه بر بررسی ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، به موضوع جهاد تبیین و ضرورت آن نیز پرداخته شده و همچنین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، به صورتی ویژه مورد بررسی قرار گرفته است؛ چرا که رهبر معظم انقلاب اسلامی، مقابله با تهاجم دشمن برای تحریف واقعیت‌ها، دستاوردها، پیشرفت‌ها و اقدامات حماسه‌ساز نظام اسلامی را نیازمند یک حرکت دفاعی و تهاجم با محوریت جهاد تبیین به عنوان يك «فريضه فوری و قطعی» دانسته‌اند.

در پایان، با سپاس فراوان از دبیر و اعضای محترم هیأت مرکزی گزینش وزارت نفت، جناب آقای دکتر امیددی شهرکی، دستیار وزیر و دبیر هیأت مرکزی؛ جناب آقای دکتر مقیمی سارانی، نماینده هیأت عالی گزینش در هیأت مرکزی و جناب آقای دکتر نور احمدی، نماینده سازمان اداری و استخدامی کشور در هیأت مرکزی که با حمایت‌های بی‌دریغ، موجب دلگرمی همکارانشان در هیأت مرکزی شدند تا بتوانند با رویکردی تحولی در گزینش، در مسیر نیل به ارزش‌های متعالی انقلاب اسلامی و آرمان‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) گام بردارند، از همه عزیزانی هم که ما را در تهیه این اثر یاری کردند، به خصوص جناب آقای محمدصادق اکبری، مشاور دبیر هیأت مرکزی گزینش، سرکار خانم شهره حیدری سرمرز، مشاور دبیر هیأت مرکزی گزینش و جناب آقای محمد کریمی مطهر تشکر می‌کنم. امید است، با استفاده از تجارب کارشناسان گزینش و بهره‌گیری از دانش نظری که در این خصوص وجود دارد، بتوانیم در ارتقای سطح آموزش‌های اعتقادی، اخلاقی و سیاسی کارکنان صنعت نفت و بهبود روش‌های موجود گام مفیدی برداریم.

من الله التوفيق و عليه التكلان

محسن رضائی جعفری

مدیر کل دبیرخانه هیأت مرکزی گزینش وزارت نفت

عزیزان گرامی و ارجمند؛

مجموعه پیش رو بخشی از رئوس مطالب، نکات و آگاهی‌هایی است که یک انسان معتقد، مؤمن و علاقمند به کارگزاری و خدمت در صنعت راهبردی نفت می‌بایست بدان آشنایی داشته باشد.

بدیهی است مشروح مطالب در کتب مبنایی و اعتقادی همچون قرآن کریم، نهج البلاغه، رساله عملیه مراجع عظام تقلید و سایر کتب و منابع فقهی و اعتقادی قابل دسترسی و بهره‌برداری است که می‌بایست در صورت نیاز محل رجوع قرار گیرد.

موفق و مؤید باشید.

فصل اول

آشنایی با گزینش

آشنایی با گزینش، وظایف و اختیارات هسته گزینش

متن فرمان رهبر کبیر انقلاب اسلامی
حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه
در امر گزینش - ۱۳۶۱/۱۰/۱۵

بسم الله الرحمن الرحيم

ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری
اخیراً چند کتاب به عنوان سؤالات دینی و ایدئولوژی اسلامی را ملاحظه نمودم و بسیار متأسف شدم از آنچه در این کتاب ها و جزواتی از این قبیل به اسم اسلام، این دین انسان ساز الهی، برای گزینش عمومی مطرح شده است و آنها را میزان رد و قبولی افراد قرار داده اند. این نوشته ها که مشحون از سؤالات غیر مربوط به اسلام و دیانت و احیاناً مستهجن و أسف آور است، از آنجا که به اسم دیانت اسلام منتشر شده است، از کتب و جزوات انحرافی است که برای حیثیت اسلام و جمهوری اسلامی مضر است و به وزیر ارشاد توصیه نمودم که امثال این کتب را در اسرع وقت، جمع آوری و فروش و خرید و نشر آنها را ممنوع شرعی اعلام نمایند. شاید بسیاری از افرادی که در تدوین آنها دخالت داشته اند، دارای حسن نیت بوده اند، لکن احتمال نفوذ شیاطین در این نحو مسائل قوی است که برای مشوه نمودن چهره نورانی اسلام یا جمهوری اسلامی به این امر اقدام نموده اند. لهذا مراتب زیر را از ستاد محترم خواستارم:

۱- تمام هیأت‌هایی را که به نام گزینش در سراسر کشور تشکیل شده اند، منحل اعلام می‌نمایم، چه در قوای مسلح یا در وزارتخانه‌ها و ادارات و چه در مراکز آموزش و پرورش تا برسد به دانشگاه‌ها، تمام آنها منحل است و ستاد، انحلال را اعلام نماید.

۲- ستاد موظف است در اسرع وقت دستور دهد تا هیأت‌هایی به جای هیأت‌های منحل، از افراد صالح و متعهد و عاقل و صاحب اخلاق کریمه و فاضل و متوجه به مسائل روز تعیین تا در گزینش افراد صالح، بدون ملاحظه روابط اقدام نمایند و گزینش زیر نظر آنها انجام گیرد و دقت شود تا این افراد، تنگ نظر و تندخو و نیز مسامحه کار و سهل انگار نباشند و چنانچه قبلاً تذکر داده‌ام، میزان در گزینش، حال فعلی افراد است، مگر آنکه از گروهک‌ها و مفسدین باشند یا حال فعلی آنها مفسده جویی و اخلاقلگری باشد و اما کسانی که در رژیم سابق به واسطه جو حاکم یا الزام رژیم ستمگر، مرتکب بعضی نارواها شده‌اند، ولی فعلاً به حال عادی و اخلاق صحیح برگشته‌اند، تندروی‌های جاهلانه در حق آنها نشود که این ظلم است و مخالف دستور اسلام و باید ممنوع اعلام شود.

۳- از آنجا که بسیاری از سؤال‌های اسلامی این کتابچه‌ها از مسائل غیر محل اطلاع می‌باشد که شاید فضلا و علمای زحمتکش نیز در جواب آنها عاجز باشند و نیز بعضی آنها غلط و بعضی از سؤال و جواب‌ها برخلاف است. این نحوه سؤالات به هیچ وجه معیار در گزینش افراد نیست و ندانستن آنها برای آنان اشکال و عیبی ندارد. لازم است ستاد محترم، اشخاصی را مأمور کند که اگر افرادی، چه به واسطه سؤال‌های شرعی که دانستن آنها برای این اشخاص لزومی ندارد و چه سؤال‌های ناروایی که به اسلام ارتباط ندارد، از ادارات یا وزارتخانه‌ها یا دیگر مراکز اخراج شده‌اند و یا به واسطه آن استخدام نشده‌اند، تشخیص داده تا اگر اخراج یا عدم پذیرش به صرف این امور یا اشیاء آن بوده است، آنان را به محل خود برای خدمت برگردانند که این نحوه عمل که با آنها شده است، ظلم فاحش است و محروم نمودن کشور از اشخاص مفید می‌باشد که از همه اینها باید جلوگیری شود و نیز از افراد صحیحی که در هیأت‌های گزینش بوده‌اند، قدردانی شود و به افراد دیگر آنها نصیحت شود تا نظیر این افعال در کشور اسلامی واقع نشود.

۴- ستاد محترم دستور دهد کتابچه‌های مختصری شامل بعضی از مسائل شرعی که محل اطلاع عمومی است و مسائل اعتقادی که دانستن آنها در اسلام لازم است، به طور ساده، بدون معماها که در این کتب و نشریات انحرافی موجود است و بعضی مسائل مناسب با شغل افراد، با نظارت اشخاص مطلع

از احکام اسلام و متوجه به اطراف مسائل سیاسی و اجتماعی تهیه شود و آنها را در دسترس افراد قرار داده و در صورت احتیاج، اشخاص را آموزش دهند و بدون آموزش، سؤال از آنها نشود و میزان رد و قبول، موازین اسلام و انسانی باشد که هدایت جاهلان، منظور نظر اصیل است.

۵- تجسس از احوال اشخاص در غیر مفسدین و گروه‌های خرابکار مطلقاً ممنوع است و سؤال از افراد به اینکه چند معصیت نمودی، چنانچه بنا به بعضی گزارشات این نحوه سؤالات می‌شود، مخالف اسلام و تجسس کننده، معصیت کار است. باید در گزینش افراد، این نحوه امور خلاف اخلاق اسلامی و خلاف شرع مطهر ممنوع شود.

۶- بنا به گزارش رسیده، بعضی از کلاس‌های درسی که در ارتش و سپاه و سایر مراکز نظامی و انتظامی تأسیس شده است، بسیار مستهجن و مبتذل است. باید این کلاس‌ها به وسیله اشخاص عالم، عاقل و متعهد اداره شود و نمایندگان اینجانب در نیروهای نظامی و انتظامی با کمال جدیت به اصلاح آنان پرداخته و به کار خود ادامه دهند. این ستاد موظف است برای هر وزارتخانه یا مراکز دیگر کتابچه‌هایی مناسب با کار آنان به صورتی معقول و اسلامی تهیه نموده و از تعلیمات جاهلانه و احیاناً ضدانقلابی جلوگیری نمایند. از خداوند تعالی، توفیق آقایان را در امور محوله و حُسن جریان آن را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

۱۵ دی ماه ۱۳۶۱ برابر ۲۰ ربیع الاول ۱۴۰۳ هجری قمری

تاریخچه گزینش

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن سال ۱۳۵۷ و پی‌ریزی نظام جمهوری اسلامی ایران، معیارهای گزینش کارگزاران و کارکنان اجرایی کشور از جنبه ایجابی و سلبی تغییری اساسی یافت. از این رو، اولین مصوبه قانونی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ابتدا در شورای انقلاب و با عنوان لایحه قانونی مربوط به پاکسازی و ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب در وزارتخانه‌ها، دانشگاه‌ها، بانک‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی به تصویب رسید. همچنین نهاد گزینش کشور نیز در قالب هسته‌ها و هیات‌های گزینش با توجه به معیارهای فوق و عمدتاً در مواجهه با نفوذ افراد دارای هویت‌های سیاسی و ایدئولوژیک متعارض با ارزش‌های انقلاب اسلامی آغاز به کار کرد. بر اساس قانون گزینش کشور، هرگونه ورود به دستگاه‌های دولتی و اجرایی به صورت رسمی، غیررسمی و غیرثابت اعم از روزمزد، قراردادی، پیمانی و عناوین مشابه در چارچوب این قانون بوده و صدور احکام استخدامی تا مرحله قطعی اعم از رسمی یا ثابت با نظر گزینش است.

تصویب در مجلس

قانون مذکور، مشتمل بر ۱۸ ماده و ۱۷ تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۱۳۷۴/۶/۱۴ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۷۴/۶/۲۲ به تأیید شورای نگهبان رسید.

تسری قانون گزینش

با هدف جذب نیروهای شایسته و صالح برای نظام اداری کشور و همچنین به منظور اجرای فرمان مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۵ رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) و ایجاد وحدت رویه و اعمال سیاست واحد در گزینش‌های سراسر کشور، قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به سایر وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی در تاریخ ۱۳۷۵/۲/۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و پس از تصویب آیین نامه اجرایی قانون مذکور در تاریخ ۱۳۷۷/۷/۱۱ برای اجرا به تمامی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی ابلاغ شد. بر اساس بند ۲ ماده ۱۰ قانون گزینش، بررسی و تعیین

صلاحیت اخلاقی، اعتقادی و سیاسی متقاضیان مشمول این قانون، قبل از ورود تا مرحله قطعیت اشتغال (به تحصیل یا استخدام) به عهده گزینش بوده و همچنین طبق ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون گزینش، امر گزینش و اجرای ضوابط و مقررات مربوط به آن، درباره داوطلبان ورود به خدمت اعم از رسمی و غیررسمی (پیمانی، قراردادی، روزمزد و عناوین مشابه) و مشمولان قانون کار در تمامی دستگاه‌های مذکور در ماده واحده قانون تسری و ماده ۲ قانون گزینش، تابع احکام مقرر در قانون گزینش کشور و آیین نامه اجرایی آن خواهد بود.

فرایند گزینش

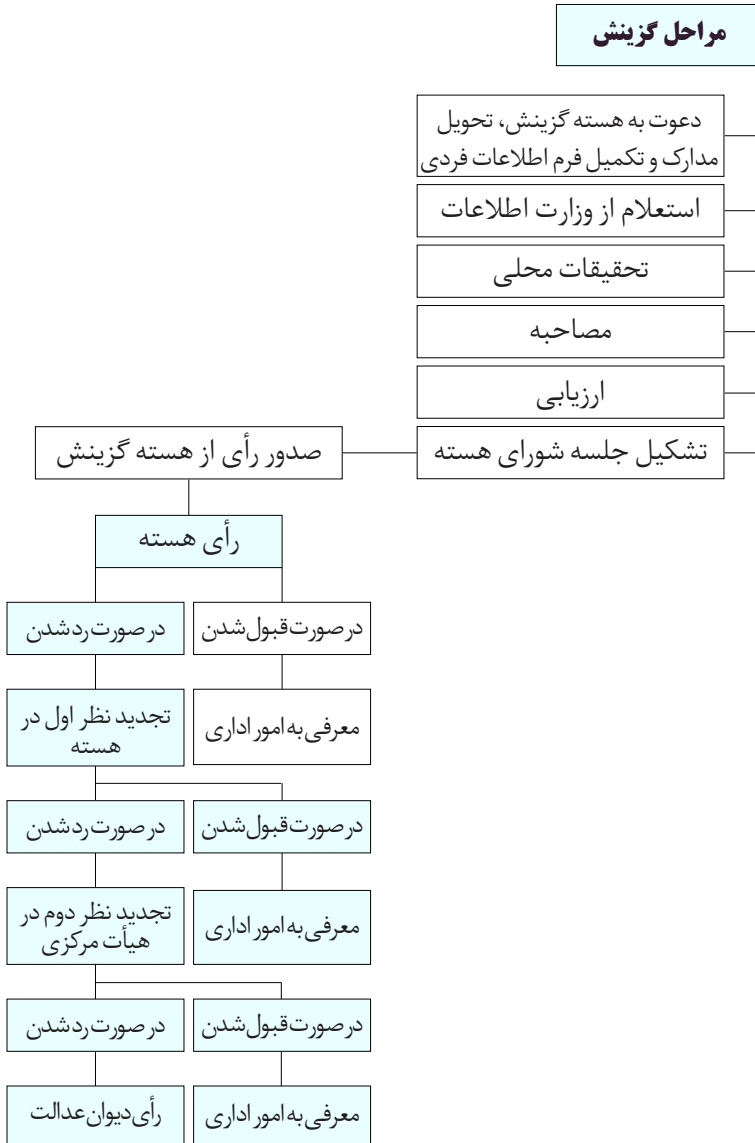
فرایند گزینش یا به عبارتی کار هسته گزینش، با معرفی نیرو (داوطلب استخدام) از طرف کارگزینی یا واحدهای اداری مشابه و تشکیل پرونده گزینشی شروع می‌شود. منظور از تشکیل پرونده گزینشی، تکمیل فرم مشخصات فردی و ارائه مدارک لازم است.

در مرحله گزینش، آنچه مورد بررسی قرار می‌گیرد، صلاحیت اعتقادی، اخلاقی و سیاسی افراد مشمول قانون گزینش قبل از ورود تا زمان قطعیت استخدام است که با بررسی سوابق و پیشینه آنان در محل سکونت، تحصیل و کار آنان و همچنین استعلام از مراجع ذیصلاح قانونی و مصاحبه حضوری صورت می‌گیرد. در این بررسی، هسته‌های گزینش بنا بر وظیفه قانونی خود سعی می‌کنند افراد دارای صلاحیت را شناسایی و به عنوان افراد واجد شرایط، به دستگاه اداری معرفی کنند (احراز شرایط استخدام).

صدور رأی در هسته‌های گزینش، به صورت شورایی انجام می‌شود، به این ترتیب که اعضای شورای بدوی نظردهی، نظر خود را درباره پرونده مورد بررسی اعلام کرده که نتیجه نهایی پرونده، نتیجه این نظرات خواهد بود و در صورتی که فرد، به نظر بدوی هسته گزینش اعتراض کند، پرونده به شورای تجدید نظر ارجاع می‌شود که بعد از بررسی مجدد یا اقدامات تکمیلی، نظر خود را اعلام خواهد کرد.

مراحل گزینش

صورت کلی و خلاصه مراحل گزینش به این شرح است:



ضوابط عمومی گزینش و استخدام

انجام مراحل گزینش عمومی برای اشخاصی که قصد ورود به خدمت دولت را دارند، ضروری بوده و در واقع، یکی از مراحل مهم استخدام تلقی می‌شود. در قوانین مربوط، ضوابط و شرایط گزینش برای استخدام مورد اشاره قرار می‌گیرد.

ضوابط عمومی، حداقل ضوابطی است که فرد متقاضی باید برای استخدام، حائز آن باشد	
۱	اعتقاد به دین مبین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲	التزام عملی به احکام اسلام
۳	اعتقاد و التزام به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی
۴	عدم اشتهار به فساد اخلاقی و تجاهر به فسق
۵	نداشتن سابقه وابستگی تشکیلاتی، هواداری احزاب و سازمان‌ها و گروه‌هایی که غیرقانونی بودن آنها از سوی مقامات صالحه اعلام شده یا می‌شود.
۶	عدم سابقه محکومیت کیفری مؤثر
۷	نداشتن اعتیاد به مواد مخدر

تبصره ۱- در خصوص بند ۳ اقلیت‌های مذهبی مصرح در قانون اساسی، از نظر اعتقادی و عملی، با رعایت قوانین و مقررات مربوطه، تابع شرایط خاص خود هستند و در هر حال نباید متجاهر به نقض احکام اسلامی باشند.

تبصره ۲- ایشارگران در گزینش، دارای اولویت هستند و در موارد محدودیت ظرفیت و کثرت تقاضا، ملاک‌های تقدم (مانند مناطق محروم، فعالیت در نهادهای انقلاب، شرکت در نماز جمعه و جماعات و پوشش چادر برای خواهران) نیز نسبت به داوطلبان اعمال می‌شود.

تبصره ۳- تشخیص بند ۵ ضوابط عمومی به عهده وزارت اطلاعات و در سایر موارد، به عهده هیأت عالی گزینش است.

ضوابط انتخاب اصلح

منظور، ضوابطی است که در موارد محدودیت ظرفیت (پذیرش) و کثرت تقاضا، همچنین استخدام در مشاغل حساس (مانند مشاغل آموزشی، امنیتی و...) و موارد خاص (مانند اعزام به مأموریت ثابت خارج از کشور و...) به عنوان اولویت اعمال می‌شود. از جمله مصادیق آن ایثارگری (حضور داوطلبانه در جبهه‌های حق علیه باطل، جانبازی، آزادگی، خانواده شهدا، اسراء و مفقودین) شرکت در فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و عبادی، پوشش چادر برای خواهران، خدمت در مناطق محروم و... را می‌توان نام برد.

نحوه رسیدگی به شکایات گزینش داوطلبان

معترضان به آرای گزینش، می‌توانند حداکثر تا سه ماه پس از ابلاغ رأی در هر مرحله، به مرجع اول و دوم تجدیدنظر (به ترتیب به هسته گزینش و هیأت مرکزی) مراجعه کرده و شکواییه کتبی خود را تسلیم کنند. معترضان به آرای هیأت مرکزی و هسته‌ها، حداکثر تا سه ماه از ابلاغ رأی می‌توانند به دیوان عدالت اداری شکایت کرده که دیوان نسبت به رسیدگی اقدام می‌کند.

ترکیب و وظایف هیأت عالی گزینش

ماده ۳-ارکان گزینش کشور عبارتند از:

رئیس جمهور

هیأت عالی گزینش

هیأت مرکزی

هسته‌های گزینش

ارکان گزینش کشور



فصل دوم

اصول عقاید

مقدمه

اصول اعتقادات، اساس و زیربنای تفکر مادی و معنوی هر انسان است که اگر سالم و درست باشد، اعمال، افکار و بینش‌های مختلف او نیز صحیح و شایسته خواهد بود.

یکی از دلایلی که شناخت اصول دین را برای ما واجب می‌کند، قاعده دفع ضرر احتمالی است.

هیچ انسان عاقلی درباره لزوم دوری و پیشگیری از زیان، تردید ندارد. افراد برجسته‌ای به نام پیامبران و رهبران الهی در طول تاریخ، ظهور یافته و از وجود خداوند، احکام و قوانین الهی، پاداش‌ها و کیفرهای اخروی سخن گفته‌اند.

بنابراین، اگر انسان احتمال دهد که نشناختن خداوند و انجام ندادن دستورات الهی و اعتقاد نداشتن به پاداش خداوند، برای او ضرر و زیان به بار می‌آورد و آن احتمال را نادیده بگیرد، سرآغاز زیانی بس بزرگ و اندوه‌بار برای او خواهد بود. پس به حکم عقل و قضاوت فطرت، نباید در برابر این احتمال، بی‌اعتنا بود. اگر به عاقلی بگویند پیش روی شما چند لیوان پر از آب است و فقط در یکی از آنها سمی کشنده ریخته شده، او برای نوشیدن آب، دست به هیچ‌یک از لیوان‌ها نمی‌زند؛ چون احتمال ضرری قوی، در کار است.

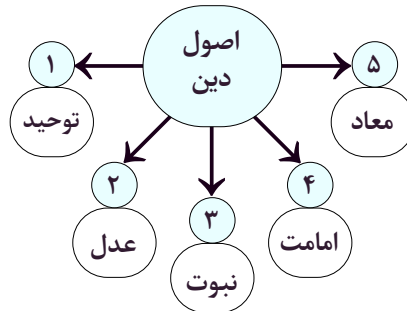


گفتار اول: توحید

عقل، دفع ضرر احتمالی را در امور زندگی، از لازم‌ترین واجبات می‌داند. اگر این قاعده در زندگی زودگذر دنیایی انسان، لازم و واجب است، بی‌گمان در امور معنوی و زندگی ابدی و آخرتی او لازم‌تر خواهد بود.

دین‌شناسی و آگاهی درباره مبدأ (خداشناسی)، معاد (مقصدشناسی)، نبوت و امامت (راهنماشناسی)، امری عقلی و غیر تقلیدی است، بنابراین بر هر فرد مسلمان لازم است که به اندازه توان و استعداد خود درباره این اصول، خرد ورزیده و با استدلال آنها را بپذیرد. کیفیت و کمیت توجه انسان به فروع دین، به میزان اعتقاد او به اصول دین بستگی دارد.

اصول اعتقادات در مذهب تشیع، پنج اصل اساسی است که عبارتند از:



توحید: به معنای ایمان به یگانگی خداوند است و سرسلسله تمام عقاید دینی به شمار می‌رود، از این رو توجه به آن لازم و ضروری است.

فطری بودن اعتقاد به خدا

انسان با پایان یافتن دوران کودکی خود، به مرز تشخیص خوبی‌ها و بدی‌ها می‌رسد و اهمیت صفاتی همچون راستگویی، نوع دوستی و خدمت به انسان‌ها را درمی‌یابد. این ادراک ذاتی نیز هیچ نیازی به آموختن ندارد و اگر کسی از او بپرسد که به چه دلیل دانستی راستگویی کار خوبی است؟ پاسخ می‌دهد که خوبی آن با وجدان و فطرت من سرشته و آمیخته است.

اعتقاد به وجود خداوند نیز از امور فطری بشر به شمار می‌رود و انسان برای به دست آوردن این عقیده، به آموزگار و خواندن کتاب نیاز ندارد؛ بلکه با مراجعه به وجدان و فطرت خود، درک می‌کند که جهان هستی، آفریدگاری دانا و توانا دارد. مردم تمامی دوران، به وجود خداوند بزرگ اعتقاد داشته‌اند، حتی در دوران غارنشینی که انسان‌ها با فرهنگ، آموزش و هیچ تمدنی سر و کار نداشتند؛ اگرچه گاهی در تشخیص خدا اشتباه می‌کردند و گرفتار می‌شدند.

● غفلت در امور فطری

گاهی امور فطری بر اثر دلایلی مورد غفلت واقع می‌شود، یعنی همان‌گونه که اگر پارچه ضخیمی روی چراغی قرار گیرد، مانع نور افشانی آن می‌شود، فطرت فرد خداشناس هم بر اثر غرور علمی یا فرو رفتن در شهوات و هوی و هوس، پشت پرده ضخیم غفلت قرار می‌گیرد، به طوری که گویی هرگز چنین عقیده‌ای در فطرت و نهاد او وجود نداشته است.

انسان‌هایی که بر اثر گناه و شهوت پرستی، از فطرت اصیل خداشناسی غافل می‌شوند، هنگام برخورد با خطر، همین که احساس کنند راه فرار و نجاتی ندارند، یکدل و یک زبان به خدا روی آورده و از او یاری می‌جویند.

● شناخت خداوند از طریق نظم جهان

بهترین و ساده‌ترین دلیل توحید، نظم و هماهنگی عجیبی است که بر موجودات جهان حاکم است. اگر ساعت، اتومبیل، هواپیما، رایانه و... را در نظر بگیرید، می‌بینید که نظم ویژه‌ای در هر کدام از آنها وجود دارد. آیا احتمال می‌دهید که این دستگاه‌های منظم و دقیق، خود به خود و بدون دخالت دانشمندان و متفکران پدید آمده باشند؟

اگر عقل بشر نمی‌پذیرد که موتور هواپیما با آن نظم شگفت انگیز، خود به خود ایجاد شده باشد، پس چگونه می‌تواند قبول کند که این نظام بهت آور حاکم بر سراسر جهان هستی، بدون قادری مطلق به وجود آمده باشد؟ تازه با این تفاوت که هر گوشه از این جهان منظم و حیرت‌انگیز، هزاربار دقیق‌تر از نظم موتور هواپیماست.

بنابراین با اندکی تأمل و اندیشه، خرد آدمی در می‌یابد و حکم می‌کند که آفریدگاری دانا، توانا و حکیم این جهان منظم با موجوداتی اسرار آمیز را پدید

آورده است.

مثالی درباره نظم پدیده‌ها

برای اینکه به وجود نظم در جهان هستی پی ببریم، کافی است تنها یکی از اعضای بدن آدمی، مانند چشم را در نظر بگیریم: دستگاه کوچک چشم، آنچنان دقیق و مرموز آفریده شده که پیشرفته‌ترین دوربین‌ها، اصلاً قابل مقایسه با آن نیست؛ چراکه دوربین، وسیله‌ای سنگین است و مرتب باید فیلم آن تعویض و تنظیم شود؛ اما چشم انسان، خود به خود تمامی کارها را انجام می‌دهد. خداوند برای چشم انسان، پنج نوع وسیله محافظتی قرار داده است: محافظ داخلی چشم که اشک است و محافظ‌های دیگر، مژه، پلک‌ها، ابروها و خطوط پیشانی هستند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَهُ عَيْنَيْنِ: آیا برای او دو چشم قرار ندادیم؟﴾ (بلد/۸)

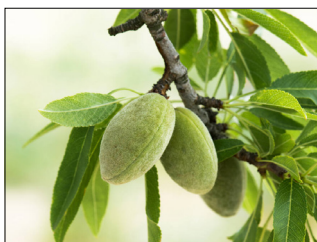


آیا انسان عاقل، احتمال می‌دهد که دستگاه چشم، با این ویژگی‌های شگفت‌انگیز و نظام بسیار دقیق، خود به خود پدید آمده باشد؟ آیا دستگاه تنفس، گوارش و دیگر قسمت‌های بدن آدمی که هرکدام طبق اصول و قوانینی ویژه ساخته شده‌اند، گواه بر آن نیستند که سازنده‌ای دانا و خالقی توانا و حکیم، با محاسباتی دقیق و خاص، آنها را پدید آورده باشد؟

هسته بادامی را در نظر بگیرید که سر از خاک بیرون آورده و درختی میوه‌دار شده است. از آن هنگام که این دانه در دل خاک قرار می‌گیرد تا وقتی که زمین را می‌شکافد و نهالی می‌شود، چه تشکیلات دقیقی باید مشغول فعالیت باشد

تا هسته بادام به ثمر بنشیند؟ در واقع ابر، باد، خورشید، فصول مختلف، روز، شب و... مثل پرستاری مهربان باید آن هسته را دست به دست بگردانند تا درختی بارور شود و ما از میوه آن استفاده کنیم.

آیا همین درخت بادام برای پی بردن به وجود خداوند و میزان توانایی، دانایی و اراده لایتنهای او کافی نیست؟



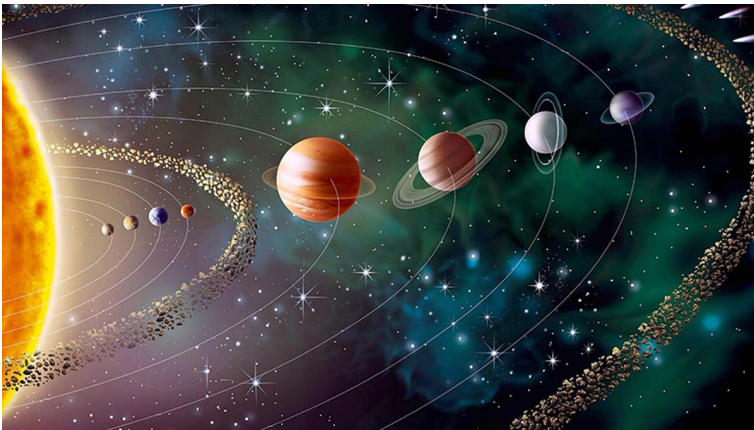
آیا می‌توان گفت که این نظم، خود به خود پدید آمده است؟
آیا عقل انسان می‌پذیرد که بگوییم خورشید، ماه، ستارگان و... آفریدگاری نداشته و خود به خود به وجود آمده‌اند؟

❁ اثبات وحدانیت و یگانگی خداوند

دلیل نخست

یکپارچگی و هماهنگی جهان آفرینش، خود گواهی روشن بر یگانگی آفریدگار آن است. فرض کنید کتابی پانصد صفحه‌ای در برابر شماست و هنوز آن را مطالعه نکرده‌اید. هم اکنون نمی‌دانید که همه این کتاب، اثر یک نویسنده است یا هر قسمتی از آن را نویسنده‌ای جداگانه نوشته است. ناگزیر، برای پی بردن به این واقعیت، باید همه کتاب را مطالعه کنید. اگر دیدید که روح مطالب، شیوه استدلال، انشا و جمله‌بندی آن، یکنواخت و هماهنگ است، بی تردید خواهید گفت که همه کتاب، اثر یک نویسنده است؛ زیرا مطمئن هستید که اگر کتابی اثر دو یا چند نویسنده باشد، نوعی ناهماهنگی در آن دیده می‌شود. همه عالم، کتاب حق تعالی است. اگر از متخصصان علوم مختلف که هر کدام، گوشه‌ای از این جهان را مطالعه کرده‌اند، سوال کنیم، همه ما را به نظامی واحد رهنمون خواهند شد که در سراسر جهان خلقت حکومت می‌کند.

هماهنگی و شباهتی بالاتر از این، که منظومه شمسی و دیگر منظومه‌های بزرگ، محکوم به قانون علیت هستند و اتم کوچک نیز به همان قانون محکوم است؛ زیرا همه می‌دانیم که گردش سیاره‌های بزرگ در مدار خود، بر اثر دو نیروی جاذبه و گریز از مرکز صورت می‌گیرد. اتم که صدها میلیون از آن، در کمتر از یک میلی‌متر جا می‌گیرد نیز دارای همان دو نیروی متضاد است و در پرتو آن دو نیرو، الکترون‌ها در مدار جاذبه، اطراف پروتون‌ها می‌چرخند.



آیا این یگانگی و هماهنگی در کتاب آفرینش، گواه بر آن نیست که پدیدآورنده آن واحد یکتاست؟ اگر جهان دو آفریدگار داشت، شیوه اداره آنان و تدبیر کارها گوناگون نمی‌شد؟

دلیل دوم

دلیل دیگر برای اثبات یگانگی خدا، آن است که همه پیامبرانی که از سوی خدا برای راهنمایی انسان‌ها آمده‌اند، مردم را به خدای یکتا و یکتاپرستی دعوت کرده‌اند. روشن است که اگر خدای جهان، بیش از یکی بود، باید هر پیامبری مردم را به سوی خدایی دعوت می‌کرد که از سوی آن خدا مبعوث شده است.

گفتار دوم: عدل الهی

عدل، اصل دوم از اصول مذهب شیعه است. آفریدگار جهان، باید تمام صفات کمال را دارا و از همه عیب و نقص‌ها منزّه و مبرا باشد. یکی از صفات کمال خدا، عدالت است. عدل در اصطلاح، یعنی **اعطای حق هر حق‌داری و قرار گرفتن هر چیز در جای خودش**.

خداوند، عادل است و حق هر حق‌داری را به او می‌بخشد؛ چون ظلم و بیداد از کسی سر می‌زند که یا از زشتی آن آگاهی ندارد یا خود را نیازمندی می‌داند که باید برای رفع نیازش، ظلم کند. کسی که مال مردم را به زور می‌گیرد، چند علت دارد: یا به زشتی این کار آگاه نیست یا از این راه می‌خواهد احتیاج خود را برطرف سازد یا ثروت کم خود را زیاد کند؛ اما خدای جهان که بی‌نیاز مطلق و سرچشمه همه کمالات است و با دانش بی‌انتهای خود، از نیکی و بدی همه چیز آگاهی دارد، دیگر بی‌معناست که ظلم و بیدادگری کند. خداوند صفات زیادی دارد؛ مثل حکیم، رحیم، قدیر و...؛ اما اینکه شیعیان، عدل را اصل دوم از اصول دین و مذهب خود می‌دانند، یک ریشه تاریخی و یک ریشه سیاسی دارد.

ریشه سیاسی: به دوران بنی امیه و بنی عباس بر می‌گردد. آنها برای اینکه با اعتراض و شورش‌های مردمی مواجه نشوند تبلیغ می‌کردند که همه چیز به خواست خداست و کسی حق ندارد در برابر اراده خدا حرفی بزند. اگر ما حاکم شده ایم به خواست خدا بوده و کسی حق اعتراض ندارد؛ زیرا آنچه بر جهان حاکم است جبر است و انسان هیچ اختیاری ندارد و این جبر مورد رضایت خداست و چون رضای خدا در آن است هر کاری که انجام دهد عدل است.

ریشه تاریخی: این موضوع نیز به گروهی از فرقه اشاعره بر می‌گردد که منکر عدالت خدا بودند و میگفتند در مورد خدا عدالت و ظلم مفهومی ندارد. تمام هستی ملک اوست و هر کاری که انجام دهد عین عدالت است. آنها عدالت را برای خدا واجب نمی‌دانستند یعنی می‌گفتند که اگر خدای متعال بنده مطیع و نیکوکار خود را به جهنم ببرد این کار او ظلم نیست اگر هم ظلم شمرده شود این کار خدای متعال زشت و نکوهیده نیست.

ولی ما شیعیان، این منطق را نمی‌پذیریم و طبق منطق عقل و آیات قرآن، ظلم و بیداد را کاری زشت و مذموم می‌دانیم و معتقدیم که هیچ کار نکوهیده‌ای از خداوند سر نمی‌زند؛ چون کارهای خداوند حکیمانه و بر پایه حکمت است و با آنکه اراده و قدرت انجام هر کاری را دارد؛ اما هیچ‌گاه ظلم نمی‌کند. چنانچه ما قدرت داریم چشم خود را کور کنیم؛ اما هرگز چنین کاری را انجام نمی‌دهیم؛ زیرا این عمل را حکیمانه نمی‌دانیم.

گفتار سوم: نبوت

اصل سوم از اصول دین و مذهب، اعتقاد به پیامبری پیامبرانی است که از سوی خدا برای راهنمایی و هدایت بشر آمده‌اند. طبق بعضی از روایات، تعداد پیامبران ۱۲۴ هزار نفر است.

اولین ایشان حضرت آدم و آخرین آنها، حضرت محمد بن عبدالله (ص) است که پس از ایشان، پیامبری دیگر نیامده و نخواهد آمد.

لزوم بعثت پیامبران

انسان در فطرت خود، کمال طلب است و همیشه میل به پیشرفت دارد و خدا، دارای همه کمالات است. پس کمال واقعی، خداست. حرکت انسان نیز باید به سوی خدا باشد تا فطرت کمال طلب او سیراب شود. از سوی دیگر، پیشرفت و تکامل انسان‌ها و حرکت آنها به سوی خداوند، بدون برنامه و قانون و تربیت کننده آسمانی، امکان ندارد؛ زیرا قانون، حدود وظایف هر فرد را در برابر جامعه روشن می‌کند و جلوی تجاوز افراد را به حقوق یکدیگر می‌گیرد و از طرف دیگر، رهبران غیرآسمانی بر اثر محدودیت‌هایی که از نظر دانش و درک واقعیت‌ها دارند، نمی‌توانند بشر را درست رهبری کنند و نیز چون از اشتباه و خطا مصون نیستند، شایستگی مقام رهبری را ندارند.

رهبران الهی به دلیل ارتباط با عالم غیب و مصونیت از هرگونه خطا و اشتباه، می‌توانند بشر را به سعادت واقعی رهبری کنند. بدون اینکه در این رهبری دچار اشتباه شوند. برنامه تربیت انسان نیز باید از سوی آفریدگار انسان تنظیم شود که همه خواسته‌های او را می‌داند و نیز می‌داند چه چیزی به سود انسان و چه چیز به زیان وی است. این برنامه‌ها را انسان‌هایی به بشر عرضه می‌کنند که شایستگی مقام پیامبری را دارند و با جهان غیب در ارتباط هستند.

بشر، موجودی اجتماعی

انسان، موجودی اجتماعی است و نمی‌تواند تنها زندگی کند. زندگی در اجتماع، اختلاف‌ها و ستیزه‌جویی‌هایی را در پی دارد، از این رو باید قانونی صحیح و عادلانه وجود داشته باشد تا جامعه به سمت کمال حرکت کند. چه

کسی باید این قانون را تدوین کند؟ بهترین قانونگذار کیست و چه شرایطی باید داشته باشد؟

نخستین شرط لازم برای قانونگذار، آن است که به خصوصیات روحی، جسمی، عواطف، غرایز و سایر ویژگی‌های کسانی که می‌خواهد برای آنان قانون وضع کند، آگاه و آشنا باشد. چنین آگاهی همه‌جانبه‌ای در قانونگذاری برای زندگی انسان، تنها برای خداوند امکان دارد؛ زیرا او آفریدگار انسان است و از درون و برون و ویژگی‌های روحی و جسمی او آگاه است.

فرض کنید شما را به مهمانی دعوت کرده‌اند و شما راه خانه را نمی‌دانید. مسیر هم‌راه‌های انحرافی و فرعی زیادی دارد. حیوانات درنده و تاریکی شب هم خطرهای دیگری است که شما را تهدید می‌کند. در اینجا بر میزبان است که شخصی دلسوز و آگاه را با داشتن چراغ و نقشه راه برای شما بفرستد، در غیر این صورت این دعوت، اساساً کاری لغو و بیهوده است. خداوند برای ما مهمانان، قانون و راهنمایی فرستاده که راه را گم نکنیم. پیامبران، نخستین اجرا کننده قانون خدا هستند، یعنی علاوه بر آوردن قانون، مربیانی هستند که عمل به قانون را به بشر می‌آموزند و خود، نمونه و الگوی عملی آن قانون هستند تا دیگران به پیروی از آنان، قانون آسمانی را برنامه زندگی خویش قرار دهند.

شخصی از امام صادق (ع) پرسید: علت لزوم بعثت پیامبران چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: ما آفریدگاری حکیم داریم که جسم و ماده نیست و از همه مخلوقات خود، برتر و بالاتر است و هیچ مخلوقی نمی‌تواند او را ببیند تا درباره صلاح و فساد کارهای خود با او سخن گوید و از او سوالاتی بپرسد. از این رو لازم است که رسولان و پیامبرانی باشند تا مردم را به راه خیر و سعادت راهنمایی کنند و آنچه را به ضرر و زیان آنهاست، بیان کرده و در همه دوران، باید به عنوان راهنما در میان انسان‌ها باشند تا زمین از حجت خدا خالی نماند. وحی و علم غیب، از امتیازات انبیاست که به این وسیله با خداوند ارتباط برقرار کرده و پیام الهی را دریافت می‌کنند.

عصمت پیامبران

هدف از آمدن پیامبران، رهبری مردم است و بی‌گمان اگر خود رهبر، آلوده به

گناه و کارهای ناپسند باشد، نمی‌تواند مردم را به پاکی و پاکدامنی رهبری کند. اگر پیامبران الهی از خطا و اشتباه دور نباشند، مردم هیچ‌گاه، گفته آنان را با اطمینان نمی‌پذیرند و از آنها پیروی نمی‌کنند و به این ترتیب، هدف از بعثت این پیامبران عملی نخواهد شد.

❁ معجزه پیامبران

انسانی که فطرت سالم داشته باشد، هیچ ادعایی را بدون دلیل نمی‌پذیرد. از این رو لازم است که همه پیامبران الهی برای ثابت کردن ادعای خود، دلیل و شاهد داشته باشند. یکی از دلایلی که ارتباط پیامبران را با جهان غیب ثابت می‌کند، «معجزه» است. معجزه، یعنی انجام کاری که از عهده دیگران برنیاید، مانند زنده کردن مرده، معالجه بیماری‌های درمان ناپذیر بدون وسایل ظاهری و قرآن کریم که از معجزات آخرین پیامبر خدا، حضرت محمد(ص) است.

امام صادق (ع): هر پیامبری باید با خود گواهی داشته باشد تا دلیل راستگویی وی باشد.

پیامبر اکرم (ص): ای مردم من از سوی خدا به پیامبری مبعوث شده‌ام و این قرآن گواه و سندی زنده بر پیامبری من است. اگر در گفته من شک دارید همه شما گردهم آیید و با پشتیبانی و یاری یکدیگر یک سوره همانند سوره‌های قرآن بیاورید.

گفتار چهارم: امامت

اصل چهارم از اصول دین و مذهب، اصل «امامت» است. امامت، یعنی ریاست و رهبری امور دینی و دنیایی مردم در جایگاه جانشینی پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) و در معنای کلی، یعنی پیشوا و جمع آن ائمه است. به عبارت دیگر، به کسی یا چیزی که از او پیروی می‌شود، امام می‌گویند، خواه کتاب باشد یا انسان، حق باشد یا باطل.

وجود امام پس از پیامبر، از دو دیدگاه ضروری است:

زندگی اجتماعی بدون وجود رهبری که گفتار و فرمان او نافذ باشد امکان ندارد پس از درگذشت پیامبر (ص) برای اینکه کار رهبری و حکومت مسلمانان از حرکت باز نایستد جانشین ایشان باید زمام امور را به دست گیرد و هدف پیامبر را که گسترش آیین توحید در سراسر جهان است تعقیب کند و مردم را به کمال مطلوب برساند در غیر این صورت زحمات رسول اکرم (ص) از بین می‌رود و مسلمانان از کاروان تکامل باز می‌مانند.

پیامبر اکرم (ص) علاوه بر حاکم و فرمانروای مسلمانان آموزگار الهی نیز بودند و حقایق را برای مردم بیان می‌کردند. پس از درگذشت ایشان برای آموزش حقایق و تشریح مفاهیم مذهبی و بیان آن، باید کسی انتخاب می‌شد تا عالم اسلام با خلل و کمبودی مواجه نشود از این رو لازم است امام در مقام جانشینی پیامبر، زمام امور را به دست گیرد تا همه نیازمندی‌های مردم از نظر مسائل مذهبی و عقیدتی برطرف شود.

صفات امام

امام و پیشوای مسلمانان که جانشین پیامبر است و زمام امور دین و دنیای مردم را به دست می‌گیرد، باید ویژگی‌هایی داشته باشد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

عصمت، یعنی نه تنها گناه نکند بلکه در فکر گناه هم نباشد.

امام باید با عالم غیب ارتباط داشته و از علم بی‌پایان الهی بهره‌مند باشد.

امام باید از طرف خدا یا رسول او یا از سوی امام معصوم پیش از خود معین شود.

امامت در آیات

آیه اولی الامر: یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اُولی الامر منکم	آیه اکمال: اليوم اکملت لکم دینکم...
آیه ولایت: انما ولیکم الله و رسوله...	آیه تبلیغ: یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک
آیه انذار: و انذر عشیرتک الاقربین	

۱- آیه انذار: نزدیک به سه سال از بعثت رسول اکرم (ص) گذشته بود که این آیه نازل شد:

﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ: خویشاوندان نزدیک خود را از عذاب الهی بترسان.﴾ (شعرا/ ۲۱۴)

بعد از نزول این آیه، خداوند، رسول اکرم (ص) را مأمور کرد تا خویشاوندان خود را به دین اسلام دعوت کند. ایشان هم فرزندان عبدالمطلب را که چهل نفر بودند، دعوت کرد تا رسالت خود را به آنان ابلاغ کند. آن روز ابولهب، عموی پیامبر (ص)، با سخنانی بی اساس، مجلس را به هم زد. رسول اکرم (ص) مجلس دیگری تشکیل داد و دعوت خود را اعلام کرد و فرمود: «من از طرف خدا به پیامبری برانگیخته شده‌ام و خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام و خدا به من دستور داده است که شما را به سوی او بخوانم...»

۲- آیه تبلیغ: خداوند در حجة الوداع، پیامبر اکرم (ص) را مخاطب قرار داد و به ایشان فرمود: ﴿یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک وإن لم تفعل...﴾ (مائده / ۶۷)
آیه تبلیغ از آخرین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) است که بر اساس آن، پیامبر اسلام (ص) موظف شد پیامی را به مردم ابلاغ کرده و اگر در رساندن آن کوتاهی کند، رسالت پیامبری خود را به انجام نرسانده است.

۳- آیه اکمال: ﴿اليوم أكملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً﴾ (مائده / ۳)

در آیه اکمال، خداوند از مأیوس شدن کافران، کامل شدن دین، تکمیل نعمت الهی و پذیرش دین اسلام به عنوان آیین نهایی انسان سخن گفته است. شیعیان بر اساس روایات رسیده از اهل بیت پیامبر (ص) معتقدند که این آیه،

درباره واقعه غدیر نازل شده و منظور از کامل شدن دین و نعمت، اعلام ولایت و جانشینی حضرت علی (ع) برای پیامبر (ص) است.

۴- آیه ولایت: ﴿انما ولیکم... راکعون﴾ (مائده / ۵۵)

آیه ولایت، بیانگر ولایت و رهبری خدا، پیامبر (ص) و مؤمنانی است که در رکوع نماز اتفاق می‌کنند. از نظر مفسران شیعه و اهل سنت، شأن نزول این آیه، اتفاق حضرت علی (ع) در رکوع نماز بوده است.

۵- آیه اطاعت یا اولی الامر: ﴿یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم...﴾ (نساء / ۵۹)

آیه اطاعت یا اولی الامر، مؤمنان را به اطاعت از خدا، رسول خدا (ص) و اولی الامر دستور داده است. از نظر شیعیان و برخی از اهل سنت، این آیه بر عصمت اولی الامر دلالت دارد.

امامت در احادیث			
حدیث ثقلین	حدیث غدیر	روایت امام باقر (ع)	حدیث جابر

امامت در احادیث و روایات

۱- روایت امام باقر (ع):

امام باقر (ع) فرموده‌اند: مبنای اسلام بر نماز، زکات، حج، روزه و ولایت استوار است. زواره که از شاگردان بزرگوار امام (ع) بود، پرسید: کدامیک از این امور مهم‌تر است؟ امام پاسخ دادند: «ولایت از همه مهم‌تر است؛ زیرا ولایت، کلید سایر مسائل است و والی، نقش رهبر و هدایت مردم را به دیگر موارد دارد.» رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةٍ» هر که بمیرد و نسبت به امام زمان خود شناختی نداشته باشد، گویا قبل از ظهور اسلام و به مرگ جاهلیت مرده است.»

با توجه به آیات و روایات بیان شده، رهبری در اسلام، جزو اصول دین است نه فروع دین و اصل امامت، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توحید که اولین اصل دین است، زمانی نمادین می‌شود که حاکم جامعه، امام معصوم باشد.

نبوت و شریعت زمانی پابرجا می ماند که رهبری معصوم آن را حفظ کند، وگرنه با خرافات تحریف، بدعت و سلیقه های شخصی آمیخته شده و وحی از اعتبار می افتد. شناخت و توجه به معاد، جز از طریق امام معصوم (ع) ممکن نیست. امامت است که به نماز جان می دهد، به حج و روزه جهت می دهد، به جهاد مشروعیت می دهد و فرائض الهی را احیا می کند. امام همانند کارخانه برق به همه لامپ ها نور و روشنایی می دهد.

۲- حدیث غدیر

حدیث غدیر، یکی از شواهد مهم بر جانشینی حضرت علی (ع) است. رسول اکرم (ص) در سال آخر عمر خود هنگام برگشتن از حج خانه خدا، در سرزمینی به نام «غدیر» توقف کردند و در محل بلندی قرار گرفتند که جمعیت حدود صد هزار مسلمان، ایشان را می دیدند. پیامبر به فرمان خدا، مسأله جانشینی علی (ع) را به آن جمعیت ابلاغ فرمودند. ایشان دست علی (ع) را گرفتند و بلند کردند، به طوری که جمعیت ایشان را می دیدند. حضرت فرمودند: «ای مردم! همان طور که من ولی و صاحب اختیار شما هستم و بر جان و مال شما اولویت دارم، علی نیز مولی و ولی شماست.»

در همان روز مردم به علی (ع) این مقام را تبریک گفتند، حتی عمر هم آن روز به حضرت علی (ع) گفت: «به به! تو مولای من و مولای همه مسلمانان شدی.» آری، پیامبر اسلام (ص)، جانشینی حضرت علی (ع) را برای چندمین بار، دو ماه و نیم پیش از رحلت خود اعلام کردند تا مردم بدانند پس از رحلت آن حضرت، زمامدار مسلمانان کیست.

۳- حدیث ثقلین

رسول اکرم (ص) در روزهای آخر عمر خود به مردم فرمودند: «اِنَّ تَارِكُ فِیْكُمْ الثَّقَلَيْنِ کِتَابُ اللَّهِ وَ عِتْرَتِیْ اَهْلِ بَیْتِیْ: من در میان شما دو امانت نفیس و گرانبها می گذارم، یکی کتاب خدا و دیگری عترتم را. تا وقتی که به این دو تمسک جوید، هرگز گمراه نمی شوید و این دو یادگار من، هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا کنار چشمه کوثر بر من وارد شوند.»

کتاب خدا و عترت پیامبر (ص) در کنار یکدیگر، وسیله نجات و هدایت هستند. اگر کسی فقط به کتاب خدا قناعت کند، گمراه است؛ همچنان که اگر

کسی خود را علاقه‌مند به اهل بیت بداند و قرآن را رها کند، باز هم گمراه است. این دو، همانند دو بال پروازند که اگر با هم نباشند، پروازی صورت نمی‌گیرد. همانگونه که قرآن، کلام خدا و به دور از هرگونه اشتباه و خطایی است، امامان نیز معصوم هستند و همانطور که تغییر و تبدیل قرآن صحیح نیست و حرام است، تبدیل ولایت اهل بیت به ولایت دیگران نیز حرام است. همانگونه که تمسک به قرآن واجب است، تمسک به اهل بیت نیز واجب است و همان طور که قرآن حبل الله است، اهل بیت نیز حبل الله و عامل وحدت است.

۴- حدیث جابر

پس از نزول آیه اطاعت ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...﴾ (نساء / ۵۹)، جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر (ص) پرسید: یا رسول الله، ما خدا و رسول او را شناختیم، ولی الامر چه کسانی هستند که خدای تعالی، اطاعت از آنان را دوشادوش اطاعت خود و شما قرار داده است؟ پیامبر در پاسخ فرمودند: «آنان جانشینان من و امامان مسلمانان بعد از من هستند که اول ایشان علی بن ابیطالب است و بعد از او به ترتیب حسن، حسین، علی ابن الحسین و محمد ابن علی هستند که در تورات به باقر معروف است. پس از محمد ابن علی نیز به ترتیب جعفر ابن محمد، موسی ابن جعفر، علی ابن موسی، محمد ابن علی، علی ابن محمد، حسن ابن علی و پس از ایشان فرزندش است که هم نام و هم کنیه من است. اوست که از نظر مردم پنهان می‌شود و غیبتش طولانی است تا آنجا که فقط افرادی که ایمان دارند، بر عقیده به او باقی می‌مانند.»

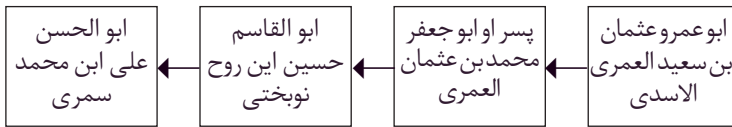
ستارگان آسمان ولایت

دوازده امام شیعه را پیامبر از طرف خدا تعیین کرده و علاوه بر این، هر امامی بر امامت امام بعد از خود تصریح کرده است تا مردم به هیچ وجه در اشتباه نیفتند. بعد از رسول اکرم (ص) درباره هیچ کس از مردان، جز این دوازده نفر، ادعای عصمت نشده است و نیز هیچ کس نتوانسته مانند علوم و معارفی که این دوازده نفر بیان کرده‌اند، بیاورد.

غیبت امام زمان (عج)

غیبت صغرا

غیبت صغرا، پس از شهادت پدر بزرگوار امام زمان (عج) شروع شد. در این غیبت، حضرت برای خود چهار نایب انتخاب کردند تا سوالات مردم را پاسخ دهند. آنها از حضرت، مطالبی می‌گرفتند و به مردم می‌گفتند. اسامی این نایبان به ترتیب عبارت است از:



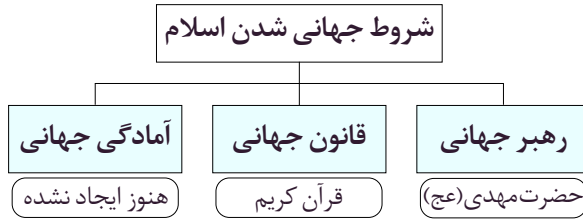
غیبت کبرا

شش روز پیش از وفات علی بن محمد سمری، توقیعی شریف (به نامه‌ها و نوشته‌های امام (عج) گفته می‌شود) از طرف امام زمان به این عنوان صادر شد: «ای علی بن محمد سمری! خداوند برادران دینی تو را در مصیبت تو اجر عظیم دهد. تو بعد از شش روز از دنیا می‌روی. امر خود را جمع کن و آماده باش و به احدی وصیت برای نیابت نکن. همانا غیبت کبرا واقع گردید و مرا ظهوری نخواهد بود، مگر به اذن خداوند متعال و این بعد از آن است که غیبت طول بکشد، دل‌ها را قساوت بگیرد و زمین پر از ظلم و ستم شود و می‌آیند بعضی از شیعیان من که ادعای مشاهده مرا می‌کنند. آگاه باشید که هرکس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی، ادعای مشاهده کند، او کاذب و افترا زننده است.

امام مهدی (عج)

بر اساس شواهد تاریخی، یازده امام به دنیا آمده و شهید شده‌اند، ولی امام دوازدهم، پس از تولد به خواست خداوند متعال، از دیدگان غایب گشته‌اند تا هر زمان که خدا بخواهد و مصلحت بداند، ظهور کرده و دنیا را پر از عدل و داد کنند. از این رو امام زمان ما، حضرت مهدی (عج) است. آیه زیر اشاره به قیام امام زمان (عج) در آخر الزمان دارد: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ...﴾ او خداوندی است که پیامبرش را با دین حق برای هدایت مردم فرستاد تا بر همه

ادیان عالم تسلط و برتری دهد. ﴿توبه/۳۳﴾
این آیه سه بار در قرآن کریم تکرار شده و بشارت می‌دهد که دین اسلام،
سراسر دنیا را فرا خواهد گرفت.
برای جهان شمول شدن اسلام، سه شرط لازم است:



- امام زمان (عج) وقتی ظهور می‌کند که مردم به معارف و اندیشه‌های قرآن و اسلام، آگاه شده و آمادگی حکومت امام زمان (عج) را داشته باشند.
- امام زمان (عج) یار و یاور بسیار دارد، منتها در روایات، تعداد یاران امام (عج) ۳۱۳ نفر آمده که تعداد ۵۰ نفر از آنها خانم هستند؛ البته اینان فرماندهان و افسران سپاه امام هستند.

انقلاب اسلامی، زمینه ساز ظهور

انقلاب اسلامی ایران نشان داد که انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) امکان‌پذیر است و چندان مشکل نیست؛ زیرا انقلاب آن حضرت برای تحقق سه امر مهم صورت می‌گیرد:

اهداف انقلاب حضرت مهدی (عج)		
احیای دین	نجات مستضعفان	شکستن طاغوت

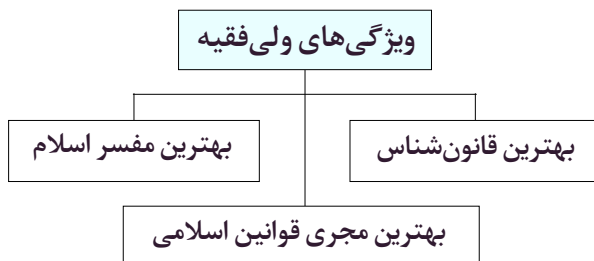
ولایت فقیه

بنا بر آموزه‌های اعتقادی شیعه، امام که وظیفه سرپرستی و راهنمایی امور دینی و دنیوی مردم را به عهده دارد، باید منصوب از طرف خداوند باشد. در

عصر غیبت که امام معصوم و منصوب ایشان، به حسب ظاهر، در جامعه حضور ندارد، وظایف او را فقهای واجد شرایط این مقام، به عهده خواهند داشت. سرپرستی و امامت جامعه انسانی، در نظرگاه شیعه، عهد و فرمانی الهی است، بنابراین حکومت باید از خدا، رسول و جانشینان او و به نیابت از امامان منصوب و معصوم گرفته شده باشد. مشروعیت ولایت فقیه، ناشی از نیابت عام و از این گذر به نصب الهی متصل است. هنگامی که ولایت، درباره فقیه به کار می‌رود، مراد از آن حکومت و زمامداری امور جامعه است. از دیدگاه شیعه، ولایت فقیه در عصر غیبت، ادامه ولایت امام معصوم (ع) است و در رأس هرم قدرت جامعه اسلامی، باید یک اسلام شناس قرار بگیرد.

دلایل ولایت فقیه

دلیل عقلی: بهترین فرد برای اجرای احکام و قوانین اسلام، کسی است که سه ویژگی داشته باشد:



این سه ویژگی، در عصری که به نبی و امام دسترسی نیست، در فقها وجود دارد. به عبارت دیگر، حیات اجتماعی و کمال فرد و جامعه در گرو قانون الهی است که این قانون، در زندگی فردی و اجتماعی گسترده است و به حاکمی عالم به دستورها و عادل در اجرای آن احکام نیازمند است. در عصر حضور معصوم، نبی و امام، زمام امور را به عهده دارد و در عصر غیبت، عالم‌ترین، عادل‌ترین و تواناترین فرد برای برقراری حکومت، باید عهده‌دار این مسئولیت باشد.

دلایل نقلی: روایات متعددی برای اثبات ولایت فقیه وجود دارد که دو روایت زیر از جمله آنهاست:

۱- روایت معروف به مقبوله عمر بن حنظله

امام صادق (ع) فرموده‌اند: «در میان شما کسی که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما مطالعه کرده و صاحب‌نظر شده و احکام و قوانین ما را شناخته است، باید او را حاکم قرار دهند؛ چرا که من او را حاکم بر شما قرار داده‌ام. پس آنگاه که به حکم ما، حکم می‌کند و از وی نپذیرفتند، بدون تردید حکم خدا را سبک شمرده و به ما پشت کرده‌اند و کسی که به ما پشت کند، به خداوند پشت کرده و این در حد شرک به خداوند است.»

استدلال به این روایت، به دلیل جمله «من او (راوی حدیث) را حاکم بر شما قرار داده‌ام»، است. همچنین به این دلیل که اجرای حکم در جامعه، به قدرت و حکومت نیاز دارد، باید امر حکومت در دستان فقیه باشد تا بتواند قضاوت کرده و حکم را اجرا کند.

۲- روایتی از توقیع شریف (فرمان -منشور)

حدیث «وَأَمَّا الْخَوَاطِئُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا فَأَنْتُمْ حُجَّتِي وَعَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» از توقیعات امام عصر (عج)، روایت معروفی است که به آن استناد شده است. استدلال به این روایت، با این جمله است که راویان حدیث، حجت بر مردم هستند و اطاعت از کسی که امام معصوم (ع)، وی را حجت بر مردم در همه کارها و حوادث قرار داده، واجب است.

شرایط ولی فقیه

● ولایت فقیه، تداوم خط امامت

علت غیبت امام دوازدهم، ناآگاهی مردم برای پذیرش رهبری ایشان است. خداوند، آن حضرت را برای زمان مناسب ذخیره کرده است تا زمانی که رشد و فرهنگ مردم به جایی برسد که بتوانند نور امامت را درک و از آن بهره ببرند. از سوی دیگر، در زمان غیبت حضرت مهدی (عج)، ما به حال خود رها نشده‌ایم؛ بلکه به پیروی از فقها و اسلام شناسان عادل و باتقوا که نواب آن حضرت هستند، سفارش شده‌ایم. بنابراین بر ما لازم است که در حوادث و مشکلات،

گوش به فرمان حکم خدا که از طریق فقیه جامع الشرایط عادل به ما ابلاغ می‌شود، باشیم.

آگاهی و اهتمام به مسائل اجتماعی

عدالت

اجتهاد و فقاہت

تقوا

نقش ولایت فقیه، همان نقش امامت و تداوم خط انبیاست. اسلام، قوانینی درباره مسائل اقتصادی، جزایی، نظامی و قضایی دارد که نه اجازه می‌دهد آن احکام تعطیل شوند و نه اختیار اجرای آن را به دست افراد جاهل به احکام می‌سپارد؛ بلکه اجرای آن را تنها به دست فقهای عادل و اسلام شناسان باتقوا سپرده تا در تمام حوادث، طبق قانون خدا حکم کنند و اطاعت از آن فقها را همچون اطاعت از امام معصوم (ع) و رسول گرامی (ص) واجب دانسته است. آیا مسلمانان به حکومت و نظام نیاز ندارند؟ آیا جامعه و کشور اسلامی نباید حفظ شود؟ آیا حفظ مرزها لازم نیست؟ آیا قوانین در کشور اسلامی نباید اجرا شود؟ آیا حق مظلوم نباید از ظالم گرفته شود و ظالم به مجازات برسد؟ آیا تلاش انبیا و امامان، تنها برای زمان خود آن بزرگواران بوده یا برای همه زمان‌ها و سرزمین‌هاست؟ اگر جواب مثبت است و اسلام به نظام، حکومت، جامعه و قانون نیاز دارد و حفظ حقوق و مرزها مطرح است، پس باید در زمان غیبت نیز حکومت اسلامی باشد؛ زیرا بدون یک تشکیلات حساب شده و دقیق، به‌خصوص در زمان ما که تمام مخالفان اسلام دارای تشکیلاتی بس بزرگ و دقیق هستند، هرگز نمی‌توانیم از قانون، مکتب، مرز و جان و مال و آبروی خود دفاع کنیم و اگر حکومت لازم است، حاکم هم لازم است؛ زیرا حکومت بدون حاکم، محال است.

اکنون که اسلام برای اجرای قوانین خود، هم به حکومت نیاز دارد و هم به حاکم، باید ببینیم حاکم چه شرایطی باید داشته باشد؟ آیا لازم است که حکم خدا را عمیقاً بداند یا نه؟ آیا عدالت داشته باشد یا نه؟ آیا به مسائل و حوادث آشنا و آگاه باشد یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است و به حاکم اسلام شناس، باتقوا و سیاستمدار نیاز است، این همان است که ما آن را ولایت فقیه می‌نامیم.

کسانی که ولایت فقیه را قبول ندارند، باید یکی از نظریه‌های زیر را بپذیرند:

۱	اسلام تنها نماز و روزه و یکسری عبادات فردی و اخلاقیات است و در مسائل مهم اجتماعی، حقوقی، قضایی، سیاسی و اقتصادی دخالتی ندارد.
۲	اسلام تنها برای زمان رسول الله بوده و بعد از آن دیگر جای قوانین مهم اجتماعی تنها در لایه لای کتاب‌هاست.
۳	اسلام دارای قوانین حکومتی و اجتماعی است؛ ولی شرایطی برای مجریان آن قرار نداده و هرکس گرچه جاهل و فاسق باشد، می‌تواند زمام امور را به دست بگیرد.

آیا جامعه اسلامی، در زمان غیبت حضرت مهدی (عج) به حاکم و حکومت نیاز ندارد؟

امام رضا (ع) می‌فرمایند: هیچ ملت و امتی بدون رهبر نیست و قوام جامعه وابسته به وجود رهبر است تا به فرمان او هم بیت المال جمع و تقسیم شود و هم با دشمنان خدا به نبرد برخیزند و هم مردم از تفرقه و تشتت دور شوند. اگر جامعه، چنین رهبری نداشته باشد، از هم می‌پاشد و قوانین خدا و دستورات رسول الله و احکام الهی تغییر می‌کند. مشاهده می‌شود که مسأله رهبری و حکومت در بیان امام رضا (ع) به عنوان مهم‌ترین مسأله زندگی مطرح شده و ناگفته نماند که گرفتن مالیات به نفع محرومان و تقسیم عادلانه آن و نبرد با مخالفان و تشکل افراد جامعه، چیزی نیست که تنها به زمان حضور امامان معصوم (ع) مربوط باشد و در زمان غیبت، جامعه به حال خود رها شده و حکومت و حاکمی برای این موضوعات لازم نباشد.

امام علی (ع): علماء، حاکمان مردم هستند.	امام کاظم (ع): فقهاء، دژهای اسلام هستند.
امام حسین (ع): مجرای امور و احکام باید به دست علمای خداشناس و باتقوا باشد؛ کسانی که در حرام و حلال خدا خیانت نمی‌کنند و امانت را حفظ می‌کنند.	

گفتار پنجم: معاد

اصل پنجم از اصول دین و مذهب، اعتقاد به «معاد» است. معاد، یعنی تجدد زندگی برای رسیدن به پاداش و کیفر اعمال. شاید هر فردی احساس کند که رشته زندگی اش، با مرگ گسسته نمی‌شود و مرگ، آخرین حلقه تکامل وی نیست و او برای زندگی چند روزه دنیا، با انبوهی از مشکلات و بدبختی‌ها آفریده نشده؛ بلکه مرگ، دریچه‌ای به سوی زندگی ابدی او خواهد بود. بنابراین باید گفت که عقیده به معاد، از امور فطری است و هرگز به استدلال نیاز ندارد؛ اما برای توضیح بیشتر، دو دلیل برای اثبات معاد و لزوم رستاخیز بیان می‌شود:

دلیل نخست:

❁ ارتباط عدل و حکمت خدا با معاد

جهان زندگی بشر، جهانی است که پایه‌های آن را عدل تشکیل داده و آفریدگار آن نیز، دادگر و عادل است و به بندگان خود دستور داده که در این جهان، زندگی خود را براساس عدالت استوار سازند و از ظلم و ستم اجتناب کنند. برای راهنمایی آنان نیز پیامبرانی فرستاده تا راه خیر و شر را به آنان نشان دهند. اما در برابر دستورهای الهی و راهنمایی‌های پیامبران، مردم دو دسته می‌شوند:

افرادی که در شهوات و آلودگی‌ها و ظلم و ستم به بندگان فرو رفته‌اند و هرگز از طرف خدا و پیامبر، برنامه‌ای برای آنان نیامده و راه مستقیم به آنها نشان داده نشده، اینان از زندگی جز شهوت پرستی، نیرنگ، ظلم، تزویر و بیداد، هدف دیگری ندارند و در راه رسیدن به هدف خویش، از هیچ جنایتی روی گردان نیستند.

گروهی که مطیع و فرمانبردار خدا هستند و خود را از آلودگی‌ها، ناپاکی‌ها، گناه و اخلاق زشت دور می‌کنند یا دست کم در این فکرند که خود را پاک کنند.

آیا عادل و دادگری که حساب همه بندگان در پیشگاه او روشن است و از برون و درون همه آگاه است، این دو گروه را به یک چشم نگاه می‌کند؟ عقل سلیم

حکم می‌کند که این دو گروه با هم فرق دارند و هر کدام باید به جزای کردار خویش برسند.

عدل و حکمت خدای متعال، اقتضا می‌کند میان افراد باایمان و نیکوکار و افراد مشکوک و بدکار تفاوت و امتیازی باشد. شکی نیست که در دنیا، کیفر و پاداش به طور کامل داده نمی‌شود؛ زیرا ما با چشم خود می‌بینیم که بسیاری از مردم بی‌ایمان و بدکار، در دنیا در کمال رفاه و آسایش و ناز و نعمت به سر می‌برند و با مکیدن خون مردم، صورتی گلگون دارند. در مقابل، گروه زیادی از افراد باایمان و نیکوکار را می‌بینیم که عمر خود را در راه خدمت به خلق و اصلاح اجتماعی و انجام وظایف فردی و اجتماعی صرف می‌کنند؛ ولی در کمال ناراحتی و فشار و فقر یا زندان و شکنجه زندگی را می‌گذرانند و سرانجام با همین وضع از دنیا می‌روند. به اقتضای عدالت و حکمت خدا، باید جهان دیگری باشد که نیکوکاران، پاداش نیکوکاری و بدکاران، کیفر بدکاری خود را ببینند و این «جهان دیگر» همان رستاخیز و معاد است که در همه ادیان آسمانی، به‌ویژه در دین مبین اسلام، رکن اساسی و یکی از اصول، معرفی شده است.

دلیل دوم:

🌀 هدفدار بودن خلقت

خدایی که به او اعتقاد داریم، حکیم و علیم است؛ از خلقت این جهان و آفریدن انسان و از اینکه نیروی خرد را در انسان قرار داده و انبیای بزرگ را برای راهنمایی او فرستاده، هدفی داشته است.

آیا هدف از خلقت انسان، این بوده که چند روزی در جهان، طبق تمایلات نفسانی خود زندگی کند و چند هزار کیلو غذا بخورد و پس از مدتی کامروایی یا محرومیت، سر به زیر خاک برد؟ به‌راستی اگر هدف از خلقت انسان این باشد، باید گفت که اصل آفرینش او لغو و بیهوده بوده است. در صورتی که آفریدگار و پروردگار جهان، حکیم است و کار لغو از او سر نمی‌زند. پس اگر قدری فکر کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که هدف از آمدن انسان، همین زندگی محدود نبوده و او برای یک زندگی نامحدود و جاویدان آفریده شده که همان، جهان پس از مرگ است.

فصل سوم

احكام

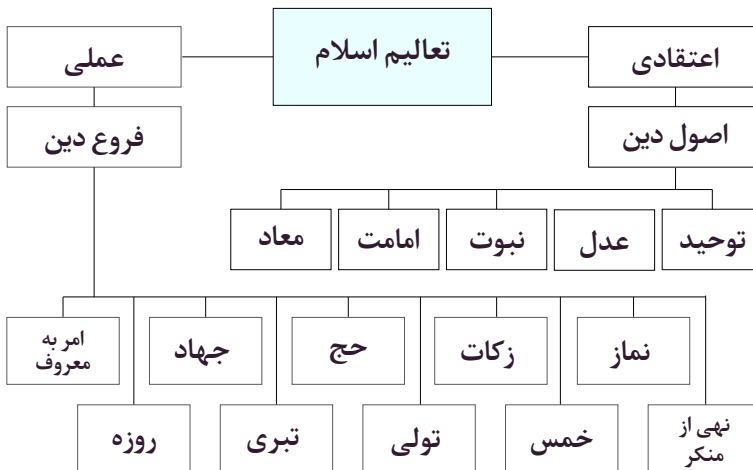
اهمیت تکلیف

اهمیت تکلیف از منظر مقام معظم رهبری (دام ظلّه): «اگر ما به احکام اسلامی عمل نکنیم، اگر جامعه اسلامی، ایمان اسلامی را همراه با عمل به مقررات وقوانین الهی تعقیب نکند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که بشریت در طول تاریخ به دنبال آن بوده است. یعنی چه؟ یعنی آسایش و رفاه مادی همراه با تکامل و پیشرفت و عروج معنوی.»

«معنای تقوا، این است که هر آنچه را خدای متعال بر انسان تکلیف کرده است، انجام بدهد. واجبات را به جا آورد و محرمات را ترک کند. این اولین مرتبه تقواست. محرمات الهی را باید شناخت و دور و بر آن نچرخید و نگشت.» «عدالت، آزادی و آزادی و بهجت روح انسانی در عمل به احکام دین تحقق می یابد و نیازهای اصلی انسان، تنها به برکت دین خداست که تأمین می شود.»

اهمیت یادگیری احکام شرعی

واجب است مکلف، احکام و مسائلی را که انجام تکالیف شرعی روزمره، وابسته به دانستن آن است، فراگیرد. مانند مسائل اصلی نماز، روزه، طهارت، برخی معاملات و غیره و اگر یاد نگرفتن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد، گناهکار خواهد بود.



احکام

اقسام احکام: مجموعه دستورهای دین که وظیفه انسان‌ها را در زندگی و کارهای روزمره مشخص می‌کند، احکام نامیده می‌شود که خود پنج دسته هستند:

احکام پنج‌گانه	
کاری که باید انجام داد و ترک آن گناه دارد. مانند نماز خواندن و روزه گرفتن	واجب
کاری که نباید انجام داد و انجام دادن آن گناه دارد. مانند دروغ گفتن و دزدی	حرام
کاری که انجام دادن آن بهتر است و ثواب دارد. مانند مسواک زدن و گفتن بسم الله در ابتدای غذا	مستحب
کاری که انجام ندادن آن بهتر است و ترک آن ثواب دارد. مانند خوردن غذای داغ	مکروه
کاری که انجام دادن و انجام ندادن آن به خودی خود نه ثواب دارد و نه گناه. مانند راه رفتن و نشستن	مباح

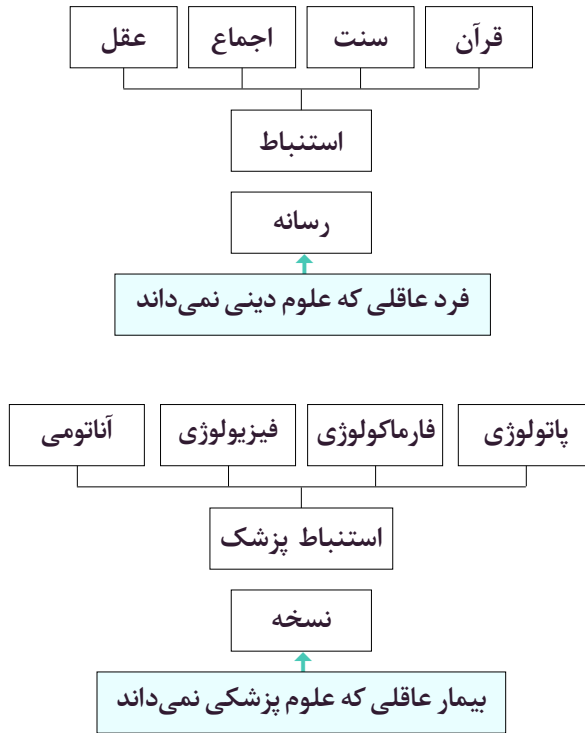
راه‌های عمل به احکام:

فرد مکلف با تکیه بر عقل نمی‌تواند به احکام شرعی دست یابد. راه‌های عمل به احکام الهی سه قسم است:

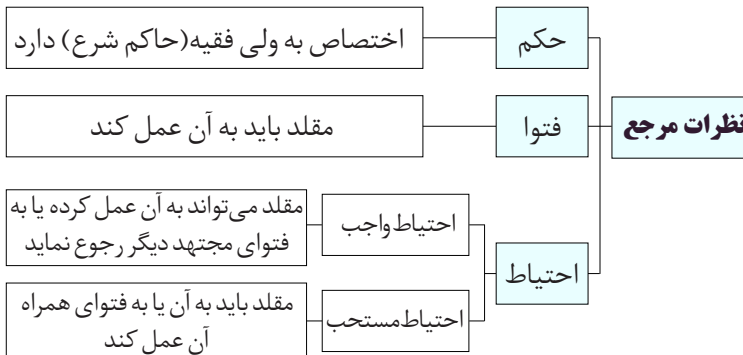
راه‌های عمل به احکام دین	اجتهاد	اجتهاد، یعنی به دست آوردن و استخراج احکام شرعی و قوانین الهی از مدارک و منابعی که اعتبار آنها نزد فقیه ثابت شده است.
	احتیاط	احتیاط، یعنی عمل کردن به گونه‌ای که مکلف مطمئن شود وظیفه شرعی خود را انجام داده، مثلاً کاری را که بعضی از مجتهدین حرام می‌دانند و بعضی دیگر حرام نمی‌دانند، به جا نیاورد و کاری را که بعضی واجب می‌دانند و بعضی دیگر واجب نمی‌دانند، انجام دهد.
	تقلید	تقلید، یعنی مراجعه به مجتهد جامع الشرایط در احکام دین یا به عبارت دیگر به جا آوردن اعمال شرعی طبق تشخیص و فتوای مجتهد.

ضرورت و لزوم تقلید در احکام

نیازمندی‌هایی که انسان در محیط زندگی خود دارد، به قدری زیاد است که نمی‌تواند در همه آنها تخصص پیدا کرده و اطلاع کافی به دست آورد. از طرف دیگر چون انسان، کارهایش را از روی فکر و اراده انجام می‌دهد و در تصمیم‌گیری‌های خود باید اطلاع کافی داشته باشد، نمی‌تواند درست تصمیم بگیرد، از این رو باید یا خود متخصص باشد یا از فرد متخصص بپرسد.



نظرات مرجع به سه دسته تقسیم می‌شود که به شرح زیر است:



تذکر: در صورتی که فتوای مرجع تقلید و حکم ولی فقیه خلاف یکدیگر باشد، به یقین حکم ولی فقیه مقدم و مخالفت با آن حرام است.

شرایط مرجع تقلید

شرایط مرجع تقلید عبارت است از:

شرایط مرجع تقلید			
عاقل باشد	مجتهد باشد	عادل باشد	مرد باشد
شیعه دوازده امامی باشد	حلال زاده باشد	اعلم باشد	
بالغ باشد	زنده باشد	بنا بر احتیاط واجب حریص به دنیا نباشد	

از چه راه‌هایی می‌توان مجتهد جامع الشرایط را شناخت؟

از چه راه‌هایی می‌توان مجتهد جامع الشرایط را شناخت؟	خود انسان یقین کند، مثل آنکه از اهل علم باشد.
	دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، تصدیق کنند به شرط آنکه دو نفر عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نداشته باشند.
	از گفته عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، اطمینان حاصل شود.

به دست آوردن فتوای مجتهد چند راه دارد

دیدن از رساله مورد اطمینان	شنیدن از کسی که مورد اطمینان و راستگو است	شنیدن از دو نفر عادل	شنیدن از خود مجتهد
-------------------------------	--	-------------------------	-----------------------

آب‌ها



آب اقسام مختلفی دارد که در جدول زیر به آن اشاره شده است:



ویژگی های آب مطلق

- ۱- آبی که گفتن کلمه آب بر آن، به تنهایی درست باشد. مثل آب دریا
- ۲- آبی که چیز نجس را پاک می کند؛ اگر نجس شود، قابل تطهیر است و می توان با آن وضو و غسل انجام داد؛ در برخورد با نجاست نجس نمی شود، بجز آب قلیل که اگر با نجاست برخورد کند، نجس می شود.

ویژگی های آب مضاف

- ۱- آبی است که آن را از چیزی بگیرند مثل آب هندوانه و گلاب یا با چیزی مخلوط باشد مانند آبی که به قدری با گل و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن آب نگویند.
- ۲- آبی که چیز نجس را پاک نمی کند، در برخورد با نجاست نجس می شود و وضو و غسل با آن باطل است.

طهارت

یکی از مقدمات نماز، کسب طهارت است و طهارت لازم برای نماز دو گونه است:

طهارت باطنی	طهارت ظاهری
این طهارت، نیاز به قصد قربت دارد و با وضو، غسل یا تیمم به دست می آید.	منظور از این طهارت، پاکی بدن و لباس از نجاسات است.

مطهرات

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾: همانا خداوند دوست دارد توبه کنندگان و دوست دارد پاکیزگان را. ﴿ (بقره/ ۲۲۲)

مطهرات

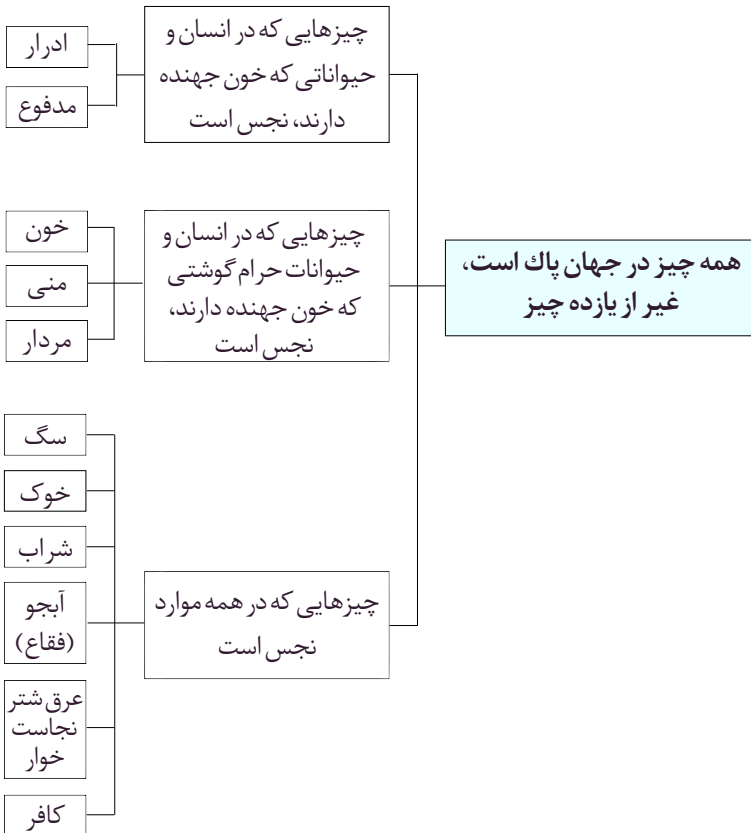


جنس چیزی که نجس است، طوری عوض شود که به صورت چیز پاک درآید، مثل چوب نجس که بسوزد و خاکستر شود	۵ استحاله
خون بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است، ولی اگر به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد، منتقل شود، پاک می‌شود.	۶ انتقال
چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز دیگر پاک شود	۷ تبعیت
اگر بدن انسان یا حیوان به عین نجاست آلوده شود مثل خون، اگر عین نجاست برطرف شود بدن، پاک می‌شود	۸ برطرف شدن نجاست
حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده، بول و غایطش نجس است و برای اینکه پاک شود باید آن را استبرا (خوردن غذای پاک و جلوگیری از نجس خواری) کنند	۹ استبراء حیوان نجاست خوار
اگر بدن یا لباس مسلمان یا ظرف و فرشی که در اختیار اوست، نجس شود، اگر آن مسلمان غایب شود، آن چیز پاک است.	۱۰ غایب شدن مسلمان

- نمازگزار باید قبل از نماز وضو بگیرد و خود را برای این عبادت بزرگ آماده کند. همچنین در برخی موارد، باید غسل کند، یعنی همه بدن را بشوید و هر گاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن تیمم کند.

نجاسات

«عن ابی عبدالله (ع): اغسل ثوبک من ابوالِ ما لا یوکل لحمه»: لباست را از بول هر حیوان حرام گوشتی پاک کن.



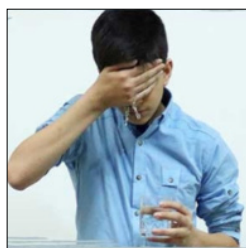
وضو

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ: ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که به نماز می ایستید، صورت و دست‌ها را تا آرنج بشویید و سر و پاها را تا مفصل مسح کنید. ﴿مائده/۶﴾

اقسام وضو

ترتیبی

به نیت وضو صورت و دست‌ها را شسته و سپس مسح سر و پاها را با رطوبت به جا مانده انجام می‌دهیم.



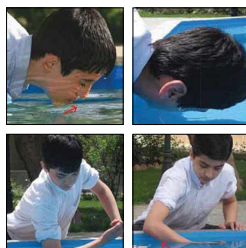
جبیره‌ای

اگر در اعضای وضو، زخمی بسته شده باشد، جاهایی را که می‌توان شست، باید بشوییم و روی زخم بسته شده را با دستِ تر مسح بکشیم.



ارتماسی

صورت و دست‌ها را به قصد وضو از بالا به پایین در آب فرو برده یا ابتدا آن‌ها را در آب فرو می‌بریم و سپس به قصد وضو از آب بیرون آورده و بعد مسح سر و پاها را انجام می‌دهیم.



- وضوی جبیره‌ای، زیر مجموعه وضوی ترتیبی است.
- جبیره، یعنی پارچه‌ای که روی زخم بسته می‌شود.

وضوی ترتیبی

چگونه وضو بگیریم

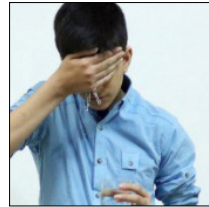
نیت

لازم نیست که نیت وضو بر زبان جاری شود، همین که انسان متوجه انجام این کار باشد، کافی است.



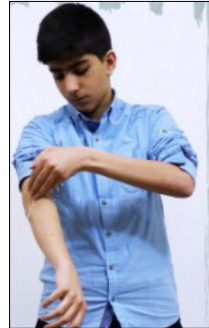
شستن صورت

درازای صورت از جایی که موی سر روییده تا نوک چانه و پهنای صورت به مقداری که اگر دست به صورت بکشیم، بین شست و انگشت وسط قرار بگیرد.



شستن دست راست

از آرنج تا سر انگشتان، به طوری که این محدوده کاملاً شسته شود.



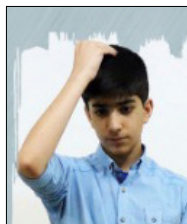
شستن دست چپ

از آرنج تا سر انگشتان، به طوری که این محدوده کاملاً شسته شود.

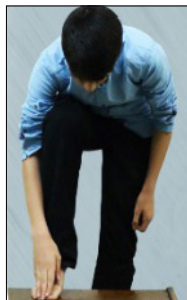


مسح سر

طول آن به هر اندازه که باشد، کافی است.
 بنا بر احتیاط مستحب، به درازای یک انگشت باشد. عرض آن به
 هر اندازه که باشد، کافی است. بنا بر احتیاط مستحب، به پهنای
 سه انگشت باشد.

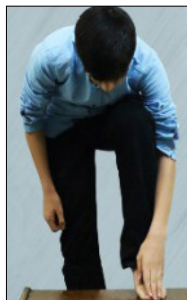
**مسح پای راست**

با دست راست

**مسح پای چپ**

با دست چپ

محدوده آن: از سر انگشت پا تا مفصل پا



تذکر: شستن صورت و دست‌ها به نیت وضو، مرتبه اول واجب، مرتبه دوم
 جایز و مرتبه سوم حرام است.

صحیح بودن وضو سیزده شرط دارد:



برای انجام شش کار باید وضو گرفت:

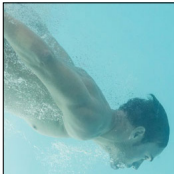
۱	نماز واجب غیر از نماز میت
۲	اگر نذر یا عهد یا قسم خورده که وضو بگیرد
۳	برای سجده و تشهد فراموش شده اگر بین نماز، وضو باطل شده باشد
۴	برای آب کشی قرآنی که نجس شده
۵	برای طواف واجب خانه خدا
۶	اگر نذر کرده که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند

هفت چیز وضو را باطل می کند:

۱	چیزهایی که عقل را از بین می برد، مثل مستی، بیهوشی و دیوانگی
۲	خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود
۳	کاری که برای آن باید غسل کرد، مثل جنابت
۴	باد معده و روده که از مخرج خارج شود
۵	استحاضه زنان
۶	غائط
۷	بول

غسل

دو نوع غسل داریم که در موارد لازم می‌توان به یکی از دو روش زیر غسل کرد:

ترتیبی در این روش، به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست و بعد طرف چپ بدن شسته می‌شود	
ارتماسی به نیت غسل، به تدریج در آب فرو رفته تا تمام بدن زیر آب رود. احتیاط آن است که یک دفعه زیر آب برود	

در هفت مورد غسل بر انسان واجب می‌شود:

غسل به واسطه نذرو قسم	نفاس	استحاضه	جنابت
	مس میت	میت	حیض

- کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیت همه آن‌ها، یک غسل کند یا آن‌ها را جدا جدا انجام دهد.

- اگر شک کند که غسل کرده یا نه، باید غسل کند؛ اما اگر بعد از غسل شک کند که غسل او درست بوده یا نه؟ لازم نیست که دوباره غسل کند.

در چند مورد غسل باطل است

در غسل ترتیبی، اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مسأله، ترتیب را مراعات نکند، غسل او باطل است.
اگر بعد از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته و نداند کجای بدن است، باید دوباره غسل کند.
اگر در غسل به اندازه سر مویی از بدن نشسته بماند، غسل باطل است.
چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است، باید برطرف کند و اگر پیش از آنکه یقین کند برطرف شده، غسل کند، غسل او باطل است.
کسی که قصد دارد پول حمامی را ندهد، یا بدون اینکه بداند حمامی راضی است، بخواهد نسیه بگذارد، اگر چه بعد حمامی را راضی کند، غسل او باطل است.

- تمام شرط‌هایی که در صحیح بودن وضو گفته شد (پاک بودن آب، غصبی نبودن) در صحیح بودن غسل هم شرط است. جز اینکه در غسل لازم نیست از بالا به پایین باشد یا فوراً قسمت دیگر را بشوییم.

احکام جنابت

پنج چیز بر جنب حرام است:

۱	رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و پیامبران و امامان (ع)
۲	رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر (ص) اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود
۳	توقف در مساجد دیگر؛ ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود، مانعی ندارد و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان (ع) هم توقف نکند.
۴	خواندن سوره‌ای که سجده واجب دارد
۵	گذاشتن چیزی در مسجد

تیمم

انواع تیمم

بدل از غسل

بدل از وضو

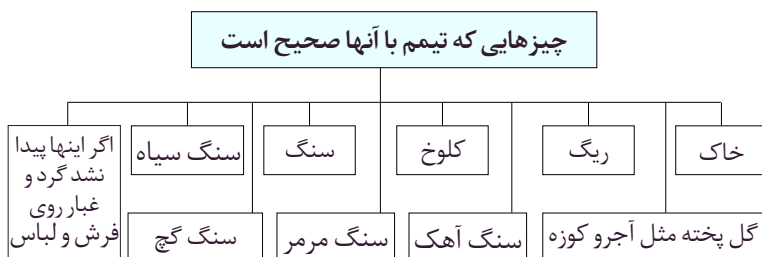
تیمم بدل از غسل همانند تیمم بدل از وضو انجام می‌شود.

چگونه تیمم کنیم؟



- انسان باید برای تیمم، انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یا در کف دست‌ها مانعی باشد، باید آن مانع را برطرف کند.
- اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست برای نماز، وضو بگیرد.
- اگر مختصری از پیشانی و پشت دست‌ها را هم مسح نکند، تیمم باطل است.

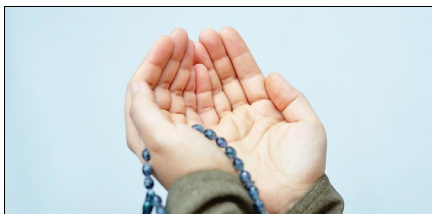
چیزهایی که تیمم با آنها صحیح است:



در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد:

۱	(پیدا نکردن آب) تهیه آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد
۲	(مشقت بیش از حد) یا به واسطه پیری یا ترس از دزد و جانور یا نداشتن وسیله‌ای که آب از چاه بکشد
۳	(ترس از ضرر) یا از استعمال آب بر جان خود بترسد که مرض یا عیبی در او پیدا شود و مرضش طول بکشد یا شدت کند یا به سختی معالجه شود
۴	نیاز به آب برای تطهیر
۵	نیاز به آب برای حفظ جان
۶	نداشتن ظرف و آب مباح
۷	نداشتن وقت برای وضو یا غسل

نماز



نمازهای واجب

نمازی که به واسطه اجیر شدن و نذر و قسم و عهد واجب می‌شود

نماز قضای پدر بر پسر بزرگ‌تر

نماز طواف واجب خانه خدا

نماز میت

نماز آیات

نماز یومیه

نماز عشا
چهار رکعت

نماز مغرب
سه رکعت

نماز عصر
چهار رکعت

نماز ظهر
چهار رکعت

نماز صبح
دو رکعت

لباس نمازگزار پنج شرط دارد:

اجزای مردار نباشد

مباح باشد

پاک باشد

برای مردان
ابریشم و طلا بافت نباشد

از حیوان
حرام گوشت نباشد

مکان نمازگزار:

بلندی سقف آن طوری باشد که بتواند بایستد	اگر نجس است طوری نباشد که تری آن در لباس و بدن اثر کند، ولی جایی که پیشانی را بر آن می گذارد اگر نجس باشد حتی خشک باشد نماز باطل است.	محل سجده و زانوها، بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلندتر نباشد و احتیاط واجب آن است که از سر انگشتان پا هم بیشتر از این پست تر و بلندتر نباشد
مباح باشد (غصبی نباشد)		
بی حرکت باشد		

اذان و اقامه

برای زن و مرد مستحب است پیش از نمازهای یومیه اذان و اقامه بگویند.

تفاوت اذان و اقامه:

اذان	اقامه
۴	۲
۲	۲
۲	۲
۲	۲
۲	۲
۲	۲
۲	۲
ندارد	۲
۲	۲
۲	۱

آموزش نماز

پس از وضو گرفتن، به نماز می‌ایستیم اذان را به صورتی که در بالا بیان شده می‌گوییم



۱- ابتدا نیت می‌کنیم برای انجام و اطاعت از فرمان الهی و کسب رضایت خداوند (قربه الی الله) به جا می‌آوریم.

نکته: به زبان آوردن و یا حتی از ذهن گذراندن این کلمات نیازی نیست، مهم همان توجه و دانستن عملی است که مشغول انجام آن هستیم.

تکبیره الاحرام: به زبان آوردن ذکر (الله اکبر)



۲- خواندن سوره حمد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

به نام خداوند بخشنده و مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲)

ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳)

خداوندی که بخشنده و بخشایشگر است (و رحمت عام و خاصش همه را رسیده).

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴)

خدایی که مالک روز جزاست.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵)

تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوئیم.

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶)

ما را به راه راست هدایت فرما.

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۷)

راه آن‌ها که بر آنان نعمت دادی نه آن‌ها که بر ایشان غضب کردی و نه گمراهان!

خواندن سوره توحید یا هر سوره دیگری از قرآن کریم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)

بگو خداوند یکتاست

اللَّهُ الصَّمَدُ (۲)

خدا بی نیاز است

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳)

نه زاییده و نه زاییده شده (فرزند ندارد و

فرزند کسی نیست)

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

هیچ کس همتای او نیست.



۴- انجام دو سجده: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» یعنی پروردگار من که از همه کس بالاتر می باشد از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم.



۳- انجام رکوع: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» یعنی پروردگار بزرگ من از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم.



۶- انجام رکوع



۵- رکعت دوم همانند رکعت اول انجام می شود و سپس قنوت با هر زبانی و هر دعایی ادا می گردد.



۷- انجام دو سجده



۹- در نمازهای سه و چهار رکعتی بعد از تشهد در رکعت دوم، برخاسته و در قیام رکعت سوم و چهارم به جای حمد و سوره، سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده می‌شود. تسبیحات اربعه: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

پاک و منزّه است خداوند و ستایش مختص خدا است و معبودی جز خدا نیست و خداوند بزرگتر است. در این ذکر، بخش اول به تسبیح خدا و دیگر بخش‌ها به تحمید، تهلیل و تکبیر خداوند می‌پردازد.



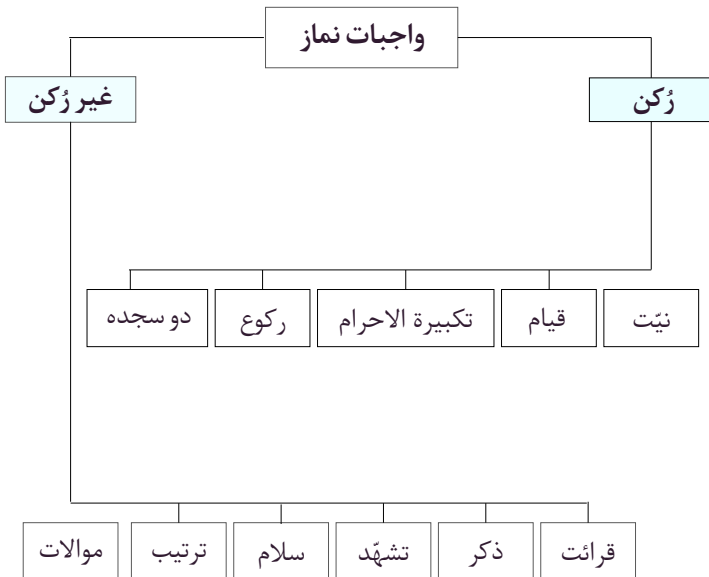
۸- تشهد نماز در رکعت دوم:
 الْحَمْدُ لِلَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
 ستایش مخصوص خداوند تعالی است و شهادت می‌دهم که نیست خدایی جز خدای یگانه و شریکی ندارد.
 وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
 شهادت می‌دهم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده خدا و فرستاده اوست.
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد



۱۰- در رکعت آخر نماز، خواندن تشهد و سلام و گفتن سه تکبیر (الله اکبر)
 سلام نماز: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ
 اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 سلام بر تو ای پیامبر و رحمت و برکات خداوند بر تو باد.
 سلام از سمت خداوند عالم بر ما (نمازگزاران) و تمام بندگان صالح خدا
 سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما

واجبات نماز

واجبات نماز	
واجباتی که اگر انسان آنها را به جا نیاورد یا در نماز اضافه کند، عمداً یا سهواً باشد نماز باطل است.	رکن
اگر عمداً کم یا زیاد شود، نماز باطل می شود؛ ولی اگر سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل نمی شود.	غیر رکن



مبطلات نماز

آنکه در بین نماز یکی از شرط‌های آن از بین برود. مثلاً بفهمد مکانش غصبی بوده است	رکن نماز را عمدتاً یا سهواً زیاد یا کم کند یا چیزی را که رکن نیست، عمدتاً کم یا زیاد کند
عمداً با صدا در نماز بخندد	عمداً با صدا در نماز بخندد
دست‌ها را روی هم بگذارد مثل کسانی که شیعه نیستند	در نماز طوری بخورد و بیاشامد که نگویند نماز می‌خواند
بعد از خواندن حمد آمین بگوید	صورت نماز را به هم بزند، مثل دست زدن
عمداً یا از روی فراموشی پشت به قبله کند یا به طرف راست یا چپ قبله برگردد	برای کار دنیا عمدتاً با صدا گریه کند؛ اما اگر برای امر آخرت و ترس از خدا گریه کند، آهسته باشد یا بلند، اشکال ندارد
آنکه در بین نماز عمدتاً یا سهواً یا از روی ناچاری وضو یا غسلش باطل شود. مثلاً بول از او خارج شود	شک در رکعت‌های نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی

شکایات نماز

شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند:

۱	شک در نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و مسافر؛ اما شک در نماز مستحبی و احتیاط نماز را باطل نمی‌کند
۲	شک در نماز سه رکعتی، نماز مغرب
۳	شک در نماز چهار رکعتی اگر شک کند یک رکعت خوانده یا بیشتر
۴	در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم در رکعت دوم شک کند دو رکعت خوانده یا بیشتر
۵	شک بین دو و پنج یا دو و بیشتر از پنج
۶	شک بین سه و شش یا بیشتر
۷	شک در رکعت‌های نماز که نداند چند رکعت خوانده
۸	شک بین چهار و شش یا بیشتر چه پیش از تمام شدن سجده دوم یا بعد از آن

شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد:

۱	شک بعد از محل: این که در رکوع شک کند حمد خوانده یا نه
۲	شک بعد از وقت: که وقت نماز تمام شده باشد
۳	شک بعد از سلام
۴	شک کثیر الشک: یعنی کسی که زیاد شک می‌کند
۵	شک امام و مأوم در شماره رکعت‌ها که یکی از آنها شماره رکعت را بداند
۶	شک در نمازهای مستحبی

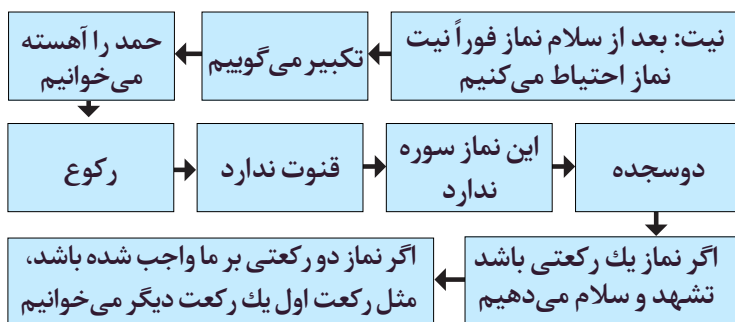
شکایات صحیح نماز

شکایات صحیح نماز			
شک بین	در حال	بنابر	تکلیف
۳، ۲		۳	
۴، ۲		۴	
۴، ۳، ۲		۴	
۴، ۳		۴	
۵، ۴		۴	
۵، ۴		۴	
۵، ۳		۴	
۵، ۴، ۳		۴	
۶، ۵		۴	
 در صورت شک بعد از ذکر واجب سجده دوم بعضی مراجع علاوه بر نماز احتیاط فتوا به اعاده نماز داده اند.  باید بشیند تا از رکعات یکی کم شود (مثلا شک ۵، ۴ تبدیل به ۴، ۳ می شود) و بنابر احتیاط واجب نماز را نیز اعاده کند.  در هر جای نماز  بعد از سر برداشتن از سجده دوم			
نماز احتیاط نشسته  حالت نشسته  نماز احتیاط ایستاده  حالت ایستاده  سجده سهو 			

نماز احتیاط

نماز احتیاط: نمازی يك یا دو رکعتی است که به سبب شك در تعداد رکعت‌های نماز چهار رکعتی واجب می‌شود. این نماز را باید آهسته خواند و نیت آن را نباید به زبان آورد.

طریقه خواندن نماز احتیاط



سجده سهو

سجده سهو: شامل دو سجده و يك تشهد و سلام است که در پی وقوع برخی اشتباه‌ها در نماز، واجب می‌شود و باید بلافاصله بعد از سلام نماز به جا آورده شود.

مواردی که سجده سهو واجب می‌شود:

آنکه در بین نماز سهواً حرف بزند
در جایی که نباید نماز را سلام دهد مثلاً در رکعت اول سهواً سلام دهد
آنکه يك سجده را فراموش کند
آنکه تشهد را فراموش کند
آنکه در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شك کند چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت

طریقه خواندن سجده سهو: بعد از سلام نماز فوراً نیت سجده سهو می‌کنیم و پیشانی را به مهر می‌گذاریم و می‌گوییم: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» یا «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» ولی بهتر است بگوییم: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ»

نماز مسافر

مسافر با هشت شرط نمازهای چهار رکعتی را شکسته، یعنی دو رکعت می‌خواند:

شرایط شکسته شدن نماز مسافر
کسی که سفرش کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد (۲۲/۵ کیلومتر رفت + ۲۲/۵ کیلومتر برگشت جمعاً ۴۵ کیلومتر)
از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد
در بین راه از قصد خود برنگردد
قبل از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود نگذرد
برای کار حرام سفر نکند
از صحرا نشین‌ها نباشد که دائم دنبال جای مناسب هستند
شغل او مسافرت نباشد
به حد ترخص برسد (حد اقل ۲۲/۵ کیلومتر از وطن خود دور شود)

حد ترخص: مسافر به قدری از شهر دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان را نشنود.

مسافت شرعی: یکی از شرایط شکسته شدن نماز مسافر آن است که مسافر تصمیم داشته باشد دست کم ۸ فرسخ شرعی مسافرت کند. به این ۸ فرسخ، مسافت شرعی گفته می‌شود.

مستحب است نمازهای واجب، به خصوص نمازهای یومیه را به جماعت بخوانیم.

نماز جماعت

مستحب است نمازهای واجب، به خصوص نمازهای یومیه را به جماعت بخوانیم.

مواردی که باید نماز را به جماعت خواند

اگر پدر و مادر به ما امر کنند که نماز را به جماعت بخوانیم	اگر در نماز وسواس داریم	اگر حمد و سوره را به خوبی نمی دانیم
---	----------------------------	--

شرایط نماز جماعت

هنگام برپایی نماز جماعت، باید شرایط زیر رعایت شود:

مأموم از امام جلوتر نیستد	جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین بالاتر نباشد
فاصله امام و مأموم و فاصله صف ها، زیاد نباشد	
بین امام و مأموم و بین صف ها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد؛ ولی نصب پرده بین صف مردها و زن ها اشکال ندارد	

نماز آیات

نماز آیات به واسطه چهار چیز به ما واجب می‌شود:
وقتی حوادث آسمانی یا زمینی در شهر ما اتفاق بیفتد، باید نماز آیات، که یکی از نمازهای واجب است، خوانده شود:



زلزله



خورشید گرفتگی



رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ
در صورتی که بیشتر مردم بترسند



ماه گرفتگی

نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند که در این صورت حمد و سوره را تنها امام جماعت می‌خواند.

نماز آیات را می‌توان به دو صورت خواند:		
نیت	نیت	۱
تکبیر	تکبیر	۲
یک حمد می‌خوانیم و سوره را به پنج قسمت تقسیم می‌کنیم	خواندن یک حمد و یک سوره کامل	۳
هر قسمت از سوره را که خواندیم، رکوع می‌رویم	رکوع اول	۴
تا پنج مرتبه این عمل را تکرار می‌کنیم و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده می‌رویم	دوباره خواندن یک حمد و یک سوره کامل بعد از برخاستن از رکوع	۵
برمی‌خیزیم و رکعت دوم را مثل رکعت اول به جا می‌آوریم	تکرار این عمل تا پنج مرتبه	۶
رکوع و دو سجده می‌رویم	برخاستن از رکوع پنجم و رفتن به سجده	۷
در آخر تشهد و سلام می‌دهیم	انجام رکعت دوم مثل رکعت اول	۸
	تشهد و سلام	۹



نماز عید فطر

نماز عید قربان و عید فطر در زمان حضور امام (ع) واجب است و باید به جماعت خوانده شود و در زمان ما مستحب است.
نماز عید فطر و عید قربان دو رکعت است که به این شرح خوانده می‌شود:

رکعت اول: در رکعت اول بعد از حمد و سوره باید پنج تکبیر بگوییم و بعد از هر تکبیر، یک قنوت بخوانیم. بعد از قنوت پنجم، تکبیر دیگری بگوییم، به رکوع برویم و دو سجده به جا آوریم و برخیزیم.

رکعت دوم: در رکعت دوم بعد از حمد و سوره، چهار تکبیر بگوییم و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخوانیم. بعد از قنوت چهارم، تکبیر دیگری بگوییم و به رکوع برویم و دو سجده به جا آوریم و تشهد و سلام بخوانیم.

نماز
عید فطر
و
عید قربان

قنوت: در نماز عید فطر و قربان هر دعا و ذکر بخوانیم، کافی است ولی بهتر است این دعا خوانده شود: اللهم اهل الکبرياء و...

نماز جمعه

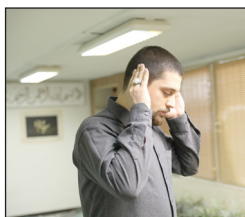
در زمان غیبت ولی عصر (عج) نماز جمعه واجب تخییری است. یعنی ما می‌توانیم روز جمعه به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانیم که خواندن نماز جمعه افضل است و احتیاط در آن است که هر دو را بخوانیم.

کیفیت نماز جمعه:

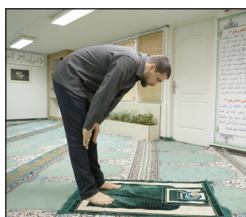
رکعت اول:



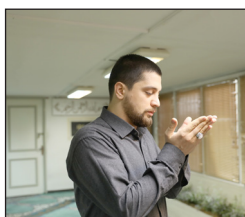
۲- حمد و سوره



۱- نیت و تکبیره الاحرام



۴- رکوع

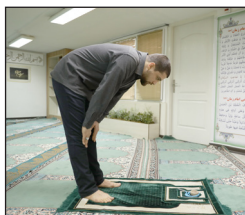


۳- قنوت قبل از رکوع



۵- دو سجده

رکعت دوم:



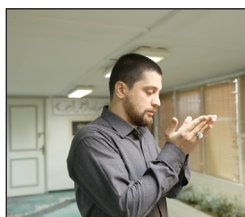
۷- رکوع



۶- حمد و سوره



۹- دو سجده و بعد تشهد و سلام



۸- قنوت پس از رکوع

- نماز جمعه مانند نماز صبح، دو رکعت است. مستحب است که حمد و سوره با صدای بلند خوانده شود. بهتر است در رکعت اول بعد از حمد، سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقون خوانده شود.

- نماز جمعه دارای دو قنوت است. قنوت اول قبل از رکوع رکعت اول و قنوت دوم پس از رکوع رکعت دوم به جا آورده می‌شود.

- نماز جمعه دارای دو خطبه است که قبل از نماز، مانند اصل نماز واجب بوده و باید از سوی امام جمعه ایراد شود. بدون این دو خطبه، نماز جمعه محقق نمی‌شود.

احکام روزه

روزه: روزه عبارت است از خودداری از خوردن و آشامیدن و برخی کارهای خاص دیگر از اذان صبح تا اذان مغرب به انگیزه پیروی از فرمان خدا.

قی کردن	مبطلات روزه
خوردن و آشامیدن	
جماع	
استمناء	
دروغ بستن به خدا و پیغمبر و جانشینان ایشان	
رساندن غبار غلیظ به حلق	
فرو بردن تمام سر در آب	
باقی ماندن به جماع و حیض و نفاس تا اول صبح	
اماله کردن با چیزهای روان	

تذکر: اگر انسان عمداً کاری که روزه را باطل می کند، انجام دهد، روزه اش باطل می شود؛ اما اگر از روی عمد نباشد (سهواً)، اشکال ندارد.

کفاره روزه: کسی که عمداً و بدون عذر شرعی روزه خود را باطل کند، یکی از این سه کفاره را باید انجام دهد:

یک بنده آزاد کند	کفاره روزه
دو ماه روزه بگیرد که سی و یک روز آن متوالی باشد	
شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام یک مد طعام که تقریباً ۱۰ سیر است گندم یا جو و مانند اینها بدهد	

مواردی که روزه در مسافرت صحیح است

اگر نذر کند روز معینی را در سفر روزه بگیرد
اگر نذر کند روز معینی را، اگر چه در سفر باشد روزه بگیرد
سه روز روزه مستحبی گرفتن در شهر مدینه منوره برای حاجب
کسی که نمی داند روزه مسافر باطل است، اگر در سفر روزه بگیرد و تا مغرب نفهمد

تذکر: اگر اینها برایش ممکن نباشد، هر چند مد که می تواند، به فقیر اطعام کند. اگر نتواند طعام دهد، باید استغفار کند. بنا بر احتیاط واجب، هر وقت توانست، کفاره دهد.

احکام روزه مسافر:

احکام روزه مسافر		مسافر کند
پیش از ظهر	وقتی به حد ترخص می رسد باید روزه خود را باطل کند	
	اگر پیش از حرکت روزه خود را باطل کند، بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب است	
	باید روزه خود را تمام کند	
احکام روزه مسافر		پیش از ظهر
از سفر برگردد	اگر کاری که روزه را باطل می کند، انجام نداده، باید آن روز را روزه بگیرد	
	اگر کاری که روزه را باطل می کند، انجام داده روزه آن روز بر او واجب نیست و باید قضای روزه را بعداً بگیرد	
	نباید آن روز را روزه بگیرد و باید قضای آن را بعداً به جا آورد	

روزه به انواع مختلف تقسیم می‌شود: روزه واجب، روزه حرام، روزه مکروه، روزه مستحب

روزهای واجب و حرام عبارتند از:

روزه ماه رمضان	روزه‌های واجب
روزه نذر-عهد و قسم	
قضای روزه رمضان	
روزه کفاره	

اگر زن به واسطه روزه مستحبی حق شوهر را از بین ببرد یا همسر از روزه او جلوگیری کند	روزه‌های حرام
روزه عید قربان	
روزه‌ای که نمی‌داند آخر شعبان است یا اول رمضان اگر به نیت اول ماه رمضان روزه بگیرد	
روزه عید فطر	
روزه مستحبی اولاد اگر اسباب اذیت پدر و مادر شود	
روزه کسی که مریض است و احتمال ضرر بدهد	
روزه مسافری که نمازش شکسته است	
روزه زنی که در حال حیض یا نفاس باشد	

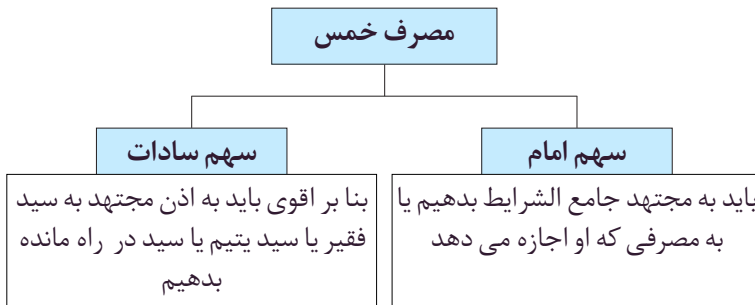
احکام خمس

انسان تا خمس مال را ندهد، نمی‌تواند در آن تصرف کند، اگرچه قصد دادن خمس را داشته باشد.

در هفت چیز خمس واجب می‌شود

۱	مال حلال مخلوط به حرام
۲	منفعت کسب
۳	زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد
۴	جواهری که به واسطه غواصی به دست آمده
۵	غنیمت جنگ
۶	گنج
۷	معادن

مصرف خمس



احکام زکات

طلا	کشمش	خرما	جو	گندم
گوسفند	گاو	شتر	نقره	

مصارف زکات
فقیر: کسی که مصرف سال خود و عیالاتش را ندارد و روی درخواست کردن از دیگران را ندارد
مسکین: کسی که وضعیتش از فقیر سخت‌تر است و روی درخواست کردن از دیگران را دارد
کسی که از طرف امام علیه السلام یا نائب امام مأمور جمع‌آوری و نگهداری زکات است
افراد ضعیف الایمان که اگر زکات به آن‌ها بدهند، به دین اسلام مایل می‌شوند
خریداری بنده و برده و آزاد کردن آنها
بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بدهد
سبیل الله: یعنی کاری که مانند ساختن مسجد یا مدرسه منفعت عمومی دارد
ابن السبیل: کسی که در سفر مانده و محتاج شده است

زکات فطره

زکات فطره از واجبات مالی است که در روز عید فطر پرداخت می‌شود. مقدار زکات فطره ماه رمضان برای هر نفر ۳ کیلوگرم از خوراک معمول خانواده، مانند گندم یا برنج است که معادل پولی آن را هم می‌شود، پرداخت کرد.

زکات فطره بر کسی واجب است که موقع غروب شب عید فطر (آخر ماه رمضان) ویژگی‌های زیر را داشته باشد:

هوشیار باشد

عادل باشد

بالغ باشد

بنده فرد دیگری نباشد

فقیر نباشد

فطره را بنا بر احتیاط مستحب فقط باید به فقیر شیعه داد. سرپرست خانواده باید فطره خود و همه افرادی را که تحت سرپرستی او هستند، پرداخت کند (حتی طفل شیر خوار).

امر به معروف و نهی از منکر

در دین مبین اسلام، هر مسلمانی نسبت به کارهای ناپسندی که در جامعه انجام می‌شود و کارهای نیک و پسندیده‌ای که ترک می‌شود، مسئولیت دارد، بنابراین اگر کار واجبی ترک شود، یا حرامی اتفاق بیفتد، سکوت و بی‌اعتنایی در مقابل آن جایز نیست.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر با وجود شرایط زیر، واجب است و در صورت نبود این شرایط، تکلیف ساقط است. این شرایط عبارتند از:

شخص مخاطب امر به معروف و نهی از منکر، بر ادامه عمل خود اصرار داشته باشد

احتمال تأثیر بر شخص مخاطب وجود داشته باشد

آمر به معروف یا ناهی از منکر نسبت به عمل خود علم و اطلاع شرعی داشته باشد که آیا این عمل حرام است یا واجب یا مستحب؟

امر به معروف و نهی از منکر منجر به مفسده بزرگ‌تر نشود

احکام قرآن

چهار سوره در قرآن سجده واجب دارند:



اگر انسان آیه سجده‌دار را بخواند یا گوش دهد، باید فوراً سجده کند و اگر فراموش کند، هر وقت یادش آمد، باید سجده به جا آورد.

در سجده واجب قرآن نمی‌شود بر چیزهای خوراکی و پوشاکی سجده کرد، اما سایر شرایط سجده لازم نیست.

- اگر آیه سجده‌دار از ضبط صوت شنیده شود، نیازی به سجده نیست.

- اگر آیه سجده‌دار از بلندگو، رادیو یا تلویزیون شنیده شود، چنانچه صدای شخص مستقیم و بدون واسطه باشد و از صدای ضبط شده استفاده نشود، سجده واجب است.

- گفتن ذکر در سجده واجب قرآن، مستحب است.

احکام پوشش آقایان

لباس، یکی از نیازهای انسان است که باید با شاخصه‌های زیر تهیه شود:

لباس شهرت نباشد؛ همچون لباسی که از نظر رنگ یا دخت، شخص را انگشت‌نما کند
از پول حلال باشد و از پول ربا، رشوه و ... نباشد
از نظر جنس نازک و برای مردان حریر (ابریشم) خالص نباشد
یقه لباس باز نباشد
محرک نباشد؛ همچون لباس کوتاه و تنگ

پوشیدن لباس مختص زن یا مرد، در صورتی که ذی (صاحب، دارنده) آنان قرار گیرد، حرام است، مانند چادر برای مرد و کت و شلوار مردانه برای زن
لباس مخصوص کفار و نیز مروج فرهنگ آنان نباشد. پوشیدن کراوات و دیگر لباس‌ها که پوشش و لباس غیرمسلمان محسوب می‌شود، اگر منجر به ترویج فرهنگ اجانب شود، جایز نیست
زینت کردن به طلا یا پوشیدن لباس طلا بافت برای مرد حرام است

مقدار واجب پوشش بدن برای مردان، پوشانیدن عورتین است، به گونه‌ای که شهوت انگیز و موجب مفسده نباشد و اگر فسادى در بین باشد، سایر قسمت‌های بدن به استثنای سر و گردن و کفین را نیز باید پوشاند.

احکام روابط زن و مرد

بعضی از مردم گمان می‌کنند وقتی زن و مردی با هم محرمند، می‌توانند در جامعه به هر نحوی با هم معاشرت کنند، در حالی که محارم نیز باید بخشی از شرایط را رعایت کنند.

گفت و گوهای حرام

صحبت کردن زن و مرد با رعایت شرایط زیر جایز است:

(الف) با شهوت و لذت نباشد.

(ب) همراه با مسائل غیراخلاقی و فساد انگیز نباشد.

(ج) صدای زن به صورت نازک و تحریک کننده نباشد.

نگاه‌های حرام

اقسام نگاه به نامحرم

یکی از دستوره‌های قرآنی، کنترل نگاه است. می‌توان نگاه را به سه بخش تقسیم کرد:

نگاه اتفاقی و ناخواسته: این نگاه - گرچه مقدمات آن را خود شخص فراهم کرده باشد - حرام نیست؛ مثلاً شخص به اختیار خود به کوچه و بازار رفته و چشمش به نامحرم افتاده است.

نگاه عمدی به صورت نامحرم بدون قصد لذت و احتمال افتادن به گناه، بدون آنکه نامحرم آرایش کرده باشد، مانعی ندارد.

نگاه با قصد لذت یا نگاه عمدی به بدن نامحرم حرام است و نمی‌توان با تعبیراتی مثل قصد بد نداشتن، نیت خواهر و برادری، دل پاک داشتن و... آن را مجاز دانست.

نگاه‌های مجاز

نگاه بدون لذت به زن غیر مسلمان

نگاه به عکس زن بد حجاب ناشناس

نگاه کودکان ممیز (کودکی که قادر است بعضی امور را تشخیص دهد) به نامحرم (ولی بانوان باید بدن و موی خود را از آنان بپوشانند)

نگاه بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه به چهره زن نامحرم

نگاه به زنان کهنسالی که هیچ گونه رغبتی در ازدواج با آنها نیست (البته جاهایی که به طور معمول نمی‌پوشانند، مانند موها، گردن و...)

نگاه به زن نامحرم به قصد ازدواج با شرایط خاص (با لذت نگاه نکنند، احتمال توافق ازدواج را بدهد، با نگاه کردن شناخت وی افزوده شود و مانعی برای ازدواج نباشد)

نگاه به زن نامحرم، هنگام ضرورت

دوستی با نامحرم

دوستی زن و مرد نامحرم، نامه نگاری و تماس تلفنی با یکدیگر از نظر همه مراجع حرام است.

و عده و قرار با چنین دوستانی حرام و سفر برای دیدار آن‌ها سفر معصیت است. باید در چنین سفرهایی نماز را کامل خواند. قرآن می‌فرماید: ﴿لَا تُؤَاوِدُوهُمْ سِرًّا﴾ (بقره/۲۳۵)

وساطت در دوستی‌های نامشروع نیز حرام است.

دوستی با نامحرم از نظر قرآن حرام است؛ چه با اطلاع و اجازه پدر باشد و چه بدون اجازه وی، چه با هدف ازدواج باشد و چه نباشد، چه دوستی با نامحرم فامیل باشد، چه غریبه، چه قصد بدی در کار باشد، چه نباشد و چه با انگیزه‌های خیرخواهانه باشد، همچون راهنمایی دیگران، آموزش علمی، رفع افسردگی، چه نباشد، چه در محیط کاری با همکاران باشد و چه در محیط‌های آموزشی و دانشگاهی

تماس بدنی با نامحرمان

یکی از خط‌قرمزها و حدود ارتباط با نامحرمان، تماس بدنی با آنان است. در این زمینه به نکاتی اشاره می‌شود:

برخورد دست زن به دست مرد نامحرم یا برعکس، هنگام پول دادن در خرید و فروش‌ها، ولو در حد برخورد انگشتان دست حرام است.

هرکس که نگاه کردن به او جایز نیست، تماس بدنی با او نیز جایز نیست؛ حتی زنان کهنسالی که نگاه کردن به آنان جایز است، تماس بدنی با ایشان حرام است.

هنگام ضرورت و ناچاری مثل معالجه، نجات غریق و... تماس اشکالی ندارد؛ ولی باید به حد ضرورت اکتفا کرد.

تماس
بدنی با
نامحرم

نکاتی درباره زینت در برابر نامحرم

هر چیزی که عرفاً زینت حساب شود، باید از دید نامحرم پوشیده شود؛ چه به قصد زینت باشد و چه نباشد، چه زیبا باشد یا نباشد.
آرایش و زینت در برابر مرد نامحرم حرام است
مصادیق زینت عبارتند از: النگو، دست بند، گردن بند، لاک زدن، سرمه کشیدن، استفاده از هر نوع لوازم آرایشی و...

اختلاط با نامحرمان

اختلاط با نامحرمان در جایی که زنان، پوشش کافی ندارند، همچون برخی عروسی‌ها، مهمانی‌ها و بیمارستان‌ها که زنان بستری هستند و جمع‌هایی که زنان زینت کرده‌اند، همچون مجالس عروسی و جشن تولدها حرام است.

خلوت با نامحرم

حضور مرد و زن نامحرم در جای خلوتی که فرد دیگری نمی‌تواند وارد شود، جایز نیست و ماندن در آن مکان حرام است. کار کردن زن و مرد نامحرم در مکان خلوتی که دیگران نمی‌توانند وارد شوند، اگر خلوت با نامحرم صدق شود یا خوف وقوع حرام باشد، جایز نیست.

ارتباط تلفنی با نامحرمان

یکی از منکرات تلفن و موبایل، ارتباط نامشروع با نامحرم است. اظهار عشق و محبت بین دختر و پسر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، مانند مکالمه تلفنی حرام است. فرستادن پیامک به نامحرم به صورت طبیعی اشکال ندارد؛ ولی ممکن است به تدریج حالت هوسرانی و گناه پیدا کند، از این رو باید از پیامک زدن به نامحرمان خودداری کرد.

احکام فضای مجازی

استفاده از شبکه‌های اجتماعی و مانند آن اگر مستلزم مفسده بوده یا خوف ارتکاب گناه باشد یا موجب تقویت دشمنان اسلام و مسلمین شود یا خلاف قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی باشد، جایز نیست.
حکم استفاده از فیلتر شکن: این گونه امور تابع قوانین و مقررات مربوطه بوده و تخلف از آن جایز نیست.
اگر کسی در فضای اینترنت، دیگران را به تولید و انتشار محتویات مستهجن یا تصاویر خصوصی دیگران تشویق کند، این کار منکر و حرام است.
گفت و گوی زن و مرد نامحرم در فضای مجازی و چت کردن با جنس مخالف و صحبت با نامحرم به شکل صوتی، تصویری یا نوشتاری و نیز فالو و لایک کردن جنس مخالف، اگر با قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال دارد.
گذاشتن عکس بی حجاب روی پروفایل برای بانوان جایز نیست. گذاشتن عکس محجبه از سوی بانوان در فضای مجازی در صورتی که مستلزم مفسده شود، جایز نیست.
استفاده شخصی از اینترنت (اموال بیت‌المال) در محل کار جایز نیست، مگر با اذن مسئولی که شرعاً و قانوناً چنین حقی دارد.
ورود به حریم افراد در فضای مجازی جایز نیست.

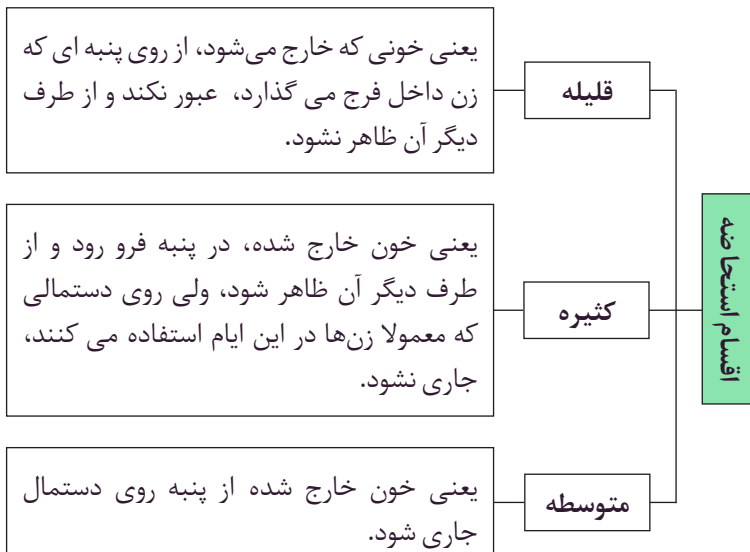
فصل چہارم

احکام بانوان

احکام بانوان

احکام استحاضه

یکی از خون‌هایی که از زن خارج می‌شود، خون استحاضه است و زن را در موقع دیدن خون استحاضه، مستحاضه می‌گویند.



- در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز يك وضو بگیرد، ظاهر فرج را هم آب بکشد و بنا بر احتیاط واجب، پنبه را عوض کند.

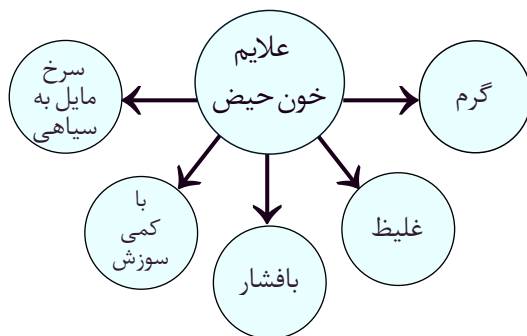
- اگر زن پیش از نماز یا در بین نماز خون استحاضه متوسطه ببیند، باید برای آن نماز غسل کند.

روژه زن مستحاضه‌ای که غسل بر او واجب است، در صورتی صحیح است، که غسل‌ها را انجام دهد، به عنوان مثال غسل نماز مغرب و عشاء شبی که می‌خواهد فردای آن، روزه بگیرد را به جا آورد و نیز غسل‌هایی را که برای نمازهای روزش واجب است، انجام دهد.

احکام حیض

خونی که غالبا در هر ماه، چند روزی از رحم زن‌ها خارج می‌شود، خون حیض و زن را در این موقع حائض می‌گویند.

علائم خون حیض



زن‌های سیده بعد از تمام شدن شصت سال، یائسه می‌شوند، یعنی خون حیض نمی‌بینند و زن‌های غیر سید بعد از اتمام پنجاه سال یائسه می‌شوند.

ویژگی‌های خون حیض

کمتر از سه روز نیست

باید سه روز اول حیض پشت سر هم باشد

بیشتر از ده روز نیست

لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید؛ بلکه اگر در فرج خون باشد، کافی است

چند چیز بر حائض حرام است:

جماع کردن در فرج	رفتن در مسجد الحرام، مسجد النبی، حتی داخل شدن و خارج شدن
خواندن سوره عزائم (سوره‌هایی که سجده واجب دارند)	تمام چیزهایی که بر جنب حرام است
گذاشتن چیزی در مسجد	عبادت‌هایی که باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شوند، مثل نماز به غیر از نماز میت
توقف در مساجد	
مس خط قرآن یا اسم پیامبران و امامان	

- نمازهای یومیه‌ای که زن در حال حیض نخوانده، قضا ندارد؛ اما روزه‌های واجب باید قضا شود.
- هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را به تأخیر بیندازد، حائض می‌شود، باید فوراً نماز بخواند.
- اگر زن نماز را به تأخیر بیندازد و از اول وقت به اندازه انجام واجبات یک نماز بگذرد و حائض شود، قضای آن نماز بر او واجب است.
- اگر زن در آخر وقت نماز از خون پاک شود و به اندازه انجام غسل، وضو و مقدمات دیگر نماز و همچنین خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر از یک رکعت وقت داشته باشد، باید نماز را بخواند و اگر نخواند، باید قضای آن را به جا آورد.
- اقسام زن‌های حائض: (که بر اساس این تقسیم بندی، باید به احکام خاص خود مراجعه کنند)

اقسام زن‌های حائض (شش قسم)
دو ماه پشت سر هم به یک اندازه خون ببیند؛ اما وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد (وقتیّه)
دو ماه پشت سر هم در وقت معین و یک اندازه خون ببیند مثلاً از اول تا هفتم (عددیّه)
دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند؛ اما شماره روزهای حیض او با هم در دو ماه فرق دارد (وقتیّه و عددیّه)
زنی است که چند ماه خون دیده، ولی عادت معینی ندارد یا به هم خورده (مضطربه)
دفعه اول خون دیدن اوست (مبتدئه)
عادتش را فراموش کرده (ناسیه)

نفاس

- از وقتی که اولین جزء بچه از شکم مادر بیرون می آید، هر خونی که زن می بیند، اگر پیش از ده روز یا سر ده روز قطع شود، خون نفاس است.
- تمام چیزهایی که بر حائض حرام است، بر نفساء هم حرام است و آنچه بر حائض واجب، مستحب یا مکروه است، بر نفساء هم واجب، مستحب یا مکروه است.
- زنی که عادت حیض او کمتر از ده روز است، اگر بیشتر از روزهای عادتش خون نفاس ببیند، باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد و بعد از آن، تا روز دهم می تواند عبادت را ترک کند.

احکام پوشش بانوان	
مو	اگر موی زن به طور غیر عمد بیرون باشد، گناه نیست؛ اما از زمانی که متوجه شد، باید آن را از نامحرمان بپوشاند.
پوشش	عادی بودن پوشش نداشتن نامحرمان در مقابل شخص، دلیل بر حرام نبودن بدحجابی و نگاه به نامحرم نیست.
حجاب	رفتن بدون حجاب به حیاط منزلی که در معرض دید نامحرم است، صحیح نیست. اگر احتمال دید وجود دارد، فرد باید حجاب خود را حفظ کند. همچنین داخل خودرو اگر در معرض دید نامحرمان است، حفظ حجاب لازم است.
حدود پوشش	حدود پوشش، تمام بدن است، به جز گردی صورت و انگشتان دست تا مچ و باید به گونه‌ای باشد که جلب توجه نکند و نباید لباس و پوشش نازک، تنگ و کوتاه باشد.
بدون جوراب	نمایان بودن کف و روی پا در برابر نامحرمان جایز نیست، بنابراین کسانی که بدون جوراب در برابر نامحرمان ظاهر می‌شوند، کار حرامی انجام داده‌اند.

حجاب یکی از ضروریات دین، رعایت آن در برابر نامحرمان (فامیل یا غریبه) واجب و بی‌اعتنایی به آن حرام و گناه است.

فصل پنجم

عفاف و حجاب



مقدمه

پوشش یا حجاب، عنوانی است که نه در دین اسلام؛ بلکه در همه ادیان و در تمامی ادوار تاریخی به آن اشاره شده و نظریه‌پردازان غربی و اروپایی به این موضوع پرداخته‌اند. با شروع انقلاب صنعتی، آرام آرام جهان به سمتی پیش رفت که در کارخانه‌ها از زنان به جای مردان استفاده کنند، چراکه دستمزد زن از مرد کمتر بود و نگاهی کم توقع‌تر به کارفرما داشت. در حالی که بانوان، نقشی اساسی در روابط مختلف هر جامعه ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت تمامی برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با عملکرد و پشتیبانی آنان به نتیجه مطلوب خواهد رسید. در رشد و سعادت هر جامعه، بانوان نقش انکارناپذیری دارند و انتقال دهنده ارزش‌ها از نسلی به نسلی دیگر بوده و اولین و بزرگ‌ترین مدرسه را برای انسان دایر می‌کنند و همانند انبیا، کتب آسمانی، امامان معصوم (ع) و سایر مربیان، نقشی انسان ساز دارند. نقش زن در تربیت به مراتب بیشتر از مرد است. خداوند متعال، پاداشی عظیم و بیکران برای بانوان تقوایی و پاکدامن مقرر داشته است.

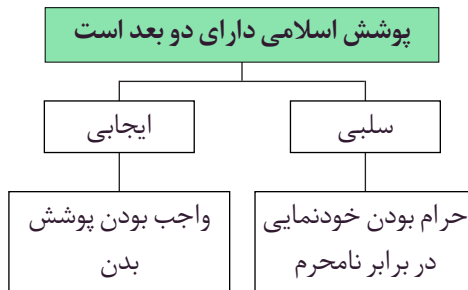
تاریخچه حجاب

با رجوع به تاریخ و کتب تاریخی، روشن می‌شود که مسأله حجاب، تنها به جامعه اسلامی اختصاص نداشته؛ بلکه در جوامع پیش از اسلام هم، این موضوع از اهمیتی خاص برخوردار بوده و حتی در جوامع دینی یهودیت و

مسیحیت، بخشی از دستورهای دینی آنها براین موضوع تأکید دارد. نکته مهمی که در بخش تاریخچه حجاب باید ذکر شود، آن است که این گرایش عمومی جوامع متمدن و غیرمتمدن، دینی و غیر دینی به مسأله حجاب، فطری بودن حجاب را مطرح می‌کند که آموزه‌های دینی ما نیز مؤید این تفکر است.

حجاب در قرآن

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش است؛ اما هر پوششی حجاب نیست. در معنای عام، هر نوع پوششی که مانع از انجام گناه شود، حجاب نامیده می‌شود.



این دو بُعد، باید در کنار یکدیگر باشند تا حجاب اسلامی محقق شود. گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این صورت نمی‌توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

حجاب این است که زن، هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.

در قرآن از انواع حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می‌کند، نام برده شده است.

منظور از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قائل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار، مثل نحوه پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است.

اقسام حجاب	
حجاب ذهنی، فکری، روحی	مانند توحید و نبوت که مانع از لغزش و گناهان فکری و روحی مثل کفر و شرک می‌شود.
حجاب در نگاه	قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ: ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند. (نور/۳۰) قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ: ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند. (نور/۳۱)
حجاب در پوشش	هدف آن تزکیه نفس و تقواست
حجاب گفتاری زن در برابر نامحرم	فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ: پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگوئید. مبدا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است، به طمع افتد. (احزاب/۳۲)
حجاب رفتاری زنان در برابر نامحرم	وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ: و آن طور پای به زمین زنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود. (نور/۳۱)

هدف اصلی تشریع احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله تزکیه نفس و تقوا به دست می‌آید.

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾: بزرگوartترین و با افتخارترین شما نزد خدا، با تقواترین شماست. ﴿(حجرات/۱۳)﴾

قانون حجاب در قرآن

شبهه‌هایی که در ذهن برخی افراد وجود دارد، این است که خیال می‌کنند حجاب، محدودیت و حصار برای زن به وجود می‌آورد، بنابراین حجاب را نشانه ضعف و محدودیت زن می‌دانند. راه حل این شبهه در بینش قرآن کریم، آن است که زن باید کاملاً درک کند که حجابش، تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حق خودم صرف‌نظر کردم. ضمن اینکه به مرد هم مربوط نیست که مرد بگوید من راضی هستم. به خانواده هم مربوط نیست که اعضای خانواده رضایت بدهند، بلکه حجاب زن، حق الهی است.

حرمت زن، به خود زن اختصاص دارد، نه شوهر و نه خانواده، همه اینها اگر رضایت بدهند، قرآن راضی نخواهد بود؛ چون حرمت زن به عنوان حق الله مطرح است و خدای سبحان، زن را با سرمایه عاطفه آفریده تا معلم مهربانی باشد و پیام عاطفه بیاورد و اگر جامعه‌ای، این درس مهربانی و عاطفه را ترک کند و به دنبال غریزه و شهوت برود، به همان فساد مبتلا می‌شود که در غرب ظهور کرده است. از این رو کسی نمی‌تواند بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم. (اعراف/۲۲)

نقش حکومت در حفاظت از حجاب

در اینجا نقش حکومت هم در حفاظت از حجاب مشخص می‌شود. اگر حکومت به حجاب امر نکند، به فحشا امر کرده؛ چرا که میان این دو، راه سومی وجود ندارد. کار حکومت، بسترسازی است؛ چون حکومت، توان قانونگذاری و باید و نباید دارد. اگر حکومت از طریق قانون، گناهان اجتماعی را ممنوع نکند، بستر فساد و آلودگی را فراهم کرده است. مانند اینکه خرید و فروش و شرب علنی مشروب آزاد شود. آیا در این صورت، حکومت به شرب خمر دعوت نکرده است؟ امر به معروف و نهی از منکر برای حکومت واجب است و اگر حکومت با بسترسازی نکردن، امر به معروف نکند، خواه ناخواه امر به منکر کرده است.

فلسفه حجاب

۱- حجاب از دیدگاه قرآن کریم

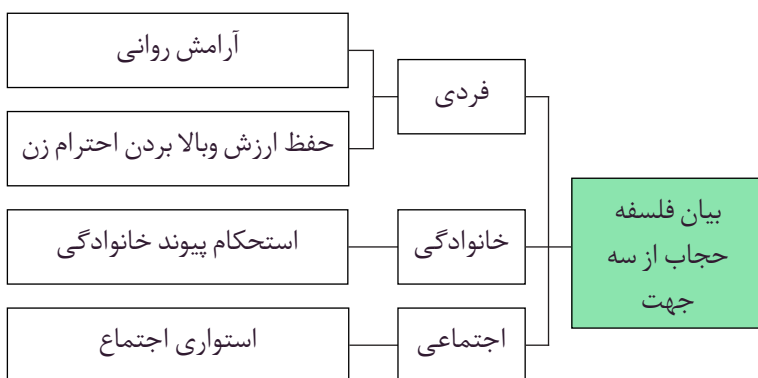
از منظر قرآن کریم، هدف حجاب عبارت است از: احترام گذاردن و حرمت

قائل شدن برای زن که نامحرمات او را از دید و جنبه غریزی ننگرند و این حرمت را مخصوص زنان مسلمان دانسته، از این رو نظر کردن به زنان غیر مسلمان را، بدون قصد تباهی جایز می‌داند و علت، این است که زنان غیر مسلمان از این حرمت بی‌بهره‌اند.

قرآن کریم در خصوص علت و فلسفه ضرورت حجاب می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ أَتَىٰ أَن يُعْرِفَنَّ فَلَا يُؤْذَيْنَ، برای اینکه شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نگردند.﴾ (احزاب / ۵۹)

۲- حجاب از دیدگاه شهید مطهری

مواردی که شهید مطهری به عنوان فلسفه حجاب ذکر می‌کند، سه جنبه زندگی انسان را دربرمی‌گیرد:



۲-۱- آرامش روانی

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بندوبار، هیجان‌های جنسی را فرونی می‌بخشد و این غریزه به صورت يك عطش روحی و يك خواست اشباع نشدنی در می‌آید. این غریزه، هرچه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌شود. اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه برای زن و مرد معین کرده که به نگاه کردن مربوط است.

خلاصه این دستور، آن است که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم‌چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند.

۲-۲- حفظ ارزش و بالا بردن احترام زن

حریم نگه داشتن زن، میان خود و مرد، یکی از مسائل مرموزی است که زن برای حفظ مقام و موقعیت خود در برابر مرد، از آن استفاده می‌کند. اسلام تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و عقیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد قرار ندهد، بر احترامش افزوده می‌شود. قرآن کریم پس از آنکه توصیه می‌کند زنان، خود را بپوشانند، می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُعْرِضَ فَلَا يُؤْذِنُ﴾ (احزاب/۵۹) این کار برای اینکه به عفاف شناخته شوند و معلوم شود که خود را در اختیار مردان قرار نمی‌دهند، بهتر است و در نتیجه، عظمت آنها، مانع مزاحمت افراد سبک‌سر می‌شود.

۲-۳- استحکام پیوند خانوادگی

هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانواده و سبب صمیمیت رابطه زوجین شود، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن، باید حداکثر کوشش مبذول شود و به عکس، هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان شود، برای زندگی خانوادگی زیان دارد، بنابراین باید با آن مبارزه کرد. اختصاص یافتن لذت‌های جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می‌شود.

۲-۴- استواری اجتماع

کشاندن تمایلات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع می‌شود، آلوده کردن محیط کار به لذت‌جویی‌های شهوانی است، بنابراین زنان با استفاده از پوشش مناسب اسلامی و حفظ شئون خویش می‌توانند در تمام زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... وارد جامعه شده و بسیاری از امور را حتی بهتر از مردان انجام دهند. جامعه موظف است امنیت را در تمام ابعاد مختلف فراهم سازد که بخش مهمی از آن به عهده زن است تا با حفظ پوشش خود به آن جامعه عمل بپوشاند. در سایه رعایت عفاف است که زن می‌تواند به راحتی وارد جامعه شده و فعالیت کند و خطری هم متوجه او نشود. حجاب، يك اصل سابقه‌دار میان افراد بشر است. همچنین حجاب به

منظور تقویت، عفت و کمال انسان‌ها مورد توجه اسلام بوده و از بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها و فساد اخلاقی پیشگیری می‌کند. پوشیده بودن زن در حدودی که اسلام معین کرده، نه تنها موجب کاهش حیثیت اجتماعی او نمی‌شود؛ بلکه باعث کرامت و احترام بیشتر زن خواهد شد؛ زیرا او را از تعرض افراد فاقد اخلاق مصون نگه می‌دارد. شرافت زن اقتضا می‌کند، هنگامی که از خانه خارج می‌شود، متین و با وقار راه برود و پوشش او به گونه‌ای باشد که موجب تحریک و تهییج دیگران نشود. نباید زن به سخن گفتنش آهنگ خاصی بدهد تا بیمار دلان، در او طمع کنند.

اسلام در توصیه به زنان می‌گوید، دو مسأله را رعایت کنید تا ایمن باشید:
الف) پوشیده باشید.

ب) به گونه‌ای راه نروید و سخن نگویید که تحریک‌آمیز باشد.
این دستورها، به مصلحت زن است تا با امنیت بیشتری از خانه خارج شده و دوباره به خانه بازگردد.

اسلام به دلایل زیر مسأله حجاب را مطرح کرده است:

ایجاد آرامش روانی در سطح جامعه
جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها
جلوگیری از نگاه جنسیتی و ابزاری مرد به زن
پیشگیری از هدر رفتن انرژی‌ها و رکود بازار اقتصادی و علمی
کنترل غریزه شهوت
جلوگیری از شیوع فحشا و فساد
حفظ حریم عفت عمومی
ایجاد نشدن نسل بی‌پایه و اساس
ارزش نهادن به کرامت انسانی زن که یک دوم نیروی انسانی جامعه است
آزادی واقعی زن از قید هوس‌ها

چه جاهلانه است که بشر امروز، برای به اصطلاح ارج نهادن به حریم الهی این موجود مقدس، شعار برداشتن محدودیت زن، یعنی حجاب را سر داده و برای برطرف ساختن هوس‌های آلوده و پر کردن جیب‌های سرمایه‌داری، جسم لطیف این آینه جمال الهی را بازیچه افکار سودمحور خود قرار داده است.

۳- حجاب از دیدگاه امام خمینی (ره)

۳-۱- زنان در انتخاب فعالیت، سرنوشت و همچنین پوشش خود، با رعایت موازین آزاد هستند و تجربه کنونی فعالیت‌های ضد رژیم شاه نشان داده است که زنان، بیش از پیش آزادی خود را در پوششی که اسلام می‌گوید، یافته‌اند.

۳-۲- حجاب به معنای متداول میان ما، که اسمش حجاب اسلامی است، با آزادی مخالفتی ندارد؛ بلکه اسلام با آنچه خلاف عفت است، مخالف است و ما آنان را دعوت می‌کنیم که به حجاب اسلامی روی آورند و زنان شجاع ما دیگر از بلاهایی که غرب به عنوان تمدن به سرشان آورده، به ستوه آمده‌اند و به اسلام پناهنده شده‌اند.

۳-۳- در خصوص زنان، اسلام هیچ گاه مخالف آزادی آنان نبوده؛ بلکه بر عکس، با مفهوم زن به عنوان شیء مخالفت کرده و به این ترتیب، شرافت و حیثیت را به او بازگردانده است و همانند مرد به او اختیار داده تا سرنوشت و فعالیت‌هایش را خودش انتخاب کند.

۳-۴- حجابی که اسلام برای زن قرار داده، به منظور حفظ ارزش‌های او بوده است. هر چه را که خدا دستور داده است؛ چه برای زن و چه برای مرد، با این هدف بوده که آن ارزش‌های واقعی که ممکن است به واسطه وسوسه‌های شیطانی یا دست‌های فاسد استعمار و عمال استعمار، پایمال شوند، با حجاب هر دو زنده و حفظ شود.

۴- حجاب در بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای

۴-۱- حجاب برای زن، به معنای ذلت نیست؛ بلکه به معنای عصمت و حفظ زن است و نه فقط عصمت و حفظ زن، بلکه برای عصمت و حفاظت مرد هم مطرح است.

۴-۲- این مسأله حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه

به این دلیل است که قضیه عفاف در این بین سالم نگه داشته شود. اسلام به مسأله عفاف زن اهمیت می‌دهد؛ البته عفاف مرد هم مهم است. عفاف مخصوص زنان نیست؛ مردان هم باید عقیف باشند. منتها چون در جامعه، مرد به خاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی، می‌تواند به زن ظلم و برخلاف تمایل زن رفتار کند، روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است.

۳-۴- امروز پرچم استقلال هویتی و فرهنگی زنان در دست زنان ایرانی است؛ امروز بانوان ایرانی با حفظ حجاب، استقلال هویتی خودشان و استقلال فرهنگی خودشان را اعلام می‌کنند و به دنیا صادر می‌کنند، یعنی دنیا، سخن جدیدی دارد می‌شنود.

تساوی زن و مرد یا تفاوت آن دو از نگاه اسلام

براساس آیات زیادی از جمله سوره‌های مبارکه احزاب / ۳۵، حجرات / ۱۳، نحل / ۹۷، روم / ۲۱، قصص / ۷ و آل عمران / ۴۵، خمیر مایه زن و مرد یکی است و رسیدن به مراتب کمال برای هر دو میسر است؛ اما تفاوت‌های جسمی، روانی، احساسی، تکوینی و تشریعی بین این دو، منشأ تفاوت‌های حقوقی و اجتماعی آن‌ها شده است؛ هرچند در بسیاری از موارد حقوقی و اجتماعی، میان زن و مرد تساوی و بلکه ارجحیت زن حاکم است.

یکی از تفاوت‌های قراردادی و اجتماعی زن و مرد، حجاب به معنای اصطلاحی و عرفی آن است که اسلام، حضور اجتماعی زن را نسبت به مرد با پوشش بیشتری بیان کرده است. نکته ظریف اینکه حجاب هرگز به معنای محدودیت زن نیست. فلسفه اصلی حکم حجاب، ورود به عرصه اجتماع است و این همان آزاد کردن زن است نه حصر و محدود کردن او. در این صورت است که نگاه مرد به زن، دیگر نگاه جنسیتی نخواهد بود، بنابراین حجاب یعنی تغییر نگاه مرد به زن، برای ورود زن به عرصه فعالیت‌های اجتماعی با پوشش مناسب و غیر تحریک کننده.

پوشش عقیفانه - پوشش غیر عقیفانه

فوائد پوشش عقیفانه	مضرات پوشش غیر عقیفانه
بندگی خالق	بندگی مخلوق
کمک به استحکام نظام خانواده	کمک به فروپاشی نظام خانواده
کاهش آسیب‌های اجتماعی	افزایش آسیب‌های اجتماعی
دیده شدن شخصیت	دیده شدن شخص
تداوم زیبایی و شرافت	بازیچه چشم هوسرانان قرار گرفتن

آثار حجاب:

حجاب، رابطه‌ای عمیق با امنیت روانی جامعه داشته و همانند هر عمل دیگری، آثاری دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- موفقیت‌های معنوی

زن با حجاب، بین خود و خدا، خدا را برگزیده و از بین احکام دین و خواسته‌های نفس، به احکام دین رو آورده است. چنین انتخابی به روحیه، تفکر و عمل او، حال و هوای دیگری می‌بخشد و به پوشش او معنا می‌دهد و آن را عملی منطقی، خدایسنده و همسو با حرکت‌های تکاملی‌اش قرار می‌دهد؛ عملی که زیبایی‌های درونی او را تجلی بخشیده است.

۲- احترام

اصولاً غلبه بر هوای نفسانی و گذشت از لذت‌های حرام، به انسان هیبت و وقار می‌بخشد. این حقیقت را همه می‌دانند و حتی دانشمندان غیرمسلمان نیز به آن اذعان دارند که حجاب، به زن هیبت و وقار می‌دهد و او را شایسته احترام دیگران می‌سازد. زنان خودنما، مطلوبیت جنسی دارند؛ اما محبوبیت ارزشی، از آن زنان پوشیده است. به طور کلی، نوع نگاه، گفتار و برخورد مردان

با زنان، از دو ماهیت متفاوت برخوردار است. برخورد با زنانی که جلوه‌گری یا پوشش ناقصی دارند، برخورد شهوی، تفریحی و ظاهری است؛ اما برخورد با زنان پوشیده، برخوردی همراه با احترام و تکریم قلبی است.

۳- مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب

غرب که خود در آتش فساد و تباهی می‌سوزد و می‌رود تا به انهدام کامل برسد، سعی جدی در به تباهی کشاندن بشر دارد تا همانند غریقی، دیگران را نیز با خود همراه کند و به اهداف شوم استعماری خویش دست یابد. حجاب ستیزی، از اهداف مهم تهاجم فرهنگی غرب است. پوشش دینی، همواره مورد هدف تیره‌های زهرآگین فرهنگی دشمنان اسلام بوده است. آن‌ها در برداشتن خاکریز بزرگ حجاب، جدیت کامل داشته‌اند؛ زیرا پوشش دینی، سدی بزرگ در برابر تهاجم فرهنگی غرب است که آن‌ها را از نیل به مطامع فرهنگی و اقتصادی خود باز می‌دارد. اگر قلعه مستحکم حجاب زن مسلمان فتح شود، راه بردگی جامعه اسلامی هموار خواهد شد. زنان پوشیده هرگز خود را پایگاه استعمار نمی‌کنند؛ بلکه به عنوان نیروهای مسلح فرهنگی، سدی مستحکم در برابر آنان پدید می‌آورند، به گونه‌ای که می‌توان گفت، پوشش دینی، پاد زهر تهاجم فرهنگی غرب است.

۴- کاهش مفاسد

آمار جナイات جنسی دو فصل تابستان و زمستان جوامع غربی در مقایسه با جامعه اسلامی که زنان از پوشیدگی بیشتری برخوردارند، نشان می‌دهد که پوشیدگی زنان، نقشی مؤثر در کاهش مفاسد اجتماعی دارد؛ زیرا بسیاری از مفاسد اجتماعی، به شهوات جنسی مربوط می‌شود که با پوشیدگی زن، زمینه بروز آن‌ها از بین می‌رود. وقتی چشم نبیند و دل نخواهد، تحریکات جنسی، هیجانات و عشق‌های کاذب نیز از میان می‌رود و سلامت اخلاقی بر اجتماع حاکم می‌شود. زن و مرد، همانند دو سیم برق هستند که نبود عایق در بین آن‌ها، سبب بروز آتش‌سوزی‌های اخلاقی می‌شود و آتش آن، بسیاری از ارزش‌ها را محو می‌کند، از این رو حجاب، عایقی است که از این جاذبه‌ها و آتش‌سوزی‌ها پیشگیری می‌کند.

۵- آرامش و امنیت مردان

نفس آدمی، دریایی از خواستنی‌هاست. زمانی که به چیزی تمایل ندارد، آرامش بر آن حاکم است و چون به آن رغبت کند، همانند دریا طوفانی می‌شود و تنها با رسیدن به خواسته‌اش می‌تواند جزر و مد این دریای طوفانی را آرام کند. تا زمانی که بانوان، خود را به طور کامل از دید چشم‌های حریص مردان می‌پوشانند، دریای نفس آن‌ها آرام است؛ اما وقتی خود را به نمایش می‌گذارند، چشم مردان هوسباز، آن‌ها را می‌بیند، در نتیجه آرامش درونی و روحی مردان به هم می‌ریزد و از اینجا معلوم می‌شود که زنان جلوه‌گر، تا چه اندازه در ایجاد اضطراب‌های روحی و نابسامانی‌های درونی مردان جامعه نقش دارند.

رابطه حجاب و عفاف

حجاب و پوشش زن، به منزله یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع، در ریشه لغوی عفت نیز وجود دارد. بنابراین، دو واژه «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک هستند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت وجود دارد، تفاوت بین ظاهر و باطن است، یعنی منع و بازداری در حجاب، به ظاهر مربوط است؛ اما منع و بازداری در عفت، به باطن و درون مربوط می‌شود؛ چون عفت، یک حالت درونی است؛ اما با توجه به اینکه تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل حاکم است. به این معنی که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، بر تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی عفت تأثیر بیشتری دارد و هر چه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد، حجاب و پوشش ظاهری در مواجهه با نامحرم، بیشتر و بهتر است. قرآن مجید به شکل ظریفی به این تأثیر و تأثر اشاره فرموده است. نخست به زنان سالمند اجازه می‌دهد که بدون قصد تبرج و خودنمایی، پوششی مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند؛ ولی در نهایت می‌گوید: اگر عفت بورزند، یعنی حتی پوششی مثل چادر را نیز بر ندارند، بهتر است.

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحاً فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ و بر زنان از کار افتاده‌ای که امید ازدواجی ندارند، گناهی نیست که حجاب و روپوش خود را کنار بگذارند، در صورتی که با زیور و آرایش خویش قصد خودآرایی نداشته باشند و پاکدامنی برای آنان بهتر است و خدا شنوا و داناست. ﴿ (نور / ۶۰)

مقدار حجاب ظاهری، نشانه‌ای از مرحله خاصی از عفت باطنی صاحب حجاب است؛ البته این مطلب به این معنا نیست که هر زنی که حجاب و پوشش ظاهری داشت، لزوماً از همه مراتب عفت و پاکدامنی نیز برخوردار است. با توجه به همین نکته، پاسخ این اشکال و شبهه افرادی که برای ناکارآمد جلوه دادن حجاب و پوشش ظاهری، تخلفات بعضی از زنان با حجاب را بهانه قرار می‌دهند، آشکار می‌شود؛ زنان محجبه‌ای که کار حرام انجام می‌دهند، مشکیشان، ضعف در حجاب باطنی و فقدان ایمان و اعتقاد قوی به آثار مثبت حجاب و پوشش ظاهری است. حجاب اسلامی، ابعادی گسترده دارد که یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابعاد آن، حجاب درونی و باطنی و ذهنی است که فرد را در مواجهه با گناه و فساد، از عقاید و ایمان راسخ درونی برخوردار می‌کند و اساساً این حجاب ذهنی و عقیدتی، به منزله سنگ بنای دیگر حجاب‌ها، از جمله حجاب و پوشش ظاهری است؛ زیرا افکار و عقاید انسان، شکل دهنده رفتارهای اوست.

البته، همان‌گونه که حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست. نمی‌توان زن یا مردی را که عریان یا نیمه عریان در انظار عمومی ظاهر می‌شود، عقیف دانست؛ زیرا پوشش ظاهری، یکی از علامت‌ها و نشانه‌های عفاف است و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. بعضی نیز رابطه عفاف و حجاب را از نوع رابطه ریشه و میوه دانسته‌اند. با این تعبیر که حجاب، میوه عفاف و عفاف، ریشه حجاب است. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند؛ اما عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این حجاب، تنها پوسته و ظاهری است. از سوی دیگر، افرادی ادعای عفاف کرده و با تعبیری مثل «من قلب پاک دارم، خدا با قلب‌ها

کار دارد»، خود را سرگرم می‌کنند. چنین انسان‌هایی باید در قاموس اندیشه خود، این نکته اساسی را بنگارند که درون پاک، بیرونی پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک، موجب بارور شدن میوه ناپاک بی‌حجابی نخواهد شد.

﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكْدًا﴾ و زمین پاک است که گیاهش به اذن پروردگارش بیرون می‌آید و زمینی که ناپاک است، جز گیاهی اندک و کم‌ثمر از آن بیرون نمی‌آید. ﴿(اعراف / ۵۸)

فصل ششم

اخلاق

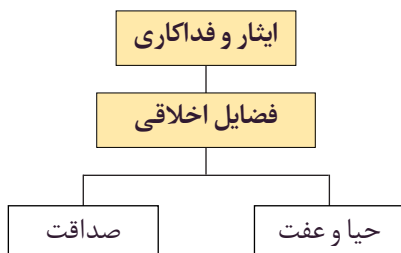
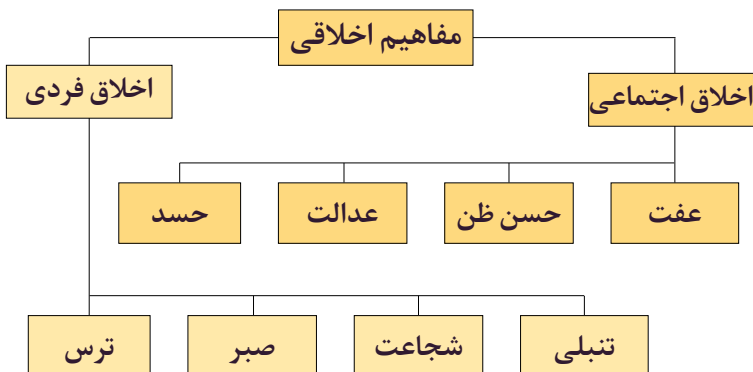


اخلاق در اصطلاح، به صفات درونی انسان گفته می‌شود که در او به صورت عادت و ملکه درآمده است. واژه اخلاق، هم خوی‌های نیکو و پسندیده‌ای مانند جوانمردی و دلیری و هم خوی‌های زشت و ناپسندی چون فرومایگی و بزدلی را شامل می‌شود. همچنین اخلاق به گفته برخی نویسندگان متون اخلاقی، هم اخلاق فردی مانند صبر و شجاعت و هم اخلاق اجتماعی مثل تواضع و ایثار را در برمی‌گیرد.

اهمیت اخلاق

دین اسلام برای اخلاق، اهمیت فراوانی قائل است. قرآن به مفاهیم اخلاقی همچون خیر و شر، عدل و ظلم، صبر و احسان توجه زیادی دارد. اداره زندگی فردی و اجتماعی انسان که از اهداف دین محسوب می‌شود، تنها در پرتو مجموعه خاصی از دستورهای اخلاقی تحقق می‌یابد. به همین دلیل می‌توان گفت که دین بدون اخلاق، نمی‌تواند به اهداف خود برسد و سعادت دنیا و آخرت انسان را تأمین کند. بخش عمده مفاهیم اخلاقی در حوزه اخلاق اجتماعی است. پاره‌ای از مفاهیم اخلاق نیز جزو اخلاق فردی به شمار می‌آید.

برخی از این مفاهیم اخلاقی عبارتند از:



فضایل اخلاقی

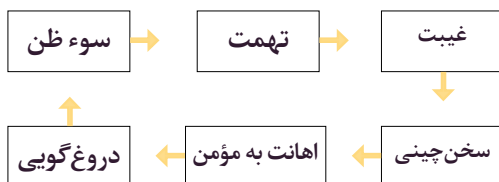
یکی از راه‌های رسیدن به فضایل اخلاقی، شناخت این فضایل و تقویت آن است.

کمال‌گرایی در انسان، امری فطری است و انسان برای رسیدن به کمال مطلق، آفریده شده است؛ زیرا هرچه در مسیر کمال پیش می‌رود، خواهان به دست آوردن درجات بالاتری از آن است. بر اساس تعالیم دین اسلام، وجود خداوند متعال، همان کمال مطلق است که انسان به طور فطری، جویای آن است. بنابراین کمال انسان و مطلوب نهایی او در هرچه نزدیک‌تر شدن به

پروردگار و سرچشمه هستی است. آیات قرآن و روایات معصومین (ع) نیز شاهد گویایی بر این مطلب است. فضایل اخلاقی، آن دسته از افعال و ارزش‌های اخلاقی به شمار می‌رود که انسان را در مسیر رسیدن به کمال مطلق قرار می‌دهد. برخی از فضایل اخلاقی عبارتند از: «صداقت، خوش خلقی، عفت، ایثار و رویگردانی از دنیا».

رذایل اخلاقی

رذیلت اخلاقی، واژه‌ای است که در فرهنگ دینی، در برابر فضیلت اخلاقی به کار می‌رود. رذیله، به صفت، عادت و عملی گفته می‌شود که مانعی در برابر شناخت عالی و حقیقی خداوند و بندگی او و همچنین برخورد مثبت با سایر بندگان خداوند از سوی انسان می‌شود. برخی از این رذایل را می‌توان چنین برشمرد:



دروغ

دروغ گفتن، فعلی حرام و گناه است، حتی از شراب‌خواری بدتر بوده و از نشانه‌های نفاق به شمار می‌رود. برای فرد دروغگو، عواقب سخت دنیوی و اخروی زیادی بیان شده است. امام حسن عسکری (ع) در این باره فرموده‌اند: «تمام بدی‌ها در اتاقی است و کلید قفل آن اتاق، دروغ است.» در قرآن مجید نیز آیات متعددی در مذمت و نهی از دروغ و سخن‌غیرواقع گفتن آمده است. دروغگو ایمان ندارد، ملعون و روسیاه است و در قیامت چنان بوی بدی از دهان او خارج می‌شود که ملائکه هم از او فرار می‌کنند. در طرف مقابل آن، صدق و راستگویی قرار دارد که نجات، سعادت، عزت و خوشبختی دنیا و آخرت در سایه آن به دست می‌آید.

غیبت

غیبت، یعنی صحبت کردن درباره دیگران در غیاب آن‌ها، به گونه‌ای که فردی که درباره‌اش غیبت شده، از شنیدن آن سخن ناراحت شود. افشای رازهای پنهان یک مؤمن در حضور دیگران هم از موارد غیبت محسوب می‌شود. غیبت از محرمات بزرگ و از گناهان کبیره است و دارای عذاب و عقابی شدید در آخرت و عواقبی سخت و دشوار در دنیا است و در قرآن کریم به شدت و به صراحت نهی شده است. غیبت چون باعث ریختن آبروی مؤمن می‌شود، از بالاترین خیانت‌ها به حساب می‌آید. در قیامت فرد غیبت کننده، نامه عملش را تهی از کارهای خیری که انجام داده، می‌یابد و حسرت و پشیمانی شدیدی را درک می‌کند. شنیدن غیبت هم مثل غیبت کردن حرام است و خداوند برای آن نیز عذاب و عقاب سختی در نظر گرفته است.

پس بر مؤمنین واجب است، اولاً از غیبت کردن دیگران بپرهیزند و ثانیاً در جایی که غیبت مؤمنی می‌شود، حاضر نشوند یا اگر حاضر هستند، از غیبت و سخن گفتن درباره دیگران جلوگیری کنند.

سخن چینی (نمایی)

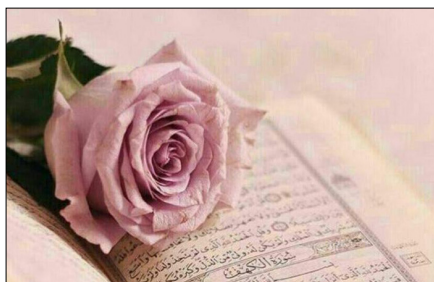
سخن چینی، موجب روشن شدن آتش فتنه و دشمنی در بین مردم می‌شود و عملی حرام است و عذاب سخت اخروی را در پی دارد و به مراتب از قتل و کشتن دیگران شدیدتر و پرخطرتر است. روایات و اخبار بسیاری بر حرمت سخن چینی و حرام بودن بهشت بر شخص سخن چین دلالت روشن دارد. نیمه یا سخن چین، یعنی کسی که سخنی را پشت سر شخصی شنیده و آن را به گوش غیبت شونده برساند یا رازی را که صاحب آن راز، به افشای آن راضی نباشد، فاش کند.

اهانت به مؤمن

مؤمن در نزد خداوند، مقام و منزلتی بس عظیم دارد و خداوند خود را ولی مؤمنین، یار و یاور و ناصر آن‌ها خوانده و آنان را در ردیف خود و پیامبرش قرارداده و خود را مشتری جان مؤمنین نامیده است. از این رو کوچک‌ترین اهانت به مؤمن را حرام و غیرمجاز دانسته و برای آن، عقاب و عذابی سخت

و دردناك قرار داده است. بر اساس آیات و روایات، ارتكاب اعمالی كه درباره مؤمنین غیرمجاز و حرام برشمرده شده، عبارتند از:

دادن دشنام و فحش به مؤمن
ریختن آبروی مؤمن
استهزا و مسخره کردن مؤمن
اهانت و بی احترامی به مؤمن
آزار و اذیت مؤمن
سرزنش کردن مؤمن
خوار و سبك کردن مؤمن
طعنه زدن به مؤمن



اخلاق در قرآن

اخلاق، از علومی است كه در آن، از ارزش خوی‌ها و رفتارهای آدمی بحث می‌شود و از جمله اهداف اصلی در تعلیم قرآنی و رسالت پیامبر اکرم (ص) بوده است. واژه تركیه كه به معنای پاك کردن نفس از رذایل اخلاقی و آراستن آن به فضایل اخلاقی آمده، در قرآن از اهداف رسالت پیامبر (ص) برشمرده

شده و به جز در یک آیه، همواره تزکیه بر تعلیم مقدم بوده است. در قرآن، وجود خلق و خوی، به معنای ملکه‌ای که بر نفس انسان چیره باشد، امری پذیرفته شده است، چنانکه در ستایش از پیامبر اکرم (ص)، ایشان دارای خلقی عظیم معرفی شده‌اند.

انسان در نظام تربیتی اسلام، بر اساس پرورش صحیح می‌تواند از مرز حیوانیت خارج شده و خود را به مقام والای انسانیت برساند و تاج پر افتخار کرامت انسانی را بر سر بگذارد. در یک نگرش اجمالی بر احادیث اخلاقی در سنت نبوی، می‌توان صفاتی چون امانت داری، اقتصاد در کسب و معیشت و پرهیز از دلبستگی به مظاهر دنیا را به عنوان فضایل اخلاقی و صفاتی مانند کذب، غیبت، نفاق و دورویی، حسد، خشم و بد زبانی را به عنوان رذایل اخلاقی برشمرد. در روایات اسلامی، ضمن تأکید بر برنامه‌ریزی روزانه، اوقات روزانه یک مسلمان این گونه تقسیم شده است:

اختصاص قسمتی از روز برای کار و تأمین معاش	اختصاص قسمتی از روز برای عبادت
اختصاص قسمتی از روز برای استراحت و تفریح	اختصاص قسمتی از روز برای معاشرت

اهمیت و ارزش کسب و کار در اسلام

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «کسب روزی حلال بر هر مرد و زن واجب است.» کار و فعالیت برای کسب روزی حلال در زندگی معصومین و ائمه (ع) جایگاه ویژه‌ای داشته است، به طوری که در زندگی همه آن‌ها، نمونه‌هایی از فعالیت و تلاش برای تأمین معاش به چشم می‌خورد. امام کاظم (ع) در این زمینه فرموده‌اند: «پیامبر خدا (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) و پدران بزرگوارم، کسانی بودند که با دست‌های خود کار می‌کردند و کار و کارگری از سیره پیامبر، رسولان و صالحین (ع) است.»

در روایات، شغل حضرت آدم، کشاورزی؛ شغل حضرت ادریس، خیاطی؛ شغل حضرت هود، بازرگانی و شغل حضرت سلیمان، حصیربافی معرفی شده است.

فواید کسب و کار

کسب و کار، علاوه بر تأمین معاش، فواید دیگری نیز دارد که با استفاده از روایات به بعضی از آنها اشاره می‌شود:



آداب کسب و کار

نظم و انضباط در محیط کار

یکی از مفاهیم بدیهی که در هر سازمانی باید رعایت شود، نظم و انضباط کاری است. لازم است تمامی کارمندان در محیط کار، در هر موقعیت شغلی که باشند، خود را با قوانین و مقررات سازمان وفق دهند. این موضوع از به وجود آمدن هرج و مرج در محیط کار جلوگیری می‌کند. رعایت نظم در هر سازمانی، سبب به وجود آمدن محیطی سالم برای کسب و کار می‌شود. به این ترتیب

دستیابی به اهداف سازمان راحت‌تر می‌شود.

کم کاری نکردن (عدم اهتمام شایسته به وظایف محوله)

یکی از آداب کار، این است که انسان مسئولیت کاری را که قبول کرده و در قبال آن مزدی دریافت می‌کند، به نحو احسن انجام دهد و در همان حال، به کاری که سبب ضایع شدن حق کارفرما می‌شود، مشغول نباشد.

غافل نشدن از یاد خدا به واسطه کار

از دیگر آداب کار، این است که انسان به واسطه کسب و کار، از یاد خداوند غافل نشود، به عنوان مثال، به دلیل سرگرم شدن به کار، خواندن نماز اول وقت را فراموش نکند. امام صادق (ع) در تفسیر آیه ۲۷ سوره نور می‌فرماید: «مردمانی هستند که کسب و کار، آنها را از یاد خدا غافل نمی‌کند.» همچنین در جایی دیگر فرموده‌اند: «اینان همان کسبه‌ای هستند که هنگام نماز، کسب و کار آنها را از یاد خدا غافل نمی‌کند و در انجام آن کوتاهی نمی‌کنند.»

تعهد کاری و انجام دادن کار به نحو شایسته

از آداب کار آن است که انسان همواره سعی کند کاری را که به عهده او گذاشته شده، به بهترین شکل انجام دهد و در انجام آن، کوتاهی نکند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «خداوند، آن کارگری را دوست دارد که چون کاری به وی محول شد، آن را نیکو انجام دهد.»

دخالت نکردن در وظایف دیگران

دخالت نکردن در وظایف دیگران، یکی دیگر از آداب مهم انجام کار است و در بحث مدیریت، مسأله بسیار با اهمیتی به شمار می‌رود. دخالت در مسئولیت دیگران، سبب اخلال در مجموعه و نظام‌هایی است که انسان در آن مشغول به کار است.

امانت‌داری

امانت‌داری، یکی از خصلت‌های بسیار مهم فردی و اجتماعی است. ضد امانت، خیانت می‌شود که از نظر عقل و دین، از زشت‌ترین خصایص به شمار می‌آید.

امانت را می‌توان به دو شاخه معنوی و مادی تقسیم کرد. امانت‌های معنوی

شامل ایمان، قرآن، نماز و... و امانت‌های مادی شامل ودیعه مالی، قرض الحسنه، بیت المال، سپرده‌های گوناگون و... می‌شود.

امانت‌داری در قبال هر امانتی، متناسب با آن انجام می‌شود. به عنوان مثال، امانت‌داری در قبال بیت المال برای کسانی که کار دولتی انجام می‌دهند، حفظ آن اموال و استفاده بهینه از آن‌هاست و امانت‌داری در قبال اسرار مردم، افشا و سوء استفاده نکردن از آن اسرار است.

روزهای هفته

در روایات بسیاری، روز جمعه، به خصوص وقت نماز جمعه، کسب و کار نهی شده است. در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ ای مؤمنان! چون برای نماز روز جمعه ندا دهند، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این [اقامه نماز جمعه و ترک خرید و فروش] برای شما بهتر است اگر [به پاداشش] معرفت و آگاهی داشتید. ﴿(جمعه/۹)

مسلمانان در روز جمعه، باید برای انجام مسائل دینی، کسب و کار را رها کنند. امام صادق (ع) در روایتی از پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «اف بر مسلمانی که روز جمعه خویش را برای نفقه در دین خالی نکند.»

مهم‌ترین فواید کار

مهم‌ترین فایده کار از نظر اجتماعی عبارت است از:

جلوگیری از دزدی و سرقت

جلوگیری از مفاسد اجتماعی

جلوگیری از تکدی‌گری

جلوگیری از طلاق

یکی دیگری از فواید کار، این است که انسان می‌تواند با کسب و کار و با دسترنج خویش، در راه آبادانی اجتماع بکوشد و از دسترنج خود به ایتم و فقرا کمک کند.

امام صادق (ع) فرموده‌اند: «امام علی (ع) بیل می‌زد و زمین را احیا می‌کرد و با درآمد حاصل از دسترنج خود، هزاربرده را آزاد می‌نمود.»

زمان و مکان کار

در روایات، زمان مناسب برای انجام کار، صبح زود بیان شده است. پیامبر اکرم (ص) در این باره فرموده‌اند: «صبحگاه به جست و جوی روزی و تأمین نیازمندی‌ها بروید؛ چون صبحگاه موجب برکت و موفقیت است.»

اخلاق در فضای مجازی

بایسته‌های اخلاقی فضای مجازی

از آنجا که فضای مجازی در حوزه سخت‌افزار و نرم‌افزار خلق شده و میلیون‌ها انسان از فرهنگ‌ها و ملیت‌های متفاوت، چنین فرایند پیچیده‌ای را به وجود آورده‌اند، طبیعی است که برقراری امنیت اخلاقی در آن، تنها به مدد فناوری، ممکن نخواهد بود؛ بلکه این امر نیازمند آگاهی بیشتر و احساس نیاز کاربران و شهروندان جامعه مجازی به امنیت، آسایش و رویکردی اخلاق‌مدارانه به ارتباطات در این فضا است.

برخی ضمن جدا کردن حیطه اخلاق حرفه‌ای و مجازی از اخلاق اجتماعی در دنیای واقعی، معتقدند که کاربر کارگزار، خود باید با توجه به خواسته و نیازش، تشخیص دهد که چه چیزی پسندیده و خوب و چه چیزی بد و ناپسند است و به ضررش تمام می‌شود.

براساس این دیدگاه، اخلاق در دنیای مجازی، جدا از اخلاق در دنیای واقعی، در نظر گرفته می‌شود که این خود، زمینه‌ساز دیدگاهی نسبی‌گرایانه در مبحث اخلاق است. به عنوان مثال، دروغ و توهین به افراد یا ارائه مشخصات دروغین برای کسب موقعیت بهتر، در یک فضای مجازی، مجاز شناخته می‌شود، در صورتی که همان مورد، در اخلاق دنیای واقعی، جرم محسوب شده و مطابق با قانون با آن رفتار می‌شود.

در دیدگاه اسلام که رویکردی حقیقت‌گرایانه و مطلق‌گرایانه به مقوله اخلاق دارد، ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی ثابت است، از این رو بین فضای مجازی و فضای حقیقی تفاوت چندانی وجود ندارد. عملی که در فضای واقعی، جرم است، در فضای مجازی هم جرم محسوب می‌شود. نباید گمان کرد کسی که در فضای واقعی، حق توهین، فحاشی و بازی کردن با آبروی دیگران را ندارد، می‌تواند در فضای مجازی، تمامی این جرایم را انجام دهد و مورد بازخواست هم قرار نگیرد. برخی از بایسته‌های اخلاقی فضای مجازی، عبارتند از:

۱- مدیریت زمان

وقت‌گذرانی بیش از حد در فضای مجازی، سبب هدر رفتن «زمان» می‌شود. زمان و برنامه‌ریزی برای استفاده بهینه از آن، به اندازه‌ای مهم است که براساس روایات مربوط به قیامت، بنده در اولین گام با پرسش از «چگونگی استفاده از نعمت عمر» روبه‌رو می‌شود، از این رو انسانِ مدرن، ناگزیر از حضور در همه شبکه‌های اجتماعی موبایلی و غیرموبایلی نیست، بلکه در رویارویی با این فضا، از شبکه یا شبکه‌هایی باید استفاده کند که به گونه‌ای نیاز او را برطرف می‌سازد.

۲- حریم خصوصی افراد

بعضی کاربران، بدون اجازه و رضایت، وارد حریم خصوصی دیگران می‌شوند و چه بسا از آن، علیه شخص استفاده کرده و علیه امنیت جانی، مالی یا امنیت روانی وی اقدامی انجام دهند.

به رسمیت شناختن حریم خصوصی، ریشه عمیقی در تاریخ دارد. در قرآن مجید، در سوره‌های نور و حجرات و نیز در کلام پیامبر اسلام (ص) بر ضرورت احترام به حریم خصوصی تأکید شده است. تجسس و تفتیش، ورود بدون اجازه به منزل دیگران، دزدکی نگاه کردن، فال‌گوش ایستادن، بدگمانی، سخن‌چینی، غیبت، دشنام دادن، اشاعه فحشا و پرده‌داری و بی‌آبرو کردن دیگران از جمله مواردی است که برای حفظ و پاسداشت حریم اشخاص، همه افراد جامعه از آن نهی شده‌اند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ** ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌های شما

نیست، داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گویند. این برای شما بهتر است. باشد که پند بگیرید. ﴿نور/۲۷﴾

براساس این آیه شریفه، هر نوع ورود، بدون اجازه گرفتن از صاحب آن، در هر مکانی - واقعی و مجازی - ممنوع است. واژه «بیوت» (خانه‌ها) را می‌توان تنها به ورود به خانه‌های واقعی منحصر و محدود نکرد و نمونه‌های فراوانی از جمله حریم‌های شخصی موجود در فضای مجازی را نیز مشمول این فرمان الهی دانست. یکی از مهم‌ترین مصادیق نقض حریم خصوصی، هک کردن وبلاگ‌ها و سایت‌های افراد و مؤسسات حقیقی و حقوقی است. فرد هک‌کننده در این اقدام حرام و غیراخلاقی، با استفاده از تکنیک‌ها و نرم‌افزارهای خاص، به حریم خصوصی و اطلاعات حقیقی یا حقوقی دیگران نفوذ کرده و گاهی سوءاستفاده‌های فراوانی از آن‌ها می‌کند.

بدیهی است، مجازی بودن این فضا و سرک کشیدن و ورود به حریم فرد در فضای اینترنت و شبکه‌های پیام‌رسان و دسترسی مخفیانه به اطلاعات خصوصی وی، از حرمت و ممنوعیت این عمل زشت نمی‌کاهد.

۳- رعایت حقوق معنوی

یکی از رذایل اخلاقی مربوط به فضای مجازی، استفاده بدون اذن و رضایت از بعضی نرم‌افزارها یا امکانات رایانه‌ای است. مهم‌ترین مصداق آن، روش معروف کپی‌رایت است. در صورتی که مالک یا صاحبان آن امتیاز، رضایت نداشته باشند، استفاده و کپی‌برداری از آن نمونه و مدل، جایز نیست. قرآن مجید می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ: اِی کسانی که ایمان آورده‌اید، در اموالی که میان شما دست‌به‌دست می‌شود، به ناروا تصرف نکنید و با سبب‌های نادرست، آن‌ها را از دست مردم خارج نکنید و صاحب نشوید، مگر اینکه دادوستدی برخاسته از توافق شما باشد.﴾ (نساء/۲۹)

۴- صداقت

فضای مجازی این قابلیت را دارد که کاربران، چهره، اطلاعات و حتی جنسیت واقعی خود را تغییر داده و پنهان کنند. همین امر باعث ناشناخته ماندن هویت واقعی افراد می‌شود. گفته شده است: «بیش از یک‌چهارم افراد، در فضای

مجازی در مورد نام خود دروغ می‌گویند و بیش از یک‌پنجم نیز از کاری که در فضای مجازی انجام داده‌اند، احساس پشیمانی می‌کنند.» به نظر برخی از کارشناسان، هویت ۴۹ درصد افراد در فضای مجازی معکوس است. به‌طور کلی دروغ، اگرچه در فضای مجازی باشد، باز هم دروغ و بی‌صدافتی است. شش تن از مراجع تقلید شیعه در فتاوی‌ای خود، انتساب اکاذیب به افراد در فضای مجازی را از راه‌هایی نظیر ساختن اکانت و صفحه جعلی، حرام دانسته‌اند.

گشت‌وگذار در سایت‌ها و شبکه‌های پیام‌رسان، موارد فراوانی از دروغ‌پردازی‌های موجود در فضای مجازی را به ما نشان می‌دهد. خبر درگذشت بعضی از هنرمندان، ورزشکاران و چهره‌های معروف جامعه، نمونه‌ای از بی‌شمار دروغ‌گویی‌ها و دروغ‌نویسی‌ها در این فضا است. خبر کذب مرگ مجری سرشناس تلویزیون در ارتباط زنده یکی از برنامه‌های شبکه ورزش که انتشار آن، راهی‌شدن مادر آن مجری به بیمارستان را در پی داشت، از نمونه‌های انتشار اخبار غیرواقعه در دنیای غیرواقعی است.

۵- پرهیز از شایعه‌پراکنی

همیشه افرادی بوده‌اند که برای تفریح، سرگرمی و گذراندن اوقات، اقدام به تولید و نشر شایعه کرده‌اند؛ اما امروزه با ایجاد و گسترش فضای مجازی، انتشار شایعات بیش از گذشته شدت یافته است، به‌گونه‌ای که در زمانی کوتاه، خبر دروغ و شایعه، به راحتی در صفحات وب و شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. متأسفانه برخی کاربران فضای مجازی - که تعدادشان هم کم نیست - هر حرف و ادعایی را بدون کوچک‌ترین تحقیق و پرس‌وجویی پذیرفته و باز نشر می‌دهند.

قرآن کریم برای ترسیم صراط مستقیم در زمینه ارتباطات، اطلاع‌رسانی و مهندسی افکار عمومی، علاوه بر اینکه در پاره‌ای از آیات، مؤمنان را از پیروی چیزی که به آن علم ندارند و تنها برگرفته از شنیده‌ها، ساده‌نگری‌ها، خیالات و اوهام است، منع می‌کند، درباره چگونگی رویارویی با خبر نیز چنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی برای شما خبری آورد، درباره آن تحقیق کنید.﴾ (حجرات/۶)

این آیه شریفه، مؤمنان را از پذیرش خبر از فاسقان، بدون پرس‌وجو از صحت و درستی آن، منع می‌کند و به آنان دستور تحقیق و تفحص می‌دهد. قرآن کریم در یک دستور کلی می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: کسانی که دوست دارند زشتی‌ها و گناهان در میان مؤمنان اشاعه یابد، به عذاب دردناکی در دنیا و آخرت گرفتار خواهند شد.﴾ (نور/۱۹)

اشاعه فحشا، منحصر به این نیست که انسان تهمت و دروغ بی‌اساسی را درباره زن و مرد با ایمان نشر دهد و آن‌ها را به عمل منافی عفت متهم کند؛ بلکه این تعبیر مفهوم وسیعی دارد که هرگونه نشر فساد و اشاعه زشتی‌ها و کمک به نشر آن را شامل می‌شود. در روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) چنین نقل شده است: «كَفَى بِالْمَرْءِ كَذِبًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا يَسْمَعُ: برای دروغگو بودن شخص، همین کافی است که هرچه می‌شنود، بر زبان بیاورد و بازگو کند.»

برخی شایعات نیز که به امنیت اجتماعی یا حوزه سلامت و بهداشت مربوط می‌شوند، خواب آسوده شب را از چشم بسیاری از کاربران می‌ربایند و سبب ایجاد تنیدگی و ناآرامی در جامعه می‌شوند، تنش‌هایی که گاه رفع آن و بازگرداندن آرامش و امنیت به افکار عمومی، هزینه‌های گزافی را بر دوش دولت‌ها می‌گذارد.

خبر مسکن‌های مرگبار، آلودگی آب آشامیدنی، خرماهای داعشی، دلسترهای کورکننده یا مرگ ناشی از بیماری ویروسی ابولا، تنها نمونه‌هایی از این شایعات پراکنده شده در شبکه‌های اجتماعی است. خبر بیماری، مرگ، کناره‌گیری، فساد مالی یا اخلاقی و درنهایت عزل و نصب سیاستمداران، نمونه دیگری از این شایعات است که هریک به تنهایی، پیامدهای ناگوار اجتماعی و سیاسی به دنبال دارد.

۶- پاسبانی حیا

فکری و ذهنی بودن بسیاری از گناهان در فضای مجازی، یکی از دلایل روی آوردن به گناه در این فضا است، بنابراین بدون هیچ حد و مرزی و به دور از چشم مردم، می‌توان به گناه آلوده شد. ارتکاب گناه در فضای مجازی، دوره مقدماتی انجام گناه در فضای حقیقی است. فضای مجازی، فضایی است که شیطان،

انسان را به گناہانی که در فضای حقیقی از انجام آن حیا و شرم دارد، دعوت می‌کند، از این رو رعایت حیا در فضای مجازی، بایسته‌تر از فضای حقیقی است. باید این کلام خداوند را نه آویزه گوش که آویزه قلب و جان خود کرد که فرموده است: ﴿وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْرُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ: و هیچ عملی را انجام نمی‌دهید، مگر اینکه ما شاهد بر شما هستیم در آن هنگام که وارد آن می‌شوید! و هیچ چیز در زمین و آسمان، از پروردگار تو مخفی نمی‌ماند، حتی به اندازه سنگینی ذره‌ای و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر، مگر اینکه در کتاب آشکار ثبت است.﴾ (یونس/ ۶۱)

انتشار برخی تصاویر از مراسم عقد و عروسی، مراسم خصوصی و جشن‌های فامیلی و مختلط در فضای مجازی، مصادیقی از بی‌حیایی است که باهدف قبح‌زدایی صورت می‌گیرد. نشر تصاویر بدون حجاب زنان و دختران در اینستاگرام، آن هنگام تأسف‌آورتر است که در کنار برخی نزدیکانشان مثل پدر، برادر و شوهر مشاهده می‌شوند. این اتفاق به این معناست که آن‌ها اجازه داده‌اند تصاویر ناموسشان در معرض دید عموم قرار گیرد و همه در مورد او و اندام و قیافه‌اش اظهار نظر کنند. امام صادق (ع) در این باره فرموده‌اند: «لا ایمان لمن لا حیاء له: ایمان ندارد کسی که حیا ندارد.»

هدف نهایی دشمن در فضای مجازی

در دنیای امروز، نه تنها نمی‌توان تأثیر شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی را انکار کرد؛ بلکه می‌توان مدعی بود که هیچ ابزار دیگری تا این اندازه تأثیرگذار نیست. به همین دلیل، مستکبران و سلطه‌گران جهانی، برای رسیدن به اهداف شوم خود، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی را به عنوان یکی از ابزارهای اصلی خود انتخاب کرده‌اند.

کشور ما نیز از این امر مستثنی نبوده و شاید بیش از هر کشور دیگری، آماج حمله دشمنان خود در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بوده است. فضای مجازی، یکی از ابزارهایی است که دشمن برای القای دروغ‌های خود به مردم و هدایت افکار عمومی در همان جهتی که مطلوبش است، استفاده می‌کند.

دشمنان کشور ما، چون این توان را در خود نمی‌بینند که با زور و اقدامات قهرآمیز مانند حمله نظامی، بر ایران سلطه پیدا کرده و منافع خود را تأمین کنند، با استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، واقعیت‌های کشور را در دیدگان مردم وارونه جلوه می‌دهند و سعی دارند مردم را از نظام جمهوری اسلامی دور کرده و آنها را در مقابل نظام قرار دهند. نمونه‌های بارز این اتفاق را در حوادث سال ۱۳۸۸ و اغتشاشات سال ۱۴۰۱ مشاهده کردیم.

فصل هفتم

ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران

و

آگاهی‌های سیاسی

گفتار اول: ساختار سیاسی جمهوری اسلامی و آگاهی‌های سیاسی



بسم الله الرحمن الرحيم

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ: هَمَانَا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند.﴾ (حدید/۲۵)

اصول کلی ساختار نظام جمهوری اسلامی
(بر اساس اصول مندرج در قانون اساسی)



حکومت دینی

شیوه حکومت در اسلام

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست؛ بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی، هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود، سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، راهش را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود، از غبارها و زنگارهای طاغوت و همچنین آمیزه‌های فکری بیگانه پاک شد و به مواضع فکری و جهان‌بینی اصیل اسلامی بازگشت و اکنون بر آن است که با موازین اسلامی، جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. براساس چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی آن است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن، انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند، به‌ویژه در گسترش روابط بین‌الملل با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار سازد ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾: همانا این امت شماست، امتی یگانه و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید. (انبیاء/۹۲) و استمرار مبارزه، در نجات ملل محروم و تحت ستم، در تمامی جهان، قوام یابد. با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی، تضمین‌گر نفی

هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی است و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند ﴿...و یضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم...﴾ (اعراف/۱۵۷) در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود، پایه تشکیل جامعه است، براساس تلقی مکتبی، صالحان، عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌شوند. ﴿ان الأرض يرثها عبادي الصالحون﴾ (انبیاء/۱۰۵) و قانونگذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است، بر مدار قرآن و سنت، جریان می‌یابد.

بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل، پرهیزکار و متعهد (فقهای عادل) امری محتوم و ضروری است و هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است ﴿وإلى الله المصير﴾ (نور/۴۲) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونه انسان فراهم آید (تخلّقوا بأخلاق الله) که این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد. باتوجه به این جهت، قانون اساسی، زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌کند تا در مسیر تکامل انسان، هر فردی خود دست‌اندرکار و مسؤول رشد و ارتقا شود که این همان، تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. ﴿ونريد أن نمنّ على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين﴾ (قصص/۵).

ولایت فقیه عادل



بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود (مجاری الأمور بید العلماء بالله الأمانة علی حلاله و حرامه)، آماده می‌کند تا ضامن انحراف نیافتن سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد.

اصل اول قانون اساسی

حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود، به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت الله العظمی امام خمینی (ره)، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی با اکثریت ۹۸ درصد، کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

اصل پنجم قانون اساسی

در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) در جمهوری اسلامی ایران، ولایت امر و امامت امت به عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌شود.



وظایف و اختیارات رهبری در اصل ۱۱۰ قانون اساسی

رهبر

اصل یکصد و هفتم قانون اساسی

پس از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (قدس سره الشریف) که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقه‌های واجد شرایط بررسی و مشورت می‌کنند. هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می‌کنند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را به عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

اصل یکصد و نهم قانون اساسی

در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد، مقدم است.

ویژگی‌های رهبری
(اصل یکصد و نهم)

صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه

عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام

بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت،
مدیریت و قدرت کافی برای رهبری

وظایف رهبری (اصل یکصد و دهم)



اصل یکصد و دهم قانون اساسی

رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.

مجلس خبرگان رهبری:

«مجلس خبرگان رهبری از نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی ایران است که وظیفه اصلی آن، انتخاب رهبر جمهوری اسلامی ایران و نظارت بر عملکرد ایشان است. هر دوره این مجلس، هشت سال است و اعضای آن را مردم انتخاب می‌کنند. این انتخابات به صورت استانی برگزار می‌شود. شرط حضور در آن، داشتن توانایی اجتهاد است. تعداد نمایندگان مجلس خبرگان ۸۸ نفر است. این مجلس نخستین بار در سال ۱۳۶۲ شمسی تشکیل شد. مجلس خبرگان بعد از درگذشت امام خمینی (ره) در ۱۴ خرداد سال ۱۳۶۸ خورشیدی، آیت الله سیدعلی خامنه‌ای را برای رهبری جمهوری اسلامی ایران انتخاب کرد.

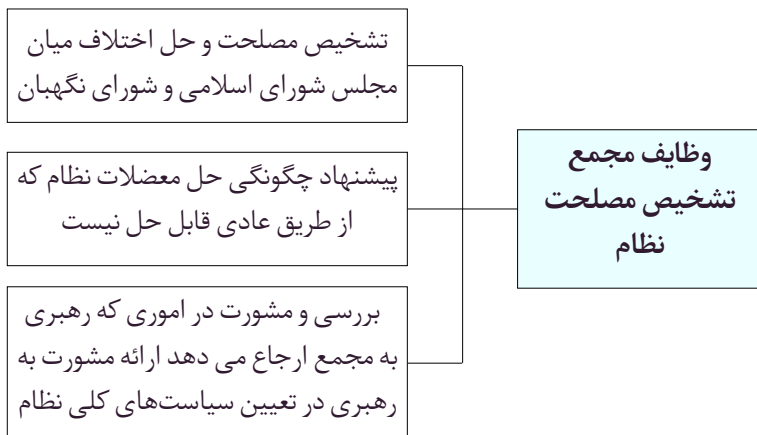


مجمع تشخیص مصلحت نظام:

اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام را رهبر جمهوری اسلامی تعیین می‌کند؛ این اعضا معمولاً متشکل از دو گروه حقوقی و حقیقی هستند. اعضای حقوقی عبارتند از: رؤسای سه قوه، فقهای شورای نگهبان، وزیر یا رئیس دستگاه مرتبط با موضوع مورد بحث و رئیس کمیسیون مربوط به موضوع بحث از مجلس شورای اسلامی. اعضای حقیقی عبارتند از: اعضای حقیقی در دوره‌های مختلف تغییر کرده‌اند. سید علی خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی، موحد کرمانی و ... به ترتیب رؤسای هشت دوره مجمع بوده‌اند.

وظایف مجمع تشخیص مصلحت نظام

وظایف چهارگانه به شرح زیر به عهده مجمع تشخیص مصلحت نظام است تا به عنوان حلقه تکمیلی در حاکمیت نظام جمهوری اسلامی و در شرایط مختلف ایفای نقش کند:



اصل ششم قانون اساسی

در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید با اتکا به آرای عمومی اداره شود. از طریق انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می شود.

اصل دوازدهم قانون اساسی

دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی، اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل بوده و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر يك از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد

بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

اصل سیزدهم قانون اساسی

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی، طبق آیین خود عمل می‌کنند.

اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

قوه مقننه	قوه قضائیه	قوه مجریه
-----------	------------	-----------

این قوا زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت و طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌شوند. این قوا مستقل از یکدیگر هستند.

اصل نود و یکم قانون اساسی

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان تشکیل می‌شود. شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز (انتخاب این عده با مقام رهبری است)

۲- شش نفر حقوقدان در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی و با رأی مجلس انتخاب می‌شوند.

اصل نود و چهارم قانون اساسی

کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را

مغایر ببیند، برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت، مصوبه قابل اجراست.

اصل نود و نهم قانون اساسی

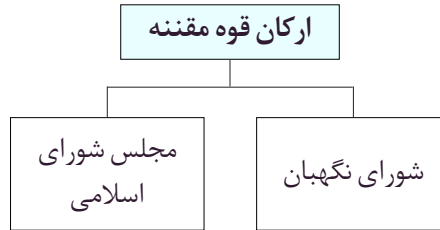
شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی را به عهده دارد.



قوه مقننه

یکی از مهم‌ترین قوای سه‌گانه در هر کشوری، قوه مقننه است. این قوه، در واقع یک نهاد حاکمیتی است که وظیفه قانونگذاری را به عهده دارد. قوه مقننه یا همان مجلس شورای اسلامی که اعضای آن از سوی مردم انتخاب می‌شوند، در حقیقت، نماینده مردم هستند و قانونگذاری می‌کنند. قوه مجریه نیز قانون را اجرا کرده و قوه قضائیه هم بر اجرای قانون نظارت دارد. بنابراین بنیانگذار و واضع اصلی قوانین در کشور، مجلس شورای اسلامی یا قوه مقننه کشور است.

به صورت کلی، قوه مقننه دارای دو رکن اصلی است:



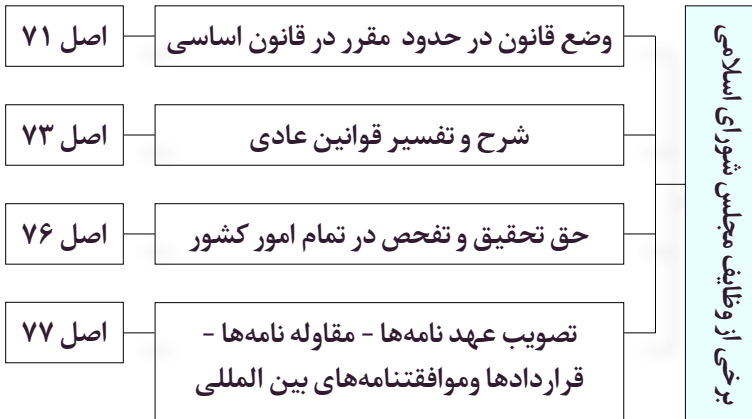
مجلس شورای اسلامی

اصل شصت و دوم قانون اساسی

مطابق با قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد.

اصل شصت و سوم قانون اساسی

دوره نمایندگی در مجلس چهار سال است. انتخابات دوره جدید، باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود. علت این موضوع، آن است که مجلس شورای اسلامی در هیچ برهه‌ای از زمان، بدون اعضا نباشد. اختیارات و مسئولیت‌های مجلس شورای اسلامی:

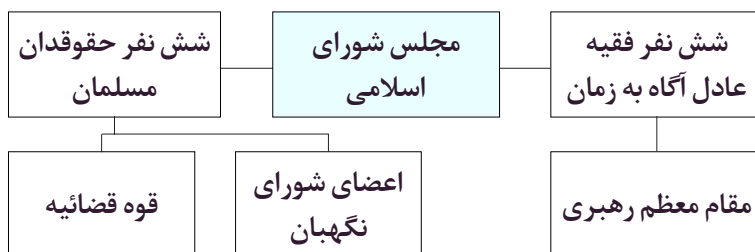


شورای نگهبان

یکی از نهادهای نظارت بر قانون، شورای نگهبان است که وظیفه دارد مصوبات مجلس شورای اسلامی را دقیقاً بررسی کند تا با قانون اساسی یا شرع اسلام یا اصول و قواعد مذهب رسمی کشور، یعنی شیعه دوازده امامی مخالفت نداشته باشد.

اصل نود و دوم قانون اساسی

اعضای شورای نگهبان، دوازده نفر هستند.



وظایف شورای نگهبان

وظایف شورای نگهبان
بررسی کلیه مصوبات شورای اسلامی (اصل ۹۴)
تفسیر قانون اساسی (اصل ۹۸)
تشخیص عدم مغایرت و عدم تعارض مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام و قانون اساسی (اصل ۹۶)
نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی (اصل ۹۹)

قوه مجریه

قوه مجریه، یکی از قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران است که زیر نظر ولایت امر و بر طبق قانون اساسی عمل می کند.

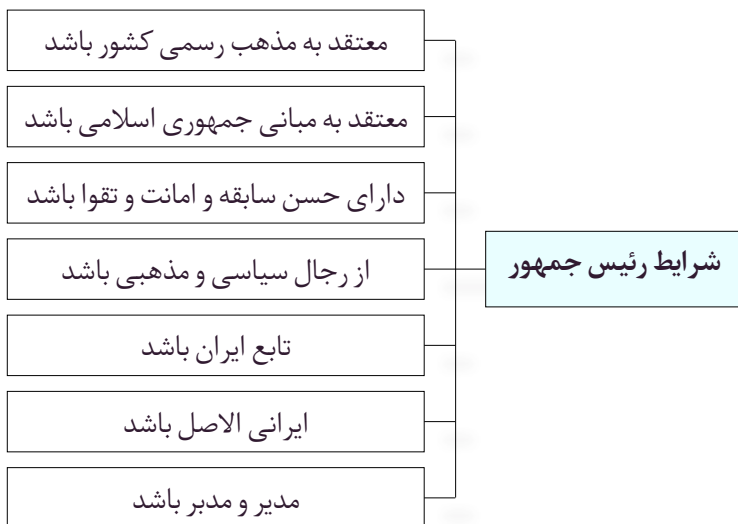
ریاست جمهوری

اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی

رئیس این قوه، پس از مقام رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست این قوه را، جز در مواردی که به طور مستقیم به رهبری مربوط می‌شود، به عهده دارد. **شرایط ریاست جمهوری:**

اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی

از آنجا که ریاست جمهوری از موقعیت حساس و مهمی برخوردار است، قانون، شرایط سختی را برای احراز این مقام در نظر گرفته که این شرایط عبارتند از:



مدت دوره ریاست جمهوری

اصل یکصد و چهاردهم قانون اساسی

دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، چهار سال است و از تاریخ تنفیذ اعتبارنامه به وسیله مقام رهبری آغاز می‌شود. انتخاب مجدد رئیس جمهور، به صورت متوالی تنها برای یک دوره، بلامانع است.

اصل یکصد و سی‌ام قانون اساسی

اختتام دوره ریاست جمهوری یک شخص، با پیدایش یکی از عوامل یا حالات

زیر صورت می‌گیرد:

عوامل اختتام ریاست جمهوری
عزل رئیس جمهور
غیبت یا بیماری بیش از دو ماه
استعفا
پایان دوره چهار ساله
فوت رئیس جمهور

رئیس جمهور وظایفی دارد که عناوین آن در جدول زیر آورده شده است:

وظایف و اختیارات رئیس جمهور
اجرای قانون اساسی
ریاست هیأت وزیران (۱۳۴)
مسئولیت روابط خارجی، انتخاب سفیران و پذیرش استوارنامه سفیران کشورهای دیگر (اصل ۱۲۸)
اعطای نشان دولتی (اصل ۱۲۹)
امضای عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و امضای پیمان‌های مربوطه پس از تصویب مجلس شورای اسلامی (اصل ۱۲۵)
امضای مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی پس از طی مراحل قانونی (اصل ۱۲۳)
مسئولیت برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی (اصل ۱۲۶)



قوه قضائیه

اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی

قوه قضائیه، قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

وظایف قوه قضائیه

اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی

کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام	رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات	
اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین	احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع	نظارت بر حسن اجرای قوانین

وظایف رئیس قوه قضائیه

اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی

استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت	ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌ها (اصل ۱۵۶)
تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی	

دیوان عالی کشور

اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود، براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند، تشکیل می‌شود.

دیوان عدالت اداری

اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأموران یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌شود.

سازمان بازرسی کل کشور

اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی

براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود.

گفتار دوم : جهاد تبیین

جهاد تبیین یک فریضه قطعی و فوری است.



مقدمه

در عصر تکنولوژی و ارتباطات، ظهور جمهوری اسلامی با ایدئولوژی پابندی به ارزش‌های اسلامی و انسانی و مقابله با استکبار و حمایت از مستضعفین جهان با حرکت پرشتاب، موجب شد تا دستگاه‌های تبلیغاتی غرب، تمام تلاش خود را به کار گیرند تا ضمن کارشکنی و فتنه‌گری، مشکلاتی را برای جمهوری اسلامی ایجاد کنند. از جمله هشت سال دفاع مقدس و فتنه‌های مختلف مانند:

فتنه سال ۷۸: که به دنبال ناآرامی درکوی دانشگاه، درتیر سال ۷۸ و به بهانه توقیف روزنامه سلام آغاز شد.

فتنه سال ۸۸: که به دنبال ادعای دروغین تقلب در انتخابات شکل گرفت و با الگوپذیری از انقلاب رنگین مردم اکراین، با هدف تغییر نظام جمهوری اسلامی انجام شد.

فتنه سال ۹۸: که به دنبال تغییر قیمت بنزین در تهران و برخی شهرهای بزرگ شکل گرفت.

فتنه سال ۱۴۰۱: که به بهانه فوت مهسا امینی و به دنبال اعتراض به حجاب شکل گرفت.

این حوادث، ماه‌ها کشور را به آشوب کشاند و با حمایت همه جانبه کشورهای غربی، به خصوص آمریکا و با عاملیت پیاده نظام‌های داخلی اعم از سازمان منافقین و تعدادی از معاندین، مخالفین و عده‌ای اراذل و اوباش، نظام را با خطری جدی مواجه ساختند. دشمنان نظام، همواره با این روش خواسته‌اند از الگوسازی انقلاب اسلامی به سایر نقاط جهان جلوگیری کرده و این نظامی را که براساس آموزه‌های اسلامی شکل گرفته، ناکارآمد جلوه دهند و جلوی تشعشع نور انقلاب را در داخل کشور و سایر نقاط جهان بگیرند. به همین دلیل تلاش می‌کنند تا شاید در این روند امید آفرین برای ملت ایران تغییر ایجاد کنند.

در چنین وضعیتی، باید در مقابل جنگ ترکیبی دشمن، به جهاد ترکیبی دست زد. از آنجا که دشمن در جنگ ترکیبی‌اش علیه ملت ایران، بر جنگ شناختی تمرکز کرده، ملت ایران هم برای خنثی‌سازی این جنگ، باید روی «جهاد تبیین» به منزله راهبرد اصلی مقابله، تمرکز و حق جهاد تبیین را ادا کند. دلیل تأکیدهای پی‌درپی رهبر حکیم انقلاب اسلامی روی جهاد تبیین، تمرکز دشمن بر تبلیغات است. ایشان، تنها راه علاج این تبلیغات گمراه‌کننده را «جهاد تبیین» می‌دانند و سال گذشته، آن را فریضه‌ای قطعی و فوری اعلام کرده و همگان را به این جهاد فراخواندند.

کار دشمن در این جنگ، تلاش برای فریب از طریق دروغ‌گویی، شایعه‌سازی، سیاه‌نمایی، بزرگ‌نمایی ضعف‌ها و کوچک‌شماری یا انکار افتخارات، موفقیت‌ها و پیشرفت‌هاست. دشمنان با ابزار رسانه و شیوه‌های هنری، تلاش می‌کنند از انقلاب، امام، رهبری، جمهوری اسلامی، روحانیون، سپاه، بسیج و هر آنچه به انقلاب اسلامی برمی‌گردد، تصویرسازی غلط و منفی و در نقطه مقابل از جبهه مقابل انقلاب، تصویرسازی مثبت کنند. هدف دشمن در این جنگ، برای نمونه بدبین‌سازی مخاطب، به‌ویژه نسل جوان ناآگاه به تاریخ، نسبت به

اصل انقلاب اسلامی و خوش‌بین‌سازی آنان نسبت به رژیم فاسد، مستبد و وابسته پهلوی است. نقشه عملیاتی دشمن چیست؟ تغییر نگرش، یعنی تغییر واقعیت‌ها. کاریکاتورکردن واقعیت و بزرگ‌نمایی غیرواقعیت، تعمیم دادن و جابه‌جا کردن اصل و فرع، تحریف واقعیت و قلب حقیقت.

خلاصه اینکه جنگ، جنگ روایت است. اگر نگرش‌ها تغییر کند، ارزش نیز تغییر می‌کند و از عزت نفس ملی به خود تحقیری‌ها می‌رسیم. هدف نهایی جهاد تبیین چیست؟ روشننگری و روایت حقیقت. باید ابرها کنار روند تا خورشید تابان شود.

با توجه به اهمیت و نقش رسانه و تبلیغات در این برهه حساس، مقام معظم رهبری، جهاد تبیین را به عنوان راهبرد اصلی مقابله با این شکل جدید تهاجم عنوان کردند و در سال‌های اخیر، ابعاد مختلف این نوع جهاد و مبارزه را برای مردم بیان فرمودند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، درباره رسالت روشننگری و جهاد تبیین فرموده‌اند: «خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم، به‌خصوص جوان‌ها، «حرکت تبیین»، خنثی‌کننده این توطئه و حرکت دشمن است.

هرکدام از شما به عنوان یک وظیفه، مثل یک چراغ، مثل یک نور پیرامون خودتان را روشن کنید. این فضای عمومی در کنار مشکلاتی که ممکن است به وجود بیاورد، برکات بزرگی هم دارد. می‌توانید افکار درست را، افکار صحیح را منتشر کنید. پاسخ به اشکالات را، پاسخ به ابهام‌آفرینی‌ها را در این فضا با استفاده از این امکان منتشر کنید و می‌توانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید؛ البته باید از شیوه اخلاقی در این کار پیروی کرد.

باید حقایق را با منطق قوی، سخن متین و عقلانیت تکامل، همراه با زینت عاطفه و عواطف انسانی و به کارگیری اخلاق منتشر کرد. بنابراین کسی که می‌خواهد در روزگار کنونی، «جهاد تبیین» انجام دهد، باید سه کار اساسی را سرلوحه خود قرار دهد:

۱	مغزها، قلب‌ها و دل‌های به تصرف دشمن درآمده از طریق تبلیغات دروغین را آزاد کرده و به جبهه ملت و انقلاب برگرداند.
۲	با بصیرت‌افزایی به‌هنگام، نگذارد جوانان تحت تأثیر تبلیغات دروغین دشمن قرار گیرند.
۳	در جهاد تبیین افزون بر افشای دروغ‌های دشمن در مورد انقلاب اسلامی و تبیین حقایق، واقعیت‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی، به صورت تهاجمی چهره واقعی دشمن و واقعیت‌های نظام سلطه، جنایت‌ها و خیانت‌های آنان را افشا کند.

معنای جهاد تبیین

تبیین: یعنی بیان حقیقت و ازبین بردن غبار جهالت و تحریف از اذهان. ذهن انسان ممکن است دچار ابهام شود، مورد تحریف قرارگیرد و دشمن یا هر فرد دیگری آن را از مسیر حقیقی و عقلانی خودش منحرف کند. باید توجه داشت که هرکاری از نظر اسلام، جهاد نیست. مهم‌ترین عنصر جهاد به معنای اسلامی و قرآنی، تقابل با دشمن است. جهاد، یعنی هر کاری که در تقابل با دشمن و فی سبیل الله باشد. شما اگر کار اقتصادی بکنید، برای مقابله با دشمن، می‌شود جهاد؛ کار علمی و تحقیقی بکنید برای مقابله با دشمن، می‌شود جهاد؛ حرف بزنید، تبیین کنید برای خنثی کردن وسوسه دشمن، می‌شود جهاد؛ اینها همه جهاد است.

موضوعات نیازمند تبیین

در اینجا برخی از موضوعاتی که به تبیین نیاز دارد، از دیدگاه مقام معظم رهبری بیان شده است:

موضوعاتی که به تبیین نیاز دارد	
تبیین دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، در «تحکیم پایه‌های مردمی نظام و حفظ و تداوم آن» نقش دارد؛ زیرا دشمن بر القای ناکارآمدی آن در افکار عمومی در تلاش بوده و دستاوردهای ایران را پس از انقلاب اسلامی، به مردم کوچک نشان می‌دهد.	دستاوردها و کارآمدی نظام
راه بیرون رفتن از مشکلات اقتصادی، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی مانند اقتصاد مقاومتی، استفاده از ظرفیت نیروی جوان و اولویت دادن به تولید ملی دانسته شده که نیازمند تبیین و روشنگری است.	ظرفیت‌های گوناگون کشور
تاریخ‌نگاری مشروطه باید به صورت مستند، انجام شود؛ زیرا حقایق این دوره تاریخی و سرکوب مردم در این دوران، از سوی حکومت‌های وابسته به غرب، به تبیین نیاز دارد.	تاریخ دوران مشروطه
مسأله نفوذ در کشور ایران یکی از برنامه‌های جدی دشمن خوانده شده و با هدف تغییر دادن محاسبات مدیران (شیوه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در اداره کشور) و باورهای مردم نسبت به اسلام سیاسی و انقلاب اسلامی، صورت می‌گیرد.	خطر نفوذ
برای این‌که تصور نشود چون دشمن بُمب و موشک یا دستگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای قوی دارد، لازم است عقب‌نشینی کنیم؛ باید نظریه اصیل مقاومت را، از لحاظ نظری و عملی، تبیین و ترویج کرد.	اندیشه مقاومت
سبک زندگی باید بر اساس معارف اسلامی تبیین شود؛ زیرا سبک زندگی غلط که ناشی از مشکلات فرهنگی و فرهنگ حاکم بر ذهن‌هاست، بر اثر تقلید از سبک زندگی غربی، به وجود می‌آید.	سبک زندگی اسلامی

سیاست تفرقه بین مسلمانان، از سوی دشمنان اسلام از هر جنگ نظامی یا حرکت سیاسی و چالش اقتصادی با صرفه‌تر بوده و با هدف شکست دادن جبهه حق و عقب‌نشینی او صورت می‌گیرد که باید در نقطه مقابل آن حرکت کرده و موضوعات وحدت‌آمیز را ترویج کرد.	حفظ وحدت
تبیین حقوق بانوان و تفاوت آن با حقوق مرد، لازم است و باید بر اساس معارف اسلامی و طبیعت و فطرت هر دو صورت گیرد.	حقوق زن

البته برای توفیق در این جهاد مقدس، باید به الزام‌های آن، از قبیل داشتن اخلاص، توکل، توسل، اطلاعات درست، زبان گویا، ذهن فعال، صبر و حوصله برای شنیدن و گوش دادن، به‌ویژه به حرف‌های جوانان توجه داشت.

وظایف ما در جهاد تبیین

هریک از ما می‌توانیم با انجام کارهای زیر در جهاد تبیین نقش آفرین باشیم:

تبلیغ جهاد تبیین
پاسخ به شبهه‌ها در فضای مجازی و حقیقی
باز نشر محتواهای مفیدی که دیگران تولید کرده‌اند
تولید محتوا در فضای مجازی و باز نشر آن
تشکیل حلقه‌های معرفتی
گفت و گوی چهره به چهره

یکی از مهم‌ترین کارهای ما، این است که جهاد تبیین را تبلیغ کنیم. به مردم بگوییم که چه وظایفی دارند و چه کارهایی باید انجام بدهند. جهاد تبیین، یعنی نسبت به ذهن غبارآلود اطرافیانمان بی تفاوت نباشیم. آنچه از دیدگاه رهبری در این خصوص به روشنگری نیاز دارد، بیان دستاوردهای انقلاب است.

گفتار سوم: دستاوردهای انقلاب اسلامی



نگاهی به مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری

۴۵ سال از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی می‌گذرد. این انقلاب، پدیده‌ای الهی و مبارک بود که در اواخر قرن بیستم، جهان را به لرزه درآورد و نور امید را در دل مسلمانان و مستضعفان عالم روشن کرد.

اکنون پس از گذشت چهار دهه از عمر گرانیامیه این شجره پر امید، نیکوست به بازخوانی برخی دستاوردهای آن پرداخته شود تا برخی گمان نکنند که به‌سادگی به بار نشسته و در حفظ آن کوشا تر باشند. این انقلاب عظیم، دستاوردهای فراوانی در داخل و خارج از کشور داشته و سال‌ها طول می‌کشد تا همه آثار و نتایج این پدیده الهی آشکار و مورد تحلیل قرار گیرد. در اینجا گوشه‌ای از ابعاد وسیع آن بررسی می‌شود. در این قسمت، تلاش می‌کنیم تا داشته‌های ملت ایران را پس از گذشت ۴۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، در حوزه‌های مختلف از جمله «سلامت و بهداشت»، «امنیت»، «آموزش عالی»، تحقیقات و فناوری»، «اقتصاد»، «قانونگذاری» و ... بررسی کنیم.



دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «سلامت و بهداشت»

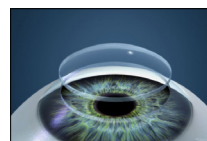
با اجرای طرح واکسیناسیون ملی فلج اطفال به همت بسیجیان و پوشش ۹۵ درصدی، فلج اطفال در کشور ریشه کن و بیماری‌های عفونی مالاریا، سل و وبا در ایران کنترل شده است. درحالی‌که کشورهای همسایه هیچ‌کدام نتوانسته‌اند در این زمینه موفق عمل کنند.



ایران امروز، جزو کشورهای برتر جراحی قلب در دنیاست و از معدود کشورهایی است که عمل پیوند قلب در آن صورت می‌گیرد.



بانک قرنیه در جمهوری اسلامی، یکی از بهترین بانک‌های قرنیه در دنیاست و ظرف ۲۴ ساعت قرنیه مورد نظر بیمار آماده می‌شود.



در زمان شاه، درصد بالایی از پزشکان ایران، وارداتی از بنگلادش، فیلیپین، هند و پاکستان بودند؛ اما امروزه از ۵۳ کشور جهان برای درمان به ایران مراجعه می‌کنند.



دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «استقلال ملی و اقتدار

بین‌المللی»

در پنج قرن اخیر مساحت ایران از ۳/۵ میلیون کیلومتر مربع به ۱/۷ میلیون کیلومتر مربع کاهش یافت. انقلاب اسلامی با وجود هجوم ابرقدرت‌ها، یک وجب از خاک ایران را هم به بیگانان نداد.

رضاخان بدون یک دقیقه مقاومت، سرزمین ایران را به ارتش‌های متجاوز شوروی، انگلیس و آمریکا تسلیم کرد.

بحرین، استان چهاردهم ایران، با بی‌عرضگی محمدرضا پهلوی، تحویل انگلیس شد.

انقلاب اسلامی ننگ کاپیتولاسیون را از چهره ملت ایران پاک کرد. (سپردن حق رسیدگی قضایی جرایم اتباع و شهروندان بیگانه به نماینده حقوقی دولت بیگانه)

نتیجه سلطه آمریکا و اسرائیل بر اقتصاد ایران برابر آمار جهانی سال ۱۳۵۷ این بود که ۴۹ درصد مردم ایران زیر خط فقر زندگی می‌کردند.

دو قرن پیش از انقلاب اسلامی، عزل و نصب وزیران و نخست‌وزیر، حتی عزل و نصب شاه ایران با بیگانگان بود.

در سال ۱۳۵۶، حقوق مستشاران نظامی آمریکا ۱۷ میلیارد تومان و حقوق کل نظامیان ایران ۱۴ میلیارد تومان بود. آن‌ها بر همه مقدرات مردم حکومت می‌کردند. سفارت آمریکا در تهران با ۴ هزار کارمند عملاً اداره تمام امور ایران را در اختیار داشت.



دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «اقتصاد»

ارتقای هشت پله‌ای اقتصاد ایران پس از انقلاب اسلامی در حالی محقق شده است که میزان فروش نفت خام به یک چهارم قبل از انقلاب، کاهش یافته و جمعیت از ۳۶ میلیون به ۸۱ میلیون نفر افزایش یافته است.

به استناد آمار بانک جهانی و همه مؤسسات مهم اقتصادی بین‌المللی، اقتصاد ایران با ۸ رتبه ارتقا، از جایگاه ۲۶ جهانی به رتبه ۱۸ در سال (۱۳۹۶) صعود کرده و جزء ۲۰ قدرت اقتصادی جهان به حساب می‌آید.

قبل از انقلاب فقط ۵ درصد نیازهای بخش دفاعی ایران تولید داخلی بوده و در حال حاضر ۹۰ درصد آن تولید داخلی است و مازاد بر این، در حدود ۵ میلیارد دلار در سال هم صادرات دارد که می‌تواند الگوی مناسبی برای همه بخش‌های اقتصادی کشور به شمار رود.

ارتقای ۸ رتبه‌ای اقتصاد ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در حالی اتفاق افتاده که نظام سلطه بین‌المللی، تمام توان خود را برای فلج کردن اقتصاد ایران به کار گرفته است. اهم این توطئه‌ها، تحمیل ۸ سال جنگ، چهل سال تحریم و... است.



دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «امنیت»

الگوی امنیتی ایران، منطقه را از خطر داعش نجات داد.

انقلاب اسلامی امنیت خشن شکنجه محور شاه را به امنیت مردمی مبتنی بر اعتماد، ایمان و عشق بدل کرد.

با وجود پشتیبانی همه قدرت‌های جهانی از شاه، مردم در خانه خود هم امنیت نداشتند. در حال حاضر با وجود توطئه‌های فراوان، در امنیت کامل هستیم.

جمهوری اسلامی ایران در عین مبارزه مستمر با دولت‌های ظالم و مستکبر از امن‌ترین کشورهای جهان است و امنیت و آرامش امروز ما مدیون ایثار و جان‌فشانی شهداست.

جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه، سنگین‌ترین تهاجمات نظامی، تروریستی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را با صلابت در هم شکست.



دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «آموزش عالی، تحقیقات و فناوری»

در منطقه رتبه نخست و در جهان رتبه ۱۳ در حوزه زیست فناوری
جزو ۱۲ کشور دارای چرخه کامل فناوری فضایی
تحصیل بیش از ۳۴ هزار دانشجوی غیر ایرانی (بورس و غیر بورس) در داخل کشور
کسب رتبه ۲۱ جهان در مقالات علمی
پیشرفت دانش پزشکی در حوزه سلول‌های بنیادی و...
۵ برابر شدن تعداد انجمن‌های علمی نسبت به پیش از انقلاب اسلامی
رتبه چهارم جهانی در عرصه نانو
کسب رتبه ۱۵ جهانی و رتبه اول منطقه در زمینه فناوری و تحقیقات سلول‌های بنیادی
رتبه نخست جهان در سرعت رشد علمی

دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه «رفاه و ارتقاء سطح زندگی»



کتابنامه

- قرآن کریم
- قانون اساسی جمهوری اسلامی
- قانون گزینش، آیین‌نامه اجرایی و مجموعه دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها، هیات عالی گزینش
- کتابچه آموزشی، هیات عالی گزینش، مرداد ۱۳۹۶
- پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان ۱۳۹۳
- تلخیص اصول عقاید، محسن قرائتی، سازمان چاپ و انتشارات اوقاف ۱۳۹۱
- احکام دین ۱، ۲، ۳، محمد حسین فلاح زاده، صحافی ایمان ۱۳۹۲
- احکام بانوان، محمد وحیدی، مؤسسه بوستان کتاب ۱۳۹۳
- ده درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر، محسن قرائتی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۹۳
- احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، مسعود معصومی، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه ۱۳۸۲
- احکام آموزشی رساله آموزشی سابق منتخبی از رساله حضرت امام خمینی (ره)
- آموزش مصور احکام عبادات، مطابق با فتوای حضرت آیت اله العظمی خامنه‌ای (دام ظلّه)
- احکام فضای مجازی، محمود صادقی، انتشارات بوستان کتاب

معرفی منابع برای مطالعه بیشتر

- معراج السعاده، ملا احمد نراقی
- معرفت نفس، علامه حسن زاده آملی
- مسأله حجاب، شهید مرتضی مطهری
- جهاد تبیین، حضرت آیت اله العظمی خامنه‌ای (دام ظلّه)
- اخلاق کارگزاران، آیت اله جوادی آملی
- آموزش عقاید، آیت اله محمد تقی مصباح یزدی

